

سینما و تئاتر پاسا‌صهیونیستی

ایلان پایپه ترجمه محسن کرپاسرفروشان بخش اول



وقتی من خوش‌بینانه پیرامون رسانه پاسا‌صهیونیستی در سالهای ۱۹۹۰ می‌نوشتیم، به اشتباه تصور می‌کردم که لیبرالیسم سرانه چه صهیونیستی‌گانه خواهد داد افکار و نظرات متفاوت و متضاد پیرامون صهیونیسم آزادانه مطرح شود؛ اما دیدم برای مطبوعات اسرائیلی ممکن نیست که برای مدتی طولانی چنین اعتقافی داشته باشند. سازندگان فیلم تقسیم‌بندی‌جالب‌تری میان هنرمندان غیرصهیونیست و لیبرال صهیونیست داشتند؛ میراث پاسا‌صهیونیستی آنان، تأخیر و تردید طولانی‌تری داشته‌است. این میراث می‌تواند تأثیری ماندگارتر بر ایده اسرائیل آیدهای که پراسان آن کشور بهود ساخته و پرداخته شد، در آینده داشته باشد. «ما ختر شما را می‌بوسیم، ژنرال بوم!» اگر به خاطر شما نبود، ما نمی‌بوسیدیم کلوم که بی یاد می‌آورم چگونه شاه‌نامه‌ها پایان یں افتاد، وقتی صحرایها می‌افتادند، ژنرال بوم! من دو پسرِم را از دست دادم، اگر به خاطر شما نبود، من داشتم کلوم که بی یاد می‌آورم چگونه چشمانتان از خون سرخ بود، ژنرال بوم من هم کمی غرق در خون بودم، اگر به خاطر شما نبود، هیچ چیز باقی نمی‌گذاشتم جز کلوم

به چانه همین است که شما را دوست داریم، ژنرال بوم! گونه‌های سرخ‌شدهٔ شما را در میهمانی‌ها و پیمان راست و محکم شما را در روزنامه‌های عصر به همین خاطر ما ختر شما را می‌بوسیم، ژنرال بوم! اگر به خاطر شما نبود، باقی می‌ماندیم با کلوم.»
باان قطعه‌شعر، نمایشنامه‌نویس اسرائیلی، **هانوخ لوین**، در نمایشنامه اتو، من و جنگ بعدی،، ژنرال‌های جنگاور در تاریخ اسرائیل و محترم در حوزهٔ عادات و رسوم قومی و شخصیت ملی آن کشور را به رخشندگی می‌گیرد. لوین متولد ۱۹۳۳ در تل آویو است. او این نمایش را در کاباره کوچکی در تابستان سال ۱۹۶۸ به روی صحنه برد؛ وقتی که مردم اسرائیل غرق در سرخوشی و نشاط مسیحیایی بعد از پیروزی در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ بودند. از آن به بعد، بسیاری از نمایش‌های او بی‌زاری‌اش را نسبت به پذیرش طبیعت نظامی‌گری و ملی‌گرایانه صهیونیستی فرستاد، سیاست‌ها و رفتارهای انسانی در اسرائیل، نشان می‌دادند. او با آشنای تمام، زندگی رایج و متعارف مردمان معمولی را با همه بدبختی و نکبت و خشونت و بی‌رحمی و آرزوهاشان به‌صحنه می‌برد. نمایشی از او به نام «ملکهٔ وان حمام» که در سالل ۱۹۷۰ به روی صحنه رفت، به همه عادات و رسوم قومی و شخصیت ملی اسرائیلی پرداخت، به همه نجات که نخبگان سیاسی زخم‌خورده و موبد اهات واقع شده از آن، سانسور و ممنوعیت‌های سال‌ها طول کشید که دوباره مجوز حضور در تئاتر را بیابد. در دهه‌های ۱۹۷۰، ۱۹۹۰، نمایش‌های همراه طغنه‌آمیز او که بر روی صحنه می‌رفتند، همواره با اعتراض عمومی همراه بود؛ تلاشش در کار بود تا از طریق سانسور عمومی، مردم نمایشنامه‌نویس اصیل و خوش‌ذوق و سرآمد را که در سال ۱۹۹۹ درگذشت، وادار به بهبودی کنند.

با این‌همه لوین تنها نمایشنامه‌نویس شجاع و جسور اسرائیلی نبود. خیلی پیش از دهه ۱۹۹۰، **یوسف متونی**، **یوشوا سوئیل** و بسیاری دیگر، فقیمه‌ه بودند تئاتر جایی است که بدترین حرف‌ها را از قول کسانی می‌زدند. وقتی تئاتر محبوبیت کمتری یافت و به این جهت دیگر می‌توانست در تئاتر اجرا شود، حمایت کمتری برخوردار شد. این نمایشنامه‌نویسان بیشتر به چمن آهنگ شروع کردند به خراشیدن خاک‌ترین اعصاب صهیونیسم، هم‌ان کاری که پیش از این، در دوره پاسا‌صهیونیستی، دانشگایان و محققان و هنرمندان کار می‌پوشیدند. اما اندک بودند. تئاتر اسرائیلی سوی این موارد استوار بود. نسبتاً زیاد از آن سالهای دهه ۱۹۹۰، فقط به صهیونیسم وفادار بود، بلکه بازیابی بی‌بردهٔ «ایده اسرائیل» بود. در اوایل قرن در کتاب جامع «تصویر اعراب در تئاتر اسرائیلی» که در ۱۹۹۶ انتشار یافته، نشان داده است در بسیاری از نمایش‌های اعراب به صورت آدمهای سطحی و میانه، با شخصیت‌های تک‌بعدی، در قالب هیولای که نفرت، ترس و خصومت نمایشنامه‌نویسی آن نشان می‌دهند، به تصویر کشیده می‌شوند. کارگردانان عموماً محتوای یادبرستانه نمایشنامه‌ها را در تئاتر، با ویژگی‌های خاص عربی، نظیر لباس‌های کثیف و نامرتب و شمشوش و درهم صحنه‌کردن، پوشش می‌دادند. این برخورد کلیشه‌ای در این زمینه در نمایش‌های تئاتری، از سال ۱۹۳۶ ادامه داشت و به هیچ‌وجه به کارهای تولیدکنندگان فرهنگی از جناح راست هم محدود نمی‌شد.

خودسانسوری در تئاتر همچنان که در دیگر حوزه‌ها و عرصه‌های هنری، به طور عمده محدود به اسرائیل بسا ۱۹۶۷ بود و بر تأثیرات اخلاقی ناشی از اشغال کرانه غربی و نوار غزه بر جامعه یهودی اسرائیلی متمرکز بود. این محدودیتی خودتحمیلی یعنی کنج‌کاوای و فزولی نکردند و در ۱۹۷۱، به طور مشخص و به‌روشنی در نمایش‌های خود نوشتند، که نمایشنامه‌نویسان صهیونیست متمایل به چپ و لیبرال می‌نوشته‌اند، دیده می‌شد؛ نمایشنامه‌هایی که به تأثیر و به دنبال نخستین جنگ لبنان انتشار یافتند. از آنجا که تمرکز اصلی نمایشنامه‌ها بر میزان هر چه بیشتر تأثیر بر یهودیان، و نه بر تجربیات و آنچه بر قربانیان عرب می‌رفت، قرار داشت، حتی در نمایشنامه‌های به ظاهر خرابکار و توطئه‌گر یا شورشی هم، فلسطینیان در قالب شخصیت‌های پوشرالی و قلابی ظاهر می‌شدند که عهده‌دار نقش‌های قوم نمایشنامه بودند؛ اما در همان حال قهرمانان بی‌عیب و نقص یهودی هم تولیدازی می‌کردند، هم می‌کشند هم شکستجه می‌کردند، گرچه بعداً نسبت به این اعمالشان تأسف هم می‌خورند!

در تئاتر اسرائیلی، همواره رویکرد غیرصهیونیستی نیز وجود داشته است؛ اما در این تئاتر همواره هم در مزر بحرانی مالی قرار داشته و به لحاظ سیاسی، عموماً تأثیری هم بر جامعه نداشته است. این رویکرد هم در کارها و آثار بین‌المللی فلسطینیان، و هم در نمایش‌های داخلی غیرصهیونیستی، اسرائیلی دیده شده است. یکی از آثارهای ترجمه شده به روی صحنه، داستان «زبان خورشید» اثر شحان کفناوی بود. نمایش که در سالهای ۱۹۹۰ به روی صحنه تئاتر در اسرائیل رفت و نظری اجمالی و سریع بر تولید فرهنگ فلسطینی داشت، یک مصیبت عالی برای برگزدارکنندگان شد. هم‌راه دانست. نمایشنامه داستان سه پناهجوی فلسطینی را نقل می‌کرد که سعی در فرار از عراق و رفتن به کویت داشتند؛ سفری که نوبیدی و فرماندگی آنان را نشان می‌داد. آنها آثار گوناگونی از فاجعه نکتبت فلسطینیان در ۱۹۴۸ بودند. مدللگ کارهای اصلی و اصیل به زبان عبری، محبوبیت بیشتری داشتند. برای مثال، برخی داستان‌های سالمی میخائیل مناسیل تئاتر بودند. این کارها هم شخصیت‌های خیالی سنتی دارای ایم، گذشته و تاریخ و آرزوهای انسانی به فلسطینیان می‌بخشیدند، جزو نخستین نمایش‌هایی بودند که از فلسطینیان انسان‌هایی متمدان آن نشان می‌دادند. در این زمینه می‌توان از تئاترچینی هم نام برد. در این تئاترها هم شد نمایشنامه‌هایی به قلم اسرائیلی‌های فلسطینی را با موضوعات اشغال و زندگی فلسطینیان داخل اسرائیل، از زبان خود آنها و روایت‌های شخصی‌شان دیده؛ برای مثال یک کار مشترک ملی که گروه‌های تئاتری اسرائیلی و فلسطینی در سال ۱۹۹۴ در اورشلیم به روی صحنه بررند، از این جمله است. این کار، اسحاق و سنخه معاصری بود از رومو ژ وولیت شملپیر.

بدانکه نورنماینامه‌نویس‌سی کینداشاعر بود، یکی از چند اسرائیلی است که به طور مشخص و روشن، نمایشنامه‌های غیرصهیونیستی خلق می‌کرد. او در این نمایشنامه‌ها افتادات عمومی‌اش را نسبت به نظامی‌گری اسرائیلی اظهار می‌کرد. برخلاف صهیونیستی‌گرای لیبرال پرون‌گرا، آنها که عقاید و افکارشان متوجه بیرون از خود است، لااثر کمتر علاقه‌مند به چیزی بود که برای جامعه اسرائیلی به واسطه اشغال بیش آمده بود. بیشتر یا زنجی که از روی صحنه برد، کاری مشابه لاورو، اما اندکی نرم‌تر، ارائه داد. او که نمایشنامه‌نویسی بر کار و سرآمد بود، در سال ۱۹۹۹ در فلسطین به دنیا آمد و موفق شد در بیشتر از شصت نمایشی که به صحنه برد، هم وجود و جنبه‌های زندگی در اسرائیل را پوشش دهد. ادامه دارد

اشاره: پس از اعلام ترکیه در ۲۰ تیر ۱۳۹۹ (۱۰ جولای ۲۰۲۰) مبنی بر تغییر کاربری ایاصوفیه از موزه به مسجد و واکنش‌هایی که ایقام در سطح جهان برانگیخت، گفتگوی مفصلی با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد مسجدجامعی صورت گرفت که بازتاب چشمگیری یافت؛ تا جایی که برخی از کارشناسان آن را «فنی‌ترین تحلیل موجود» ارزیابی کردند. از سوی دیگر به دلیل گستردگی بسیار زیاد این موضوع، در آن مصاحبه فرصت نشد تا به همهٔ جوانب مهم قضیه پرداخته شود؛ بنابراین به دلیل اهمیت موضوع و لزوم توضیحاتی بیشتر دربارهٔ برخی دیگر از زوایای این موضوع، بر آن شدیم تا مجدداً به حضور استاد برسیم و از توضیحات تکمیلی ایشان بهره‌مند گردیم. در این گفتگو، در مباحث مربوط به رابطهٔ ترکیه و یونان، عمدتاً در دیدگاه ترکیه به مسائل نگاه شده و تبیین نگاه یونانیان به مجالی دیگر موکول گشته است.

لطفاً در ابتدا دربارهٔ دلایل خوشحالی عموم

مسلمانان از اقدام ترکیه توضیحاتی فرمایید.

در گفتگوی قبلی تلاش شد توضیح داده شود که این پدیده چگونه اتفاق افتاد و دارای چه خصوصیات و ابعادی است و در کوتاه‌مدت و بلندمدت چه پیامدها و نتایجی ممکن است داشته باشد. هدف هرگز این نبود که موضعی مثبت یا منفی اتخاذ شود. امروز نیز نمی‌خواهی دربارهٔ مثبت یا منفی بودن این اقدام داری کنم. تنها می‌گوئیم تا جایی که وقت اجازه می‌دهد، به طور خیلی خلاصه اقدام ترکیه در آذربایجان در پیرویداد و ایجاد توافق و انعقاد گوناگون و مخصوصاً انگیزه‌های آن، توضیحات بیشتری بدهم.

دربارهٔ این رویداد و انعقاد گوناگون و مخصوصاً انگیزه‌های آن، توضیحات بیشتری بدهم. دو نسوخ انگیزه بود: انگیزه‌ها و دلایل داخلی و انگیزه‌ها و دلایل خارجی. انگیزه‌های داخلی دارای سه بخش است که به ترتیب اهمیت، عبارتند از: «مطلوبیت حاکم مقتدر»، «قابت با یونان» و «مقتضای طبیعی پیشرفت». انگیزه‌های خارجی نیز عبارتند از: «سهم‌خواهی» و «تمایل به ایفای نقش»، و اما انگیزه نخست، «مطلوبیت حاکم مقتدر» به طور کلی در طی دهه‌های اخیر، افکار عمومی مسلمانان از اقدامها و با ابتکارهایی که هیجان ایجاد می‌کند، خیلی استقبال کرده است و چنان‌هم به دنبال این نبوده است که این اقدام یا ابتکار به چه کیفیت است و چه نتایج و پیامدهایی خواهد داشت؛ برای نمونه، اشغال کویت به دست صدام که اقدامی کاملاً تجاوزکارانه بود و نه تنها کشور مستقل را به طور کامل اشغال کرد، نه تنها اعراب بلکه اکثر مسلمان‌ها را به معنی واقعی کلمه عمیقاً تنگ و حتی می‌توانم بگویم خوشحال کرد! حتی مردم پاکستان به‌رمغ اتحاد سنتی کشورشان با سعودی‌ها و ارتباط‌های گوناگونی که رژیم آنها با شیخ‌نشین‌های خلیج فارس داشت، خیلی اظهار شغف کردند. حتی خراسانی و علمایی پاکستان که عربستان سالها آنها را از نظر مالی ندانیده کرده بود، نسبت به صدام همدلی نشان دادند. این جریان را در افغانستان نیز شاهد بودیم که عموم گروه‌های جهادی‌اش از عربستان مبالغه کلافه گرفته بودند. نمونهٔ دیگر، انقلاب‌های عربی بود که سخت هم به تحرک و تهییج کرد، و البته نه به اندازهٔ اشغال کویت.

واقعاً مسلمانان به چه دلیل از اشغال کویت توسط صدام هیجان‌زده و شاد شدند؟!

بله و مجموعه‌ای از عوامل وجود داشت. تنفر از شیخ‌نشین‌ها و سعودی‌ها به دلیل رفتارها و برخوردهای متکبرانه‌شان با اعراب، اعزاز رژیم‌های عربی و با مردم عادی. عموم دیپلمات‌های عرب از کیفیت برخورد شیخ‌نشین‌ها با سعودی‌ها، سوخو و کشورشان را بسیار ناراضح هستند. تجربهٔ مردم عادی نیز از رفتارهای بسیار زندهٔ آنان در کشورهایمانند مراکش، تونس، مصر، لبنان و حتی اردن و جاهایی که اینها برای خوشگذرانی به آن سفر می‌کردند، رفتارهایی که متأسفانه هنوز هم ادامه دارد، سهم زیادی در پیدایش این احساس انزجار داشته است.

خاطره‌های دربارهٔ رفتارهای ولنگارانه و بسیار زنده و نامناسب آنها نقل کنم. در فوریهٔ ۲۰۱۹ معنایی که ابن سینیا و فارابی در نظر دارند، از سنخ رویت و مشاهده است؛ ولی برخی آن را از سنخ اتحاد می‌دانند و تفسیری کاملاً عرفانی از آن می‌کنند. بدین ترتیب می‌بینیم که تفسیر رایج از ارسطو که «سعادت» را در جمع عمل اخلاقی و نظرورزی می‌دانتست، به مرور کنار گذاشته می‌شود و تفسیر غالب از وی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ اما هنوز می‌توان ادعا کرد که فیلسوفان مسلمان در چارچوب یکی دیگر از احتمالات مربوط به نظریهٔ سعادت ارسطو می‌نوشته‌اند. آنچه نشان از جدایی آنها از ارسطو دارد، تحلیلی است که دربارهٔ ماهیت تأمل می‌دهند و در این مورد صیغهٔ نوافلاطونی دارند.

یکی از نمایندگان برجستهٔ اخلاق فلسفی مسلمانان ابن‌مسکویه است که محقق لاهجی دربرایش می‌گوید: «نقش و منزلت ابن‌مسکویه در حکمت عملی همدان نقش عبادت است که ابن سینا در حکمت نظری دارد.» اندکی هم دربارهٔ اثرپذیری ابن مسکویه از ارسطو در بحث سعادت سخن می‌گوییم. مهم‌ترین مسئلهٔ اخلاقی از دید وی، سعادت است و برای همین، اولین کتابش (نیکوماخوس در کل به بحث سعادت می‌پردازد. ابن مسکویه در کتاب معروف «تهذیب الاخلاق» نیز سهم زیادی به بحث سعادت داده است و در کتاب «الفصول الاضغره» هم دربارهٔ سعادت بحث مفصلی دارد. او شاید بیش از هر فیلسوف مسلمان دیگر اندیشه‌های اخلاقی ارسطو را پذیرفته است.

ابن مسکویه در آغاز با بحث سعادت می‌گوید: «ارسطو کتاب خود را با بحث سعادت و خیر مطلق آغاز کرده است تا ضمن تعریف آن، اشتیاق آدمی را نسبت به آن برانگیزد. ما کلام او را می‌آوریم؛ ولی نکات اشتباه‌های هم که ارسطو در جاهای دیگر گفته، ضمیمه می‌کنیم تا مجموع سخن او در بحث سعادت یکجا در اختیار باشد. البته در حد توان از نکات شارحان ارسطو هم می‌آوریم.» بدین ترتیب می‌بینیم ابن‌مسکویه تلخیصی از نظریهٔ سعادت ارسطو را می‌آورد و خود آن را می‌پذیرد.

البته که در عبارت‌های ارسطو دربارهٔ سعادت با تون سعادت وجود دارد، در عبارت‌های ابن مسکویه هم بودن سعادت وجود دارد. در عبارت‌های ابن مسکویه هم تأثیر گذاشته است. او گاهی جزئاً دربارهٔ ارزش تأمل (فعالیت نظری) سخن می‌گوید که ارزش اخلاقی آن را نقش نهمندی آن بسیاری تأمل می‌داند؛ اما گاهی در مورد نقش تکمیلی اخلاقی برای تأمل بحث می‌کند و سعادت را محصول جمع این دو می‌داند. روح حاکم بر اخلاق ابن‌مسکویه، تفسیر **«شهود خداوند فقط در عالم آخرت و بعد از راهیایی از قفس، تن مقدور است و منشأ آن لطاف الهی است، نه سعی و کوشش انسانی. این اعتقاد در دوران متأخر قرون وسطی به عنوان یک آموزهٔ اصیل مسیحی تلقی می‌شد. البته کسانی هم نظر مخالف داشتند؛ مثلاً پوتینوس مفهومی این‌جانبی از سعادت داشت و آن را زندگی فلسفی می‌دانست**

که برای شرکت در کنفرانس «سیاست جهانی: نیروهای ژئوپلیتیکی و روندهای جهانی کنونی» دانشگاه میلان رفته بود؛ یکی از استادان برجستهٔ شرکت‌کننده که از دوستانم است و خانم‌ش در حومهٔ میلان قسار دارد. تعریف وی می‌کرد که در نزدیکی منزل او باغ بزرگی متعلق به یکی از ثروتمندان سعودی است که سالی یکی دو بار به آنجا می‌رودند و هر بار یکی دو هفته به میکساری و هوسرانی‌های آن‌چنانی مشغول می‌شوند و به پلیس محلی هم پول زیادی می‌دهند تا در دور مراقب اوضاع باشند، مبادا کسی مزاحمتی ایجاد کند؛ هر شب عده‌ای از افرادی که متناسب با چنین

نظرها و اندیشه‌ها

برای آنها چهار ایران وجود دارد: اول، ایران یکی دو سال نخست پس از انقلاب؛ دوم، ایران در زمان جنگ تحمیلی؛ سوم، ایران از زمان پایان جنگ تا پیش از حضور در سوریه؛ و چهارم، ایران از بعد از حضور در سوریه. در نخست، جز افرادی که تعصبات مذهبی و قومی داشتند، اکثریت سخت بدان علاقه‌مند نبودند. در دورهٔ دوم به دلایل مختلف، کمتر کسی نسبت به ایران همدلی داشت یا آن را داشت. نمی‌توانست آن را نشان دهد. اما دورهٔ سوم دوره‌ای بود که اقدامات ایران نیز باعث تهییج بسیار زیاد افکار عمومی جامعهٔ مسلمانان به معنی عام کلمه و

ترکیه ومسأله ایاصوفیه

گفتگو با دکتر محمد مسجدجامعی
مصطفی رستگار
بخش اول



مجالس مستند، بدانجا می‌روند و آرامش محل را از بین می‌برند، و به قدری زیاده تولید می‌کنند که مأموران بهداشتی را بر اعتراض وامی‌دارند!

موارد این چنینی بسیار زیاد است، چندی پیش، یکی از دختران این مسلمان به اتهام رفتار

خشش و توهین‌آمیز نسبت به یک کارگر در قبال‌تلاشش در پاریس، در همان‌جا مورد پیگرد قضایی قرار گرفت. بسهٔ گدازنی آن کارگر، او از محافظش خواسته بود که آن کارگر را کتک بزند و مجبور شد که با پای‌ها او را بپوشد! خوب، وقتی رفتار آنها در کشورهایمانند فرانسه و سوییس و ایتالیا، آن‌هم در شمال ایتالیا و در اطراف شهری مانند مراکش، و نه در جنوب، چنین باشد، شما تصور کنید که در کشورهایمانند مراکش و مصر و حتی لبنان و سوریهٔ قبل از جنگ، چگونه بوده و هست. جهت رعایت نزاکت دانش‌آنها می‌را که کشورهایمانند فرانسه و مراکش و مصر و حتی لبنان و سوریهٔ قبل از جنگ، چگونه بوده و هست. جهت رعایت نزاکت دانش‌آنها می‌را که کشورهایمانند فرانسه و مراکش و مصر و حتی لبنان و سوریهٔ قبل از جنگ، چگونه بوده و هست. جهت رعایت نزاکت دانش‌آنها می‌را که کشورهایمانند فرانسه و

نقل می‌کردند، بیان نمی‌کم. **آسا اقدامات ایران نیزسر افکار عمومی دنیا اهل سنت را تهییج و کن**
موضوع خوشحالی آنها می‌شود؟ مثلاً اقداماتی مانند به زمین نشاندن پهباد ارتش-۲۷۷ یا سرنگون کردن پهباد جاسوسی فوق پیشرفتهٔ گلویان‌هاک یا دستگیری نشتگذاران لوفی

و امریکایی در خلیج فارس و اخیراً موشکباران پایگاه

امریکایی عین‌الاسد در عراق؟

اخلاق ارسطویی در میان مسیحیان و مسلمانان

دکتر محسن جوادی
بخش دوم و پایانی



پندرش آن دشواری‌هایی دارد. ابن‌مسکویه می‌گوید تا از لایزال منون اخلاق ارسطو اعتقاد وی به معاد را استخراج کند. عبارت مورد استناد وی مسئلهٔ سولون است که ارسطو در کتاب اول اخلاق نیکوماخوس آورده است. وی می‌گوید

وقتی می‌میرد، باز مانند آدم زنده برخی خیر و شررها را دریافت داشت. مثلاً خودبختی و بدبختی فرزندان» این عبارت بر معاد، مهم کوشش است که وی برای تلقین نظریهٔ ارسطو را مبانی دینی دارد. اعتقاد به وارداتی روح انسان به حیات اخروی در توضیح ایدهٔ ارسطویی‌هاست. ابن‌مسکویه را هم که برخی کتاب او را مجموعهٔ کلمات فخری وی می‌دانند، تا حدی از ارسطو دور می‌سازد. ماجد ارسطو را در جرگهٔ کسانی می‌داند که رگه‌های اخلاقی فراطونسی در آثار آنها وجود دارد؛ بنابراین در جمع‌بندی گفت‌های اخلاقی ارسطویی بر اندیشهٔ اخلاقی مسلمانان، باید، تأثیر مهم‌ترین گروهی که نمایندهٔ تفکر ارسطویی هستند، فیلسوفان مسلماناند که البته آنها هم کوشیده‌اند تا اخلاق ارسطویی را در چارچوب تکرش دینی (اعتقاد به معاد) تنظیم کنند. و به علاوه در توضیح ایدهٔ ارسطویی‌هاست راهی برگزیده‌اند که با تفاسیر نوافلاطونی سازگارتر است

نام عموریه، زندگی می‌کرد. نقل است که روزی سرازری رومی وارد شهر می‌شود و رفتار ناشایستی از وی سر می‌زند که فریاد «والمعتصمه» را از آن که طرفدارانشان در موضع انفعال قرار بگیرند و چهارم، ایران از بعد از حضور در سوریه. در نخست، جز افرادی که تعصبات مذهبی و قومی داشتند، اکثریت سخت بدان علاقه‌مند نبودند. در دورهٔ دوم به دلایل مختلف، کمتر کسی نسبت به ایران همدلی داشت یا آن را داشت. نمی‌توانست آن را نشان دهد. اما دورهٔ سوم دوره‌ای بود که اقدامات ایران نیز باعث تهییج بسیار زیاد افکار عمومی جامعهٔ مسلمانان به معنی عام کلمه و

می‌دانید که معتصم برادر مأمون است، اما به خلاف‌مأمون، اصلاً فرد دانشمندی نیست؛ ولی شجاع و نیرومند است و برغم آنکه در بیعت با امویان شرکت کرده و مؤثر است و در آینده نیز چنین خواهد بود.

مردم به اردوغان و اقدام اخیرش. ارتباط این اقدام با مطالبی که فرمودید، چیست؟

بله، اردوغان با این اقدام، از نظر اهل سنت همتنمکاری‌اش، برای آنها حاکم مطلوبی است. مسلمانان او در پاسخ گفتن به «او معتصمه‌است» به یک ضرب‌المثل و بلکه به یک ارزش بزرگ در نزد آنان تبدیل شده است و پیوسته بدان ارجاع می‌دهند. از سوی دیگر، معتصم به لحاظ اعتقادی، معتزلی بود و می‌دانید که اکثر قریب به متعلق اهلسنت، اشعری‌مسلك و در نقطهٔ مقابل اعتقاد هستند؛ با این حال و با اینکه معتصم از نظر عقیدتی مخالف آنهاست، نباید بدین سبب که فرد قدرتمندی است، او را تعظیم می‌کنند و به

سبب آنکه او در پاسخ گفتن به «او معتصمه‌است» به یک ضرب‌المثل و بلکه به یک ارزش بزرگ در نزد آنان تبدیل شده است و پیوسته بدان ارجاع می‌دهند. از سوی دیگر، معتصم به لحاظ اعتقادی، معتزلی بود و می‌دانید که اکثر قریب به متعلق اهلسنت، اشعری‌مسلك و در نقطهٔ مقابل اعتقاد هستند؛ با این حال و با اینکه معتصم از نظر عقیدتی مخالف آنهاست، نباید بدین سبب که فرد قدرتمندی است، او را تعظیم می‌کنند و به

قدرت و غیرت او مَثَل می‌زنند. بنابراین تفاوت بسیار بزرگی بین تصور ما شیعیان و اهل سنت وجود دارد. در نزد ما معیار اصلی برای مطلوب دانستن حاکم، «عدالت» است؛ اما آنها فقط به قدرتمند بودن، حاکم می‌دانستند. گریچ حزبانه درگیر بیزنت است، اما به واقع این ایران است که دارد می‌جنگد؛ خود حزبانه نیز بدان اعتراف داشت.

با این وجود، رسانه‌ها افکار عمومی مسلمانان را به بیعت با ایرانی‌ها خیلی کمتر و ضعیف‌تر از کشورهایمانند مصر است، وجود حاکم نیرومند» به عنوان یک امر مطلوب و آرمانی است. در ارتکاز ما شیعیان، حاکم مطلوب و ایده‌آل همواره حاکم عادل، بزرگوار است و قدرتمند بودنش چندان مطرح نیست و قدرت حاکم عملاً نقطه ضعیف تلقی می‌شود. به همین دلیل فردی چون شجاعیاس مرد پشور پیشرو انقلاب قرار می‌گیرد و چنین جریانی در کشورهای دیگر ممکن نیست. یعنی به فری هستنگش شجاعیاس افتخار می‌کنند. در نهایت، بحثی برای ما مطرح است، «عدالت» حاکم است نه قدرت وی؛ اما مالک اصلی برای اهل سنت قدرت و شوکت، است و «عدالت» یا کمالات در سایهٔ قرار دارد یا اینکه اصلاً از هیچ اهمیتی برخوردار نیست. آنها خواهان حاکمی هستند که شکوه و اقتدار بیافریند و دشمنان را نابود کند.

در زمان عثمانی، هرگاه حاکم عادل، بزرگوار است و قدرتمند بودنش چندان مطرح نیست و قدرت حاکم عملاً نقطه ضعیف تلقی می‌شود. به همین دلیل فردی چون شجاعیاس مرد پشور پیشرو انقلاب قرار می‌گیرد و چنین جریانی در کشورهای دیگر ممکن نیست. یعنی به فری هستنگش شجاعیاس افتخار می‌کنند. در نهایت، بحثی برای ما مطرح است، «عدالت» حاکم است نه قدرت وی؛ اما مالک اصلی برای اهل سنت قدرت و شوکت، است و «عدالت» یا کمالات در سایهٔ قرار دارد یا اینکه اصلاً از هیچ اهمیتی برخوردار نیست. آنها خواهان حاکمی هستند که شکوه و اقتدار بیافریند و دشمنان را نابود کند.

در زمان عثمانی، هرگاه حاکم عادل، بزرگوار است و قدرتمند بودنش چندان مطرح نیست و قدرت حاکم عملاً نقطه ضعیف تلقی می‌شود. به همین دلیل فردی چون شجاعیاس مرد پشور پیشرو انقلاب قرار می‌گیرد و چنین جریانی در کشورهای دیگر ممکن نیست. یعنی به فری هستنگش شجاعیاس افتخار می‌کنند. در نهایت، بحثی برای ما مطرح است، «عدالت» حاکم است نه قدرت وی؛ اما مالک اصلی برای اهل سنت قدرت و شوکت، است و «عدالت» یا کمالات در سایهٔ قرار دارد یا اینکه اصلاً از هیچ اهمیتی برخوردار نیست. آنها خواهان حاکمی هستند که شکوه و اقتدار بیافریند و دشمنان را نابود کند.

استانی وجود دارد دربارهٔ زنی که در دوران معتصم در یکی از شهرهای نزدیک روم شرقی به رستگاری موهبتی الهی است. آبرت می‌گوید ایسن دو منافاتی با هم ندارند؛ زیرا سعادت مورد بحث ارسطو بحث مسیحیت است. و نیز در بحث فضیلت، تکرش ازرش استقلالی ندارد.

هرچند در دوران متأخر قرون وسطی نوعی اشتراک نظر دربارهٔ سعادت وجود دارد که تا ارسشهود خداوند می‌داند، اما دربارهٔ تحلیل ماهیت این شهود اختلاف است. آکویناس می‌گوید چون برترین عنصر انسان، عقل است ارسشهود خداوند هم از رهگذار عقل صورت می‌گیرد. ذات خداوند برترین معلول ممکن است بنابراین سعادت عبارت است از تغفل ذات خداوند که بعد از گسستن بندهای بدن مادی، مقدور می‌شود؛ اما بوناواتور (Bonaventura)

فرقهٔ فرانسیسکن آرای دیگری دارد و می‌گوید جوهر این شهود، عشق است که می‌تواند انسان را به خداوند ربط دهد و با او متحد کند. در آغاز دورهٔ رنسانس دانشوران توجه بیشتری به نقش خیرات بیرونی در سعادت آدمی می‌کنند و اگرچه آنها را خارج از ذات سعادت می‌دانند، ولی مایهٔ کمال آن به شمار می‌آیند و تمثیلی که برای این منظور به کار می‌برند، اندکشان دست با ذات انسان است. در دورهٔ رنسانس اگرچه نکاتی از اخلاق ارسطو مورد توجه بود، اما دیگر نقش ایجاد فلسفی، آگاهانه بحث خود را به فضایل طبیعی معطوف کرد؛ که قابل شناسایی عقلی است و دربارهٔ فضایل ایمانی سکوت کرده است.

آکویناس می‌گوید سعادت کامل در این فضایل قابل تحصیل نیست؛ چرا که مرگ که برای انسان پیش می‌آید، بزرگ‌ترین نقص است و با بودن مرگ، جایی برای ادعای کامل بودن سعادت تصور نیست. به گمان ارسطو به حقی ارسطو درخصوص سعادت کامل است. او فقط دربارهٔ سعادت ناقص که در این جهان در دسترس است، سخن می‌گوید.

تفکیک سعادت ناقص (این‌جهانی) و سعادت کامل (آن‌جهانی) به آکویناس کمک می‌کند تا تعارضی را که لاقل در ظاهر، بین اخلاق ارسطو و مبانی دینی وجود دارد، کند. وی می‌گوید ادعای ارسطو دربارهٔ انسانی بودن سعادت مربوط به سعادت ناقص است، در حالی که سعادت کامل است. ارسطو در مورد توضیح تأمل فلسفی اخلاقی، ارسطو در حالی که موضوع اخلاق مسیحی سعادت کامل است. آکویناس ایده تأمل و نظرورزی را از ارسطو می‌گیرد و مانند حکیمان مسلمان آن را به خداوند ربط می‌دهد. تأمل که برحسب تفسیر آکویناس از ارسطو (تفسیر غالب)، تنها عنصر سازندهٔ اودایمونیاست که برای آنکه به سعادتمند شد و اندیشمندان بزرگی مانند آکویناس را به سوی اخلاق ارسطو کشاند.

اولین شرح کامل اخلاق نیکوماخوس در زبان لاتینی به همت آلبرت کبیر صورت گرفت. وی ضمن شرح کتاب، مسائلی را هم دربارهٔ آن می‌پرسد. او شرح خلاصه‌های هم در کتاب مذکور دارد که این دو شرح در قرون بعدی بسیار مورد توجه قرار گرفتند. آلبرت کبیر اعتقاد راسخ داشت اخلاقی ارسطویی با تعالیم مسیحیت همخوانی دارد و می‌گوید تا همخوانی و تعارض‌های ظاهری آن دو را به نحوی حل کند. در بحث سعادت، ارسطو تأکید دارد که دستاوردی انسانی است، اما یکی از آموزه‌های اصلی مسیحیت می‌گوید

چهارشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۹۹ - ۲۹ ذی‌الحجه ۱۴۴۱ - ۱۹ آگوست ۲۰۲۰ - سال نود و پنجم - شماره ۲۷۳۲۴

است. اهل سنت غالباً چنین می‌اندیشند، گرچه موارد استثنای نیز وجود دارد.

اجمالاً این بدان حاکم که فقه و کلام اهل سنت در پرتو قدرت‌های حاکم شکل گرفت است و چون سوگند می‌خورند تا به تشکیلات و تأسیسات نگه داشته‌است، به نزد همسرانش زود، معتصم لشکر عظیمی فراهم می‌کند و روانهٔ ایران می‌شود و ضربهٔ سختی به رومی‌ها می‌زند و سپس به سوریه می‌رود و آن زن را می‌باید و از او می‌پرسد: آیا ندای تو را لبیک گفتیم؟ آری، آنها چنین حاکمی را هیجان‌زده کرده‌است؛ یعنی اقدام اردوغان در مورد ایاصوفیه، برداشتن من مقدمه‌ای که بیان فرمودید، گرچه هرگز عادل نباشد!

می‌دانید که معتصم برادر مأمون است، اما به خلاف‌مأمون، اصلاً فرد دانشمندی نیست؛ ولی شجاع و نیرومند است و برغم آنکه در بیعت با امویان شرکت کرده و مؤثر است و در آینده نیز چنین خواهد بود.

مردم به اردوغان و اقدام اخیرش. ارتباط این اقدام با مطالبی که فرمودید، چیست؟

بله، اردوغان با این اقدام، از نظر اهل سنت همتنمکاری‌اش، برای آنها حاکم مطلوبی است. مسلمانان او در پاسخ گفتن به «او معتصمه‌است» به یک ضرب‌المثل و بلکه به یک ارزش بزرگ در نزد آنان تبدیل شده است و پیوسته بدان ارجاع می‌دهند. از سوی دیگر، معتصم به لحاظ اعتقادی، معتزلی بود و می‌دانید که اکثر قریب به متعلق اهلسنت، اشعری‌مسلك و در نقطهٔ مقابل اعتقاد هستند؛ با این حال و با اینکه معتصم از نظر عقیدتی مخالف آنهاست، نباید بدین سبب که فرد قدرتمندی است، او را تعظیم می‌کنند و به

قدرت و غیرت او مَثَل می‌زنند. بنابراین تفاوت بسیار بزرگی بین تصور ما شیعیان و اهل سنت وجود دارد. در نزد ما معیار اصلی برای مطلوب دانستن حاکم، «عدالت» است؛ اما آنها فقط به قدرتمند بودن، حاکم می‌دانستند. گریچ حزبانه درگیر بیزنت است، اما به واقع این ایران است که دارد می‌جنگد؛ خود حزبانه نیز بدان اعتراف داشت.

با این وجود، رسانه‌ها افکار عمومی مسلمانان را به بیعت با ایرانی‌ها خیلی کمتر و ضعیف‌تر از کشورهایمانند مصر است، وجود حاکم نیرومند» به عنوان یک امر مطلوب و آرمانی است. در ارتکاز ما شیعیان، حاکم مطلوب و ایده‌آل همواره حاکم عادل، بزرگوار است و قدرتمند بودنش چندان مطرح نیست و قدرت حاکم عملاً نقطه ضعیف تلقی می‌شود. به همین دلیل فردی چون شجاعیاس مرد پشور پیشرو انقلاب قرار می‌گیرد و چنین جریانی در کشورهای دیگر ممکن نیست. یعنی به فری هستنگش شجاعیاس افتخار می‌کنند. در نهایت، بحثی برای ما مطرح است، «عدالت» حاکم است نه قدرت وی؛ اما مالک اصلی برای اهل سنت قدرت و شوکت، است و «عدالت» یا کمالات در سایهٔ قران دارد یا اینکه اصلاً از هیچ اهمیتی برخوردار نیست. آنها خواهان حاکمی هستند که شکوه و اقتدار بیافریند و دشمنان را نابود کند.

اخریش از نظر اهل سنت، در قامت یک رهبر نیرومند ظاهر شده و از نظر اکثریت مردم ترکیه، شکوه و افتخارات دوران عظمت عثمانی را به ارمغان آورده است

اخریش از نظر اهل سنت، در قامت یک رهبر نیرومند ظاهر شده و از نظر اکثریت مردم ترکیه، شکوه و افتخارات دوران عظمت عثمانی را به ارمغان آورده است

اخریش از نظر اهل سنت، در قامت یک رهبر نیرومند ظاهر شده و از نظر اکثریت مردم ترکیه، شکوه و افتخارات دوران عظمت عثمانی را به ارمغان آورده است

سبسی و هم به لحاظ فرهنگی و دینی. یونان همچون سایر قلمروهای اروپایی عثمانی‌ها، مدتها زیر سلطهٔ آن بود. نخستین جرعهٔ استقلال‌خواهی یونان به سالل ۱۸۲۱ بازمی‌گردد که همراهی همدلی عموم اروپاییان را به همراه داشت و در این میان زرد پاروین که اصالتاً انگلیسی بود، نقش فراوانی داشت و یونانی‌ها و تمکک انگلیس‌ها را رسمیت برخاست. مدتی بعد، این استقلال به رسمیت نشانته شد؛ اما این جریانی بسیار تلخ و پر فراز و نشیب بود. گریگوری پنجم با پاتریارک بزرگ استانبول – که یونانی بود، در همان سال و در برابر کلیسایش و در روز عید پاک که مهم‌ترین عید مسیحیان است، به دار آویخته شد و به مدت دو روز بسر دار بود. چنین حوادث تلخی از آن پس متأسفانه به فراوانی اتفاق افتاد؛ مثلاً در همان ایام، بعد از زباید از یونانی‌ها و مسیحیان ارتدوکان در قلمرو عثمانی دستگیر و اعدام شدند که بهتر است از بیان تفصیلی‌اش بگذریم. بعد از مدتی، این را برمی‌انگیزند. در اواخر قرن نوزدهم تا ۱۹۱۹ حداقل چهار جنگ بین این دو کشور درگرفت که آخرین آنها بدترین آنها بود و مشکلات فراوان و خاطرات بسیار تلخی را در طرفین ایجاد کرد. نه تنها در سطح مقامات و نخبگان، بلکه حتی در سطح مردمان عادی، و چون چنین امر، هست، آن اقدامی که نشان‌دهندهٔ بی‌حرسی و بی‌طرف دیگر باشد، دارای اهمیت فراوان داخلی است.

هرچند اسقف پاریس رأی و نظر او را کذب و باطل اعلام می‌کند. آکویناس برخلاف ارسطو از تفسیر غالب دفاع می‌کند و در تأیید نظر خود که سعادت را صرفاً عبارت از شهود خداوند می‌داند، به وحدت سرشت آدمی متوسل می‌شود و می‌گوید طبع انسان فقط با یک غایت نهایی همخوانی دارد و نمی‌تواند روی به دو سویی موزی داشته باشد و نتیجهٔ می‌گیرد که فضیلت اخلاقی مقدمهٔ شهود است و ارزش استقلالی ندارد.

هرچند در دوران متأخر قرون وسطی نوعی اشتراک نظر دربارهٔ سعادت وجود دارد که تا ارسشهود خداوند می‌داند، اما دربارهٔ تحلیل ماهیت این شهود اختلاف است. آکویناس می‌گوید چون برترین عنصر انسان، عقل است ارسشهود خداوند هم از رهگذار عقل صورت می‌گیرد. ذات خداوند برترین معلول ممکن است بنابراین سعادت عبارت است از تغفل ذات خداوند که بعد از گسستن بندهای بدن مادی، مقدور می‌شود؛ اما بوناواتور (Bonaventura)

فرقهٔ فرانسیسکن آرای دیگری دارد و می‌گوید جوهر این شهود، عشق است که می‌تواند انسان را به خداوند ربط دهد و با او متحد کند. در آغاز دورهٔ رنسانس دانشوران توجه بیشتری به نقش خیرات بیرونی در سعادت آدمی می‌کنند و اگرچه آنها را خارج از ذات سعادت می‌دانند، ولی مایهٔ کمال آن به شمار می‌آیند و تمثیلی که برای این منظور به کار می‌برند، اندکشان دست با ذات انسان است. در دورهٔ رنسانس اگرچه نکاتی از اخلاق ارسطو مورد توجه بود، اما دیگر نقش ایجاد فلسفی، آگاهانه بحث خود را به فضایل طبیعی معطوف کرد؛ که قابل شناسایی عقلی است و دربارهٔ فضایل ایمانی سکوت کرده است.

اخبار کوتاه داخلی

۶ مدال پومسه روهای ایران در رقابت های جهانی مدارس
مسابقات مجازی پومسه قهرمانی مدارس جهان به پایان رسید و از میان ۱۶ پومسه رو ایرانی که به مرحله فینال راه پیدا کردند، ۶ نفر موفق به کسب مدال شدند.
به گزارش ایسنا، مسابقات مجازی پومسه قهرمانی مدارس جهان درسال ۲۰۲۰ با حضور ۵۶۷ تکواندوکار از ۲۲ کشور در دو گروه دختران و پسران از تاریخ ۲۴ تا ۲۸ مردادماه به میزبانی تپال برگزار شد که فدراسیون تکواندو با همکاری فدراسیون دانش آموزی شرایط حضور پومسه‌روهای واجد شرایط را در این مسابقات فراهم کرد. ۸۳۲ نماینده از ایران در این رقابت‌ها شرکت کردند.در این مسابقات از میان شرکت‌کننده‌های ایرانی، محمد امیر کامیاران، سناز تقی‌پور و زینب طیفانی مدال قهر کسب کردند و امیرحسین اسماعیلی، ترگس نغم و مهتاب تاجی رستم آبادی هم عنوان سومی را بدست آوردند.



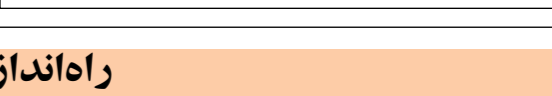
مراسم قرعه کشی لیگ کشتی، بر گزار می شود

مراسم قرعه کشی بیستمین دوره لیگ برتر کشتی آزاد و فرنگی با یادگار امام(ره) امروز در دانشگاه تربیت بدنی دانشگاه تهران و با رعایت پروتکل های بهداشتی برگزار می شود.
به گزارش خبرگزاری فارس و به نقل از روابط عمومی سازمان لیگ کشتی، بعد از رایزنی های انجام شده و تصمیم شدن حضور تیم های مختلف و بیستمین دوره لیگ برتر کشتی آزاد و فرنگی باشگاههای کشتور، جام یادگار امام(ره) امروزمراسم قرعه کشی این رقابت ها با رعایت پروتکل های بهداشتی برگزار خواهد شد. این مراسم، مسئولان وزارت ورزش، کمیته ملی المپیک، فدراسیون کشتی، سازمان لیگ، قهرمانان و پیشکسوتان کشتی و اصحاب رسانه حضور خواهند داشت که بعد از انجام قرعه کشی لیگ کشتی برنخه روبرویی تیم ها در بیستمین دوره این رقابت ها اعلام خواهد شد.

رد صلاحیت کیهانی برای انتخابات فدراسیون دو و میدانی
وزارت ورزش و جوانان صلاحیت کیهانی و ۳ نفر دیگر را برای حضور در انتخابات ریاست فدراسیون دو و میدانی را تایید نکرد.
به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، هیئت ثبت نام انتخابات ریاست فدراسیون دو و میدانی چند روز قبل به پایان رسیده است و ۱۳ نفر برای حضور در این انتخابات نام نویسی کردند که ۵ نفر از این افراد مورد تایید وزارت و ورزش قرار نگرند.صلاحیت‌مدیریتی

مجید کیهانی به همراه کرعملی ارجی، حبیب الله دشنی، حمیدرضا فردین پور و روح الله محمدی مورد تایید وزارت ورزش و جوانان قرار نگرفته اند. البته این افراد یک هفته فرصت دارند تا با ارائه مدارک و مستندات به این موضوع اعتراض کنند.گفتنی است که کیهانی علاوه بر این، رئیس سابق فدراسیون دو میدانی بوده، هم اکنون عضویت هیئت اجرایی کمیته ملی المپیک را نیز داراست.

رقابت ۱۷ استان در مسابقات شطرنج قهرمانی کشور
برای حضور در اولین دوره مسابقات شطرنج قهرمانی کشور در دوره شیوع کرونا ۱۷ استان اعلام آمادگی کرده اند.
به گزارش خبرگزاری مهر و به نقل از روابط عمومی فدراسیون شطرنج، دور اول مسابقات قهرمانی کشور به صورت تیمی با حضور ۱۷ تیم آغاز شد.این رقابت‌ها اولین مسابقات قهرمانی کشور در ایام شیوع ویروس کرونا است که با مشارکت بالای استان‌ها همراه بوده است و پیش از ۱۵۰ شطرنج‌باز به صورت آنلاین در این مسابقات باهم دیگر رقابت می‌کنند.در این مسابقات هر تیم متشکل از ۳ بازیکن پسر و ۳ بازیکن دختر است. مسابقات هر تیم ۶ بازیکن رزرو دارد.



معاون حقوقی و امور مجلس کمیته امداد از راهاندازی مراکز نیکوکاری «عدالت‌یار» در آینده نزدیک در سراسر کشور خبر داد و گفت: «۱۵۰۰ وکیل نیکوکار با حضور در میز خدمت مراکز امداد، به ارائه مشاوره و انجام امور حقوقی کمک خواهند کرد».
به گزارش خبرنگار ما، جعفر صباغیان در نشست خبری افزود: مراکز نیکوکاری «عدالت‌یار» به‌صورت پایلوت در استان قزوین و یزد راه‌اندازی شده است و به زودی در سراسر کشور اجرایی خواهد شد.
وی ادامه داد: این مراکز به منظور ارائه خدمات حقوقی و قضایی به مددجویان و نیازمندان، با همکاری و کلا همکاری

بقیه از صفحه ۳
تولید دستگاه تشخیص سرچ کوئید ۱۹
سازمان غذا و دارو، مورج تولید دستگاه تشخیص ویروس کوئید ۱۹ را که با استفاده از نمونه خلط بیماران قادر به تشخیص سریع است، صادر کرد.
به گزارش ایسنا، سازمان غذا و دارو، دستگاه تشخیص ویروس کرونا توسط گروه نانوبیولوژی‌الکترونیک‌دانشگاه‌مهندسی برق و کامپیوتر دانشگاه تهران به مدیریت دکتر محمد عبدلحد ساخته شده و علاوه بر آنکه تایید یافته‌های آن را یک مقاله معتبر بین‌المللی به چاپ رسانده، به تازگی مجوز تولید این دستگاه نیز از سوی سازمان غذا و دارو صادر شده است.
نمونه اولیه این دستگاه، تولید و در بیمارستان‌های امام خمینی (ره) تهران، لقمان حکیم، امام حسین (ع) و نورافشار بر روی بیش از ۶۰۰ بیمار آزمایش شده و نتایج مثبتی به دست آمده است.
این دستگاه می‌تواند از گونه‌های اسیژن فعال برای تشخیص بیماری‌های مربوط به وی استفاده کند؛ چراکه افزایش گونه‌های اسیژن فعال در خلط یکی از شاخص‌های است که می‌تواند نشان‌دهنده بیماری کرونا باشد.

فراخوان عمومی شناسایی پیمانکار
ودعوت به مناقصه (نوبت اول)
شرکت پتروشیمی پردیس در نظر دارد خدمات تأمین و نقلیه و سایر خدمات مرتبط را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط و آغاز نماید. لذا از شرکت‌های متقاضی دعوت می‌گردد حداکثر از تاریخ درج آگهی لغایت ۱۳۹۹/۰۶/۰۱ نسبت به ثبت نام در سامانه برگزاری الکترونیکی شرکت پتروشیمی نام برد و در آدرس http://tender.paucp.ir و دریافت نام کاربری و رمز عبور اقدام نمایند. دریافت فرم ارزیابی کیفی و تکمیل فرم‌ها و ارائه کلیه مستندات مورد نیاز از طریق سامانه مذکور انجام خواهد شد.

افت) موضوع مناقصه:
خدمات تأمین و سیاحت نقلیه و ایاب و ذهاب کارکن مجتمع پتروشیمی پردیس به شماره ۹۹-EPCC/۶۰۰
(ب) نشانی مناقصه‌گزار: منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، محدوده طرح‌های پتروشیمی، مجتمع پتروشیمی پردیس. لازم به توضیح اینکه پس از بررسی‌های لازم، از متقاضیانی که واجد شرایط شناخته شوند حداقل کسب حائز امتیاز لازم از فرم ارزیابی کیفی پیمانکاران) جهت دریافت اسناد مناقصه دعوت به عمل خواهد آمد و ارسال مدارک هیچگونه حقی جهت شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد. متقاضیان می‌توانند در صورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر یا شماره تلفن ۰۲۱-۷۷۲۹۵۷۲۱-۰۷۷ واحد امور حقوقی و قراردادهای و ۰۲۱-۷۷۲۹۳۳۳۳۰۵۰۸ داخلی ۰۲۱ تماس حاصل نمایند.
روابط عمومی
شرکت پتروشیمی پردیس

اخبار کوتاه خارجی

حکومت ۶ میلیون یورویی ایران در پرونده مارک ویلموتس حاصل تلاش‌های گروهی افراد خواننده در جمع فوتبالی‌هاست که بدون توجه به واقعیت‌های موجود، موجب ورشکستگی فوتبال ایران شده‌اند و بزرگترین غرامت زن را در فوتبال پدیده آورده‌اند.
به گزارش ایسنا، فیفا بالاخره حکومتی ایران در پرونده شکایت مارک ویلموتس را تایید و فدراسیون فوتبال را موظف به پرداخت ۶ میلیون و ۱۳۷ هزار یورویی (۱۶۵ میلیارد تومان) کرد تا بحران واقعی سر باز کند و یقه فدراسیون ورشکسته را بگیرد.اگر چه مرور تصمیمات گذشته در وضعیت کنونی، چیزی را تغییر نمی‌دهد اما می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های جدید راه‌گشا باشد. این که چه کسانی در رسیدن به این وضعیت، نقش ایفا کردند بسیار مهم و حیاتی است و اساساً باید به این سوال پاسخ داد که از چه زمانی قدم در راهی گذاشتیم که انتهای آن پوچی و شکست بود؟
حال که فدراسیون فوتبال در حکم ابتدایی پرونده ویلموتس شکست خورده و امید زیادی برای موفقیت در حکم ثانویه هم وجود ندارد، می‌توان به این سوال پاسخ داد که چه کسانی در پرونده مارک ویلموتس مقصر هستند؟

برای رسیدن به پاسخ این سوال، نیازی نیست خیلی در گذشته کنکاش کنیم و کافی است که به نخستین روزهای سال ۲۰۱۹ برگردیم؛ جایی که مخالفان مریگوری کارلوس کیروش بعد از سال‌ها تحمل همه‌جای‌ها درست مبنی بر سوء مدیریت در عملکردشان، از مهدی تاج تا مدیران ارشد در بدنه دولت، به پنهان این که تیم ملی نتوانست قهرمان آسیا شود، کیروش را کنار گذاشتند. اما فقط مدیران نبودند که چنین شکستی را خلق کردند. در برابرتیم‌ها کارستی‌ها و کارتهای افراد در جایگاه‌های مدیریتی، ساکت نبود و زبان تندش در برابر این شکست‌ناپذیر بود، نیتون با اتهامات واهی به او مبنی بر دلالتی، همراه شد تا برخی چهره‌های فوتبالی، رسانه‌ای، هواداران و علاقه‌مندان هم با این موج همراه نشوند و در نهایت این بحران بزرگ برداشته شود.
یاد گفت اهالی رسانه و چهره‌های که تریبون صداسیما و همین‌طور تریبون‌های شخصی در داخل و خارج از ایران را در اختیار گرفته بودند، سهم سه سزایی در رفتن کیروش و آمدن ویلموتس ایفا کردند و مرتب کی روش را به دلایل غیرفنی، تخریب کرده و بسه پای میز محکمه بردند. درعین حال که فو فوتبال ایران و فدراسیون در این ماجرا نقش داشتند، اما دربراه نحوه جذب مارک ویلموتس و نوع قرارداد و میزان دستمزدی هم که به او پرداخت شده، گزارش‌های متعددی نوشته شده است که هر کدام به تنهایی می‌تواند تا کارآمدی مدیران ارشد فوتبال و ورزش کشور را به قدر یک شکست که حضور دستنی دستنی اجازه دادند فوتبال ایران به ورشکستگی برسد و دلالت‌ها تا مغز استخوان این فدراسیون نفوذ کنند.

در دورانی که فدراسیون در آستانه اهرمانی از ویلموتس بود، مهدی تاج گفت که قراردادها از زمان قرارداد کی‌روش منعقد نشده اما چندین ماه بعد، دروغ بزرگ رئیس پیشین فدراسیون فوتبال برآملا شد و مشخص شد که قرارداد منعقد شده با ویلموتس به مراتب بدتر و سنگین‌تر است و هیچ جای امپدورایی ندارد در حالی که تیم حقوقی فدراسیون هم آن را مطالعه نکرده اند. در وقت تاج به همراه فردی به نام پرهوز نظامی که هیچ سمتی در این فدراسیون و هیچ پیشینی از وزارت ورزش و دولت نداشته، راهی سفر به بروکسل و عقد قرارداد می‌شود. جالب‌تر این که با وجود قرارداد سه میلیون یورویی کی‌روش با گلمبیا، جواد کزنگماه از نزدیک‌ترین افراد به این مری در ایران، چندی پیش فاش کرد که کی‌روش با



ملیعی در حدود ۱٫۳ میلیون یورو حاضر به ادامه همکاری بوده اما مخالفان به نوعی عزم خود را جزم کرده بودند که حاضر نشدند یا در برابر این دستمزد ویلموتس را بیاورند و کی‌روش را که فوتبال ایران را متحول کرده بود، رها کنند.
در بخش دیگری از فاجعه‌ای که با کلیدوازه ویلموتس برای فوتبال ایران نداعی می‌شود، باید به نتایج ضعیف تیم ملی اشاره کرد که ایران بدون شکست و صدرنشین در رنکینگ آسیایی، به یک باره به تیمی تبدیل شد که در برابر تیم‌های درجه دوم و سوم آسیا ضعیف و بدترین شکست خورد و حالا در معرض از دست دادن جام جهانی، قرار گرفته است.آدر حالی که در مقطعی ویلموتس از سبانی بخش رسانه‌ای فدراسیون و وزارت ورزش تبدیل به الهه فوتبال همجوی شده بود و میراثی مانند فوآفرقتسب که سال‌ها معتقد کی‌روش بودند، ک شیه طرفدار ویلموتس شدند و بارها کارنشانسان فوتبال نوشتند که کی‌روش دست و پای بازیکنان ایران را بسته بود تا همجوی بازی کنند.

در ایسن فاجعه، دلالت‌هایی که ارتباط‌های نزدیکی با مسئولان وقت داشتند، بزرگترین نقش را ایفا کردند تا یک مریی درجه دو یا سه جایگزین فردی شود که در فوتبال اروپا با مریگری در و منجست و سرمرگیری در پرتغال و رنال مادرید شناخته می‌شد و دارای فلسفه‌ای مشخص قرارداد ویلموتس نقش عطف یک بحران است؛ قراردادی که به علت ناقصت خفراهی متعدد، فرصت بزرگی را برای سرمربی بلژیکی فراهم کرد که برخلاف تالی‌های فنی پایین، به اندازه چندین سالال پول به جیب زدند و از بروکسل به ریش مسئولان فدراسیون فوتبال بخندند.

ماجرا وقتی جالب‌تر می‌شود که در همان زمان مسئولان وقت فدراسیون و وزارت ورزش به دوام بنسندی دراین قرارداد، افتخار می‌کردند که حالا به قیمت شکست سنگین ایران در این پرونده حقوقی تمام شده است. بنندی که مهدی تاج می‌گفت پیشهاد وزیر ورزش بود و مازیار نظامی سخنگوی وقت وزارت ورزش آن را امایه افتخار می‌دانست، حالا برگ برنده رقیب شده است. برای رئیس پیشین فدراسیون که نقش اصلی را در این ماجرا بازی کرده، سعی کرده خودش را از این تاکنمی بجز مرکت اما باید بداند که نام او برای همیشه با این شکست بزرگ گره خورده و حالا باید پاسخ دهد که چگونه به عنوان متولی فوتبال ایران این ضربه مهلک را به فوتبال ایران وارد کرده است؟ با این وجود مسئولان زیادی در این مدت اظهاراتی داشتند که نشان از پشیمان نبودن آن‌ها دارد. نمونه آن اعضای هیئت ریسه فدراسیون هستند که برخلاف ادعای خود مبنی بر این که قرارداد را رویت نکرده بودند، مشخص شد آن را امضاء هم کرده و به مردم دروغ گفته اند.
حالاتکه‌ای که اما نباید فراموش نشود، رسیدگی

ورزشی

بزرگترین غرامت قرن در فوتبال ایران؛ مقصران کجا هستند؟



به عملکرد میراثی است که این قرارداد را منعقد کردند و یا مدیریت ناصحیح به صورت مستقیم به بیت‌المال و حقیقتاً دست اندازی کرده و میلیاردها تومان از سرمایه مردم را به باد می‌دهند؟ آیا مهدی تاج و هیئت رئیسه‌ای که به او اختیار نامه داد و قرارداد را امضاء کرده اند، نباید در برابر سوالات مردم پاسخگو باشند؟
برای فوتبال ایران نداعی می‌شود، باید به نتایج ضعیف تیم ملی اشاره کرد که ایران بدون شکست و صدرنشین در رنکینگ آسیایی، به یک باره به تیمی تبدیل شد که در برابر تیم‌های درجه دوم و سوم آسیا ضعیف و بدترین شکست خورد و حالا در معرض از دست دادن جام جهانی، قرار گرفته است.آدر حالی که در مقطعی ویلموتس از سبانی بخش رسانه‌ای فدراسیون و وزارت ورزش تبدیل به الهه فوتبال همجوی شده بود و میراثی مانند فوآفرقتسب که سال‌ها معتقد کی‌روش بودند، ک شیه طرفدار ویلموتس شدند و بارها کارنشانسان فوتبال نوشتند که کی‌روش دست و پای بازیکنان ایران را بسته بود تا همجوی بازی کنند.

در ایسن فاجعه، دلالت‌هایی که ارتباط‌های نزدیکی با مسئولان وقت داشتند، بزرگترین نقش را ایفا کردند تا یک مریی درجه دو یا سه جایگزین فردی شود که در فوتبال اروپا با مریگری در و منجست و سرمرگیری در پرتغال و رنال مادرید شناخته می‌شد و دارای فلسفه‌ای مشخص قرارداد ویلموتس نقش عطف یک بحران است؛ قراردادی که به علت ناقصت خفراهی متعدد، فرصت بزرگی را برای سرمربی بلژیکی فراهم کرد که برخلاف تالی‌های فنی پایین، به اندازه چندین سالال پول به جیب زدند و از بروکسل به ریش مسئولان فدراسیون فوتبال بخندند.

ماجرا وقتی جالب‌تر می‌شود که در همان زمان مسئولان وقت فدراسیون و وزارت ورزش به دوام بنسندی دراین قرارداد، افتخار می‌کردند که حالا به قیمت شکست سنگین ایران در این پرونده حقوقی تمام شده است. بنندی که مهدی تاج می‌گفت پیشهاد وزیر ورزش بود و مازیار نظامی سخنگوی وقت وزارت ورزش آن را امایه افتخار می‌دانست، حالا برگ برنده رقیب شده است. برای رئیس پیشین فدراسیون که نقش اصلی را در این ماجرا بازی کرده، سعی کرده خودش را از این تاکنمی بجز مرکت اما باید بداند که نام او برای همیشه با این شکست بزرگ گره خورده و حالا باید پاسخ دهد که چگونه به عنوان متولی فوتبال ایران این ضربه مهلک را به فوتبال ایران وارد کرده است؟ با این وجود مسئولان زیادی در این مدت اظهاراتی داشتند که نشان از پشیمان نبودن آن‌ها دارد. نمونه آن اعضای هیئت ریسه فدراسیون هستند که برخلاف ادعای خود مبنی بر این که قرارداد را رویت نکرده بودند، مشخص شد آن را امضاء هم کرده و به مردم دروغ گفته اند.
حالاتکه‌ای که اما نباید فراموش نشود، رسیدگی

به ویژه فراکسیون ورزشش این است که در شرایط فعلی آنجا که جا دارد با بکارگیری وکلائی قوی و توانمند به اعتراض به رأی فیفا به دادگاه CAS خواهان لغو این حکم بشوم، در غیر این صورت عاملین عقد این قرارداد باید با پرداخت مبلغ قرارداد تنگین از جیب خود، ضمن معذرت خواهی از مردم شریف ایران، برای همیشه از دنیای ورزش استعفا دهند و بیشتر از این به نظام و انقلاب و مردم خیانت نکنند.

رفیعی: ششاسن موفقیت در دادگاه ورزش، صفر در صد است

وکیل بین‌المللی فوتبال گفت: باید فدراسیون فوتبال نام اعضای هیات رئیسه را که به قرارداد مارک ویلموتس رای مثبت داده‌اند، اعلام کند.

غلامرضا رفیعی در گفت و گو با ایرنا در خصوص محکوم شدن فدراسیون فوتبال به پرداخت جریمه ۶ میلیون و ۲۰۰ هزار یورویی به ویلموتس اظهار داشت: ایسن پرونده باید صد درصد در دادگاه عالی ورزش رسیدگی شود اما به شرطی اینکه ۵۰ درصد شانس برنده شدن داشته باشیم.

وی افزود: بی‌تردید در زمان ثبت قرارداد ویلموتس کوناهای آشکاری صورت گرفته و اطمینان‌ناام اگر امضاکننده قرارداد برای باشگاه شخصی خود می‌خواست مریی استفاده کند، این کار از انجام نمی‌داد چون این قرارداد آتش‌زدن مصالح فوتبال کشور بود. شانس موفقیت ما در دادگاه عالی ورزش براساس برداشت من و با ادامه و هیچ نهاد نظارتی و بازرسی هم نباید نسبت به عملکرد آنها واکنش نشان دهد؟

فصل‌قوه قضاییه به عنوان بالاترین نهاد نظارتی به این پرونده ورود کرده و خبرهای خوبی درباره رسیدگی این پرونده خطابن به گوش می‌رسد. اگر تلاش‌های ما، برای رفع این محکومیت جلوگیری شود، امید است که قوه قضاییه در یک رسیدگی قضایی علنی تمام این خسارت را از مسیبان آن بگیرد تا عبرتی برای سایر مدیران ورزش شود.
رئیس فراکسیون ورزش مجلس: عاملین قرارداد با ویلموتس باید محاکمه شوند

رئیس فراکسیون ورزش مجلس گفت: باید با مسیبان قرارداد با مارک ویلموتس برخورد قضایی شوند و در شرایط فعلی باید با به کارگیری تیم وکلائی توانمند در دادگاه CAS این حکم فیا اعتراض کرد.

به گزارش خبرگزاری فارس، محمد مهدی فروردین در واکنش به جریمه ۶ میلیون و ۱۳۷ هزار یورویی فیفا بابت قرارداد مارک ویلموتس سرمربی سابق تیم ملی فوتبال ایران، گفت: این قرارداد هیچ دستاوردی برای ما نداشته است و باید مشخص شود تیم حقوقی نظار بر این قرارداد چه کسانی بوده اند.

فروردین با یادآوری اینکه ارزش فنی مارک ویلموتس در قرارداد این پرونده بوده و با تأکید بر اینکه نقش وزارت ورزش در انعقاد این قرارداد باید مشخص شود، گفت: در چنین قراردادهای حساسی ما باید نقش نظارتی وزارت ورزش را بیش از گذشته شاهد باشیم. طبق گفته معاون وزیر، وزارت ورزش در انعقاد این قرارداد نقش حیاتی داشته، آیا این حمایت نباید در کنار نظارت باشد؟

رئیس فراکسیون ورزش مجلس شورای اسلامی یادآور شد: سازمان بازرسی و دیوان محاسبات کشور به هیچ عنوان در این پرونده گناشت نخواهند داشت و مجلس هم در جایگاه خود در حمایت از حقوق مردم به هیچ عنوان کوتاه نخواهد آمد.خواسته مجلس

سخنگوی دولت در پاسخ به این پرسش که نظر ایران در مورد پیشهاد پوتین برای برگزاری بازی فوتبال در این کشور چیست؟ گفت: همان طور که قبلاً توضیح داده شد، ما متوجه حسن نیت آقای پوتین برای کاهش تنش‌ها هستیم ولی در عین حال باید می‌دانیم که چنین نشستی در قفان هرگونه تبادلات صافانه از طرف دولت آمریکا موثر باشد و دیدگاه ایران کاملاً روشن است.
علی ربیعی در پاسخ به پرسشی مبنی بر این که تعدادی از نمایندگان خواستار اصلاح اساسنامه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا هستند و به آن اتفاق دارند، گفت: شورای عالی اقتصادی، تدبیری از سوی رهبری، برای مدیریت هماهنگی اقتصاد کشور در شرایط ویژه کنونی است. برای فهم این ضرورت، باید توجه کنیم که در سخت‌ترین و بی‌سابقه‌ترین شرایط تحریرها و در یک جنگ اقتصادی تمام عیار ایران داریم و خشن‌ترین و پرقدرت‌ترین مخالفان اقتصادی ایران در آمریکا به قدرت رسیده‌اند. این یک جنگ جهانی است و ما این مهم یک واقعیت است که تروریسم اقتصادی در زندگی روزمره شهروندان ایرانی تأثیر روح آور داشته

فصل‌قوه قضاییه به عنوان بالاترین نهاد نظارتی به این پرونده ورود کرده و خبرهای خوبی درباره رسیدگی این پرونده خطابن به گوش می‌رسد. اگر تلاش‌های ما، برای رفع این محکومیت جلوگیری شود، امید است که قوه قضاییه در یک رسیدگی علنی تمام این خسارت را از مسیبان آن بگیرد تا عبرتی برای سایر مدیران ورزش شود.
رئیس فراکسیون ورزش مجلس: عاملین قرارداد با ویلموتس باید محاکمه شوند

رئیس فراکسیون ورزش مجلس گفت: باید با مسیبان قرارداد با مارک ویلموتس برخورد قضایی شوند و در شرایط فعلی باید با به کارگیری تیم وکلائی توانمند در دادگاه CAS این حکم فیا اعتراض کرد.

به گزارش خبرگزاری فارس، محمد مهدی فروردین در واکنش به جریمه ۶ میلیون و ۱۳۷ هزار یورویی فیفا بابت قرارداد مارک ویلموتس سرمربی سابق تیم ملی فوتبال ایران، گفت: این قرارداد هیچ دستاوردی برای ما نداشته است و باید مشخص شود تیم حقوقی نظار بر این قرارداد چه کسانی بوده اند.

فروردین با یادآوری اینکه ارزش فنی مارک ویلموتس در قرارداد این پرونده بوده و با تأکید بر اینکه نقش وزارت ورزش در انعقاد این قرارداد باید مشخص شود، گفت: در چنین قراردادهای حساسی ما باید نقش نظارتی وزارت ورزش را بیش از گذشته شاهد باشیم. طبق گفته معاون وزیر، وزارت ورزش در انعقاد این قرارداد نقش حیاتی داشته، آیا این حمایت نباید در کنار نظارت باشد؟

رئیس فراکسیون ورزش مجلس یادآور شد: سازمان بازرسی و دیوان محاسبات کشور به هیچ عنوان در این پرونده گناشت نخواهند داشت و مجلس هم در جایگاه خود در حمایت از حقوق مردم به هیچ عنوان کوتاه نخواهد آمد.خواسته مجلس

اخبار کوتاه خارجی

ایتنر به فینال لیگ اروپا رسید
تیم ایتنر با پیروزی ۵ بر صفر مقابل شاختاردوستسک به فینال لیگ اروپا راه یافت.
به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، دومین دیدار مرحله نیمه نهایی لیگ اروپا بین دو تیم ایتنر ایتالیا و شاختاردوستسک اوکراین برگزار شد که در نهایت تیم میلانی موفق شد با پنج گل حریف را در هم بکوبد و با قدرت به فینال راه یابد.
لوتارو مارتینز در دقیقه ۱۹ و ۱۴ دی آمربوزی در دقیقه ۶۴ و روملو لورکاو در دقیقه ۷۸ و ۸۴ گل‌های نراتزوری را به ثمر رساندند.شوارگان کوته با این پیروزی به فینال لیگ اروپا راه یافتند و در مرحله پایانی باید جمعه با به مصاف سویای اسپانیا بروند.

گواردیولا در سیتی می ماند
با اعلام مدیرعامل های پپ گواردیولا ایسن می بماند و هدایت سیتی را ادامه خواهد داد. به گزارش اسپنسا و به نقل از سسکارت، ژوزه ماریاس اورویتیک مدیربرنامه‌های پپ گواردیولا می‌گوید این مری تابستان ضد درصدد به جایگزینی سیتی خواهد ماند و احتمال می‌رود که تیم‌های دیگر را رد می‌کند.اورویتیک گفت: پپ ۱۰۰٪در سیتی خواهد ماند و او تأکید کرده است که در حال حاضر غیرممکن است که بخواند پیشبندهای تیم های دیگر را بررسی کند.

گفتنی است که گواردیولا تا سال ۲۰۲۱ با سیتی قرارداد دارد و مدیر باشگاه (فران سورلیانو) و چیکی بگوستین، مدیر تیم می‌خواهند قرارداد جدیدی را در هفته های آینده به این مری ارائه دهند.
آخرین وضع انتقال طارمی به پورتو پرتغال
با اعلام بازی روزنامه پرتغالی، قرارداد انتقال مهدی طارمی به تیم پرتوئی یکی دو روز آینده، امضا می‌شود.
به گزارش خبرنگار مهر، روزنامه O Jogo در شماره دیروز خود، جلدو تیترا اصلی را به مهدی طارمی اختصاص داد.این روزنامه نوشت: باید یک جلسه سرورنشست سلاز بین باشگاه پورتو و ریوآره برای انتقال مهدی طارمی برگزار شود. هیئت انتقال این بازیکن بین ۵ تا ۶ میلیون یورو است اما رسمی شدن این قرارداد ابتدا به فروش پورتو بستگی دارد.از طرفی روزنامه Abolab از مشکلات مالی پورتو برای جذب بازیکن جدید خبر داد. این روزنامه هم خبر مربوط به مهدی طارمی را ردی جلد خود برده و اعلام کرد مشکلات مالی باشگاه والنسیا برای جذب «بگو لته» که پورتو روی پول آن حساب کرده، ممکن است نقل و اتقالات جدید را تحت تأثیر قرار بدهد.

قلی زاده در تیم منتخب فوتبال بلژیک
هاکب ایرانی شارلارو در تیم منتخب هفته فوم لیگ برتر بلژیک قرار گرفت.
به گزارش ایلنا، سازمان لیگ برتر فوتبال بلژیک با اتمام هفته دوم این رقابت ها به معرفی بهترین تیم منتخب هفته پرداخت که علی قلی زاده هاکب ملی پوش کشورمان عضو باشگاه شارلاروا و درخشش برای تیمش در هفته اخیر ملقب است و با یک گل به کاه رضایی در این تیم قرار گرفت.
گفتنی است که شارلاروا مقابل آوستنده با نتیجه یک بر صفر به پیروزی رسید



متخب هفته فوم لیگ برتر بلژیک قرار گرفت

تسا در باره تصمیمات فوری در دوره جنگ اقتصادی هماهنگی بین قوا صورت گیرد و در مواردی که نیاز به مجوز قانونی دارد، به تصویب معظم له می‌رسد.وی همچنین به پاسخ به پرسشی دیگر مبنی بر این که عرضه اوراق سلفی نفت که در جلسه سران قوا تصویب و انتقاداتی به آن وارد شده است، گفت: طرح فروش نفت با موعد مشخص به متقاضیان به پیشنهاد مشترک وزارت اقتصاد و وزارت نفت بود که تأییدیه بانک مرکزی را به همراه داشت و در بررسی‌ها معلوم شد که با اهداف هدایت نقدینگی و رونق تولید و طرح‌های عمرانی و مقابله با تورم و رکود کمک می‌کند.
رییعی مطرح کرد: کلیات طرح هم در دو جلسه مورد تأیید ششورای عالی قرار گرفت؛ البته در جزئیات اجرایی، نظرات کارشناسی متفاوتی وجود داشته است که جمع بندی آن، مسود تصویب و اجرا خواهد شد. طبیعتاً است که هر کدام از قوا دیدگاه شخصی داشته باشند و با توجه به تودع دیدگاهی که وجود دارد نظرات خود را بیان می‌کنند و در نهایت جمع‌بندی جلسه برای تأیید به استحضار رهبری می‌رسد.

است. وی افزود: اصل و فلسفه تشکیل شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا براساس شرایطی است که آمریکا با تحریم های ظالمانه تروریسم اقتصاد در عمل جنگ اقتصادی درگیر این جنگ اقتصادی کرده است. شرایط جنگ اقتصادی نیازمند فرماندهی واحد و سرعت عمل در تصمیم‌گیری است.
این ششورا برای شرایط خاص کشور که امروز درگیر آن هستیم به صورت موثقی و قضایی فقط در باره برخی تصمیمات ضروری و اضطراری که در شرایط عادی اتخاذ آن زمانبر بوده برای مقابله با تحریم تشکیل شده و است. در تمام موارد تلاش شده است که برای دراز مدت مسو قوا نگذاری خود را مانند همه موارد طی کند. ریعی تأکید کرد: همه مصوبات شورای عالی هماهنگی سران قوا از سوی رهبری، برای حسن نیت این دو طرف است. اما در صورتی که در سخت‌ترین و بی‌سابقه‌ترین شرایط تحریرها و در یک جنگ اقتصادی تمام عیار ایران داریم و خشن‌ترین و پرقدرت‌ترین مخالفان اقتصادی ایران در آمریکا به قدرت رسیده‌اند. این یک جنگ جهانی است و ما این مهم یک واقعیت است که تروریسم اقتصادی در زندگی روزمره شهروندان ایرانی تأثیر روح آور داشته

سخنگوی دولت در پاسخ به این پرسش که نظر ایران در مورد پیشهاد پوتین برای برگزاری بازی فوتبال در این کشور چیست؟ گفت: همان طور که قبلاً توضیح داده شد، ما متوجه حسن نیت آقای پوتین برای کاهش تنش‌ها هستیم ولی در عین حال باید می‌دانیم که چنین نشستی در قفان هرگونه تبادلات صافانه از طرف دولت آمریکا موثر باشد و دیدگاه ایران کاملاً روشن است.
علی ربیعی در پاسخ به پرسشی مبنی بر این که تعدادی از نمایندگان خواستار اصلاح اساسنامه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا هستند و به آن اتفاق دارند، گفت: شورای عالی اقتصادی، تدبیری از سوی رهبری، برای مدیریت هماهنگی اقتصاد کشور در شرایط ویژه کنونی است. برای فهم این ضرورت، باید توجه کنیم که در سخت‌ترین و بی‌سابقه‌ترین شرایط تحریرها و در یک جنگ اقتصادی تمام عیار ایران داریم و خشن‌ترین و پرقدرت‌ترین مخالفان اقتصادی ایران در آمریکا به قدرت رسیده‌اند. این یک جنگ جهانی است و ما این مهم یک واقعیت است که تروریسم اقتصادی در زندگی روزمره شهروندان ایرانی تأثیر روح آور داشته

سخنگوی دولت در پاسخ به این پرسش که نظر ایران در مورد پیشهاد پوتین برای برگزاری بازی فوتبال در این کشور چیست؟ گفت: همان طور که قبلاً توضیح داده شد، ما متوجه حسن نیت آقای پوتین برای کاهش تنش‌ها هستیم ولی در عین حال باید می‌دانیم که چنین نشستی در قفان هرگونه تبادلات صافانه از طرف دولت آمریکا موثر باشد و دیدگاه ایران کاملاً روشن است.
علی ربیعی در پاسخ به پرسشی مبنی بر این که تعدادی از نمایندگان خواستار اصلاح اساسنامه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا هستند و به آن اتفاق دارند، گفت: شورای عالی اقتصادی، تدبیری از سوی رهبری، برای مدیریت هماهنگی اقتصاد کشور در شرایط ویژه کنونی است. برای فهم این ضرورت، باید توجه کنیم که در سخت‌ترین و بی‌سابقه‌ترین شرایط تحریرها و در یک جنگ اقتصادی تمام عیار ایران داریم و خشن‌ترین و پرقدرت‌ترین مخالفان اقتصادی ایران در آمریکا به قدرت رسیده‌اند. این یک جنگ جهانی است و ما این مهم یک واقعیت است که تروریسم اقتصادی در زندگی روزمره شهروندان ایرانی تأثیر روح آور داشته

سخنگوی دولت در پاسخ به این پرسش که نظر ایران در مورد پیشهاد پوتین برای برگزاری بازی فوتبال در این کشور چیست؟ گفت: همان طور که قبلاً توضیح داده شد، ما متوجه حسن نیت آقای پوتین برای کاهش تنش‌ها هستیم ولی در عین حال باید می‌دانیم که چنین نشستی در قفان هرگونه تبادلات صافانه از طرف دولت آمریکا موثر باشد و دیدگاه ایران کاملاً روشن است.
علی ربیعی در پاسخ به پرسشی مبنی بر این که تعدادی از نمایندگان خواستار اصلاح اساسنامه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا هستند و به آن اتفاق دارند، گفت: شورای عالی اقتصادی، تدبیری از سوی رهبری، برای مدیریت هماهنگی اقتصاد کشور در شرایط ویژه کنونی است. برای فهم این ضرورت، باید توجه کنیم که در سخت‌ترین و بی‌سابقه‌ترین شرایط تحریرها و در یک جنگ اقتصادی تمام عیار ایران داریم و خشن‌ترین و پرقدرت‌ترین مخالفان اقتصادی ایران در آمریکا به قدرت رسیده‌اند. این یک جنگ جهانی است و ما این مهم یک واقعیت است که تروریسم اقتصادی در زندگی روزمره شهروندان ایرانی تأثیر روح آور داشته

سخنگوی دولت در پاسخ به این پرسش که نظر ایران در مورد پیشهاد پوتین برای برگزاری بازی فوتبال در این کشور چیست؟ گفت: همان طور که قبلاً توضیح داده شد، ما متوجه حسن نیت آقای پوتین برای کاهش تنش‌ها هستیم ولی در عین حال باید می‌دانیم که چنین نشستی در قفان هرگونه تبادلات صافانه از طرف دولت آمریکا موثر باشد و دیدگاه ایران کاملاً روشن است.
علی ربیعی در پاسخ به پرسشی مبنی بر این که تعدادی از نمایندگان خواستار اصلاح اساسنامه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا هستند و به آن اتفاق دارند، گفت: شورای عالی اقتصادی، تدبیری از سوی رهبری، برای مدیریت هماهنگی اقتصاد کشور در شرایط ویژه کنونی است. برای فهم این ضرورت، باید توجه کنیم که در سخت‌ترین و بی‌سابقه‌ترین شرایط تحریرها و در یک جنگ اقتصادی تمام عیار ایران داریم و خشن‌ترین و پرقدرت‌ترین مخالفان اقتصادی ایران در آمریکا به قدرت رسیده‌اند. این یک جنگ جهانی است و ما این مهم یک واقعیت است که تروریسم اقتصادی در زندگی روزمره شهروندان ایرانی تأثیر روح آور داشته

سخنگوی دولت در پاسخ به این پرسش که نظر ایران در مورد پیشهاد پوتین برای برگزاری بازی فوتبال در این کشور چیست؟ گفت: همان طور که قبلاً توضیح داده شد، ما متوجه حسن نیت آقای پوتین برای کاهش تنش‌ها هستیم ولی در عین حال باید می‌دانیم که چنین نشستی در قفان هرگونه تبادلات صافانه از طرف دولت آمریکا موثر باشد و دیدگاه ایران کاملاً روشن است.
علی ربیعی در پاسخ به پرسشی مبنی بر این که تعدادی از نمایندگان خواستار اصلاح اساسنامه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا هستند و به آن اتفاق دارند، گفت: شورای عالی اقتصادی، تدبیری از سوی رهبری، برای مدیریت هماهنگی اقتصاد کشور در شرایط ویژه کنونی است. برای فهم این ضرورت، باید توجه کنیم که در سخت‌ترین و بی‌سابقه‌ترین شرایط تحریرها و در یک جنگ اقتصادی تمام عیار ایران داریم و خشن‌ترین و پرقدرت‌ترین مخالفان اقتصادی ایران در آمریکا به قدرت رسیده‌اند. این یک جنگ جهانی است و ما این مهم یک واقعیت است که تروریسم اقتصادی در زندگی روزمره شهروندان ایرانی تأثیر روح آور داشته

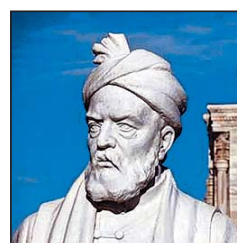
ردیف	نام مجتمع	نوع کاربری	واحد	متراژ متر مربع	قیمت پایه(ریال)	آدرس
۱	طبقه همکف واحد ۱۱۳۷		۹۷،۴۹	۳۴،۵۸۴،۵۷۷،۵۰۰		
۲	طبقه همکف واحد ۱۱۵۳		۸۹،۶۳	۴۰،۶۴۷،۹۴۵،۰۰۰		
۳	طبقه همکف واحد ۱۱۴۸	تجاری	۷۷،۲۷	۳۴،۰۵۶،۷۵۲،۵۰۰		مشهد
۴	طبقه همکف واحد ۱۱۲۳		۷۸،۸۳	۳۵،۸۴۵،۹۷۱،۷۵۰		خیابان پاسداران
۵	طبقه همکف واحد ۱۱۲۹		۷۰،۰۲	۲۶،۷۲۱،۳۸۲،۵۰۰		جنبه‌دراویی
۶	طبقه همکف واحد ۹۱۱۵		۹۹،۲۶	۱۵،۴۲۷،۱۵۲،۵۰۰		
۷	طبقه همکف واحد ۳۱۱۱	اداری	۱۳۹،۳۰	۲۰،۶۶۵،۱۵۵،۰۰۰		

متقاضیان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر، بازدید از املاک، دریافت اسناد مزایده و تسلیم پیشنهادهای خود حداکثر تا ساعت ۱۹ روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۰۴ به محل این شرکت واقع در تهران میدان صنعت، خیابان ایران زمین خیابان گلستان پلاک هفت، مراجعه و یا با شماره ۸۸۵۸۱۵۶۰ تماس حاصل نمایند.

توضیحات:
۱- پیشنهادهای فاقد سپرده یا دارای سپرده کمتر از میزان مقرر، مخدوش، مبهم، مشروط و پیشنهادهایی که با شرایط مندرج در آگهی و برگ مسوای مزایده اختلاف داشته یا بعد از مدت مقرر واصل گردد مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد...
۲- رعایت تکمیل فرم مندرج در برگه شرایط مزایده الزامی است.
۳- سپرده ودیعه شرکت در مزایده معادل ۵ درصد قیمت پایه مزایده است که متقاضیان باید طی یک فقره چک تضمینی بانکی در وجه شرکت احداث و راه اندازی پایانه سلام فرودگاه بین المللی امام خمینی (ره) به شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۴۳۰۶۰ (پیمانکاران طرف حساب شرکت موظف به اخذ رسید بلیو که کردن مطالبات) اخذ و در پاکت تحویل نمایند.
۴- کلیه پاکتهای حاوی پیشنهادهای متقاض



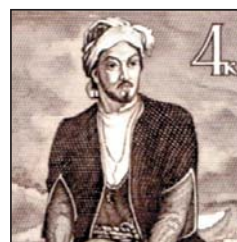
فصلنامه فرهنگی روزنامه اطلاعات
چهارشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۹۹
سال نهم - شماره ۲۷۶۳۶



خرد رهنمای
و خرد دلگشای
۲



مکتب
شیکاگو
۳



درباره
استاد رودکی
۴



رمانی از کارلوس
روئیت تافون
۶

نگاهی دوباره به حکیم عمر خیام

شهرستان
Pishkhan.com



چون صبح روشن است، که خواهد ز دست رفت ...

علم و تجربه‌های علمی، در این ماجرای پاندمی کووید ۱۹ به همه مردم جهان نشان داد که حد و مرز پایان ندارد اما اهمیتی زایدالوصف برای ادامه حیات بشر و تمام موجودات جهان دارد. دانش یا علم، بنیاد بسیاری از مسائل و حل کننده مشکلات بشر، برآورنده نیازهای انسان، و پاسخگوی پرسش‌هایی است که هر یک از ما در هر برهه از زندگی با آن روبه‌رو می‌شویم. به نظرم اخلاق هم در به کارگیری و رهگیری علم می‌تواند خودنمایی کند، زیرا باید مبانی قانع‌کننده و منطقی داشته باشد، می‌باید در منافع آن اندیشیده شود تا بدانیم که این مبنا به چه کار می‌آید و چگونه در پس زمینه قانون و فرهنگ، به منش فردی و مناسبات اجتماعی مدد می‌رساند.

علم و تفکر علمی، برای بشر معاصر، از فضل و دانشی که مایه تفاخر و بزرگی - یا بزرگنمایی - در گذشته‌های دور و نزدیک بود، فاصله گرفته است. روش، آداب، محتوا، مهارت و دستاوردهای آن مشخص است. آزمون پذیر، نسبی و قابل انتقال است. دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی و آزمایشگاه‌ها، در ضمن کتاب‌ها در محافل و انجمن‌های رشته‌های گوناگون حرکت و جریان دارد و در مجلات معتبر و تخصصی، در سراسر جهان پراکنده است. اندیشه و دانش، ملک و مستعمره کسی نیست و به هیچ ملت و قوم و قبیله‌ای هم تعلق ندارد.

اما شگفت‌انگیزترین وجه قضیه را باید در فروتنی علمی و اخلاق عالمانه ملاحظه کرد و درست در نقطه مقابل آن، می‌توان یاد تبختر و تکبر را در وجود فاضل نمایان و شبه دانشمندان و باوه‌گویی دید که هیچ بهره‌ای از دانش ندارند و در گشایش‌های علمی و تحقیقات و اختراعات و ابداعات و آموزش‌های علمی نیز هیچ نقشی ایفا نمی‌کنند. علمایی که از دایره تاریخ و حقایق آن برون افتاده و با چسبیدن به دامن منسوخات و مدعیات و خرافات، متوقف شده‌اند.

هزار سال پیش استاد رودکی بزرگ، که در این شماره هم مطلبی درباره وجود عزیزش منتشر شده است، متوجه همین امور بود و چنین سرود:

تا جهان بود از سر مردم فراز
کس نبود از راز دانش بی‌نیاز
مردمان بخرد اندر هر زمان
راز دانش را به هرگونه زیان
گرد کردند و گرامی داشتند
تا به سنگ اندر همی بنگاشتند
دانش اندر دل چراغ روشن است
وز همه بد بر تن تو جوشن است

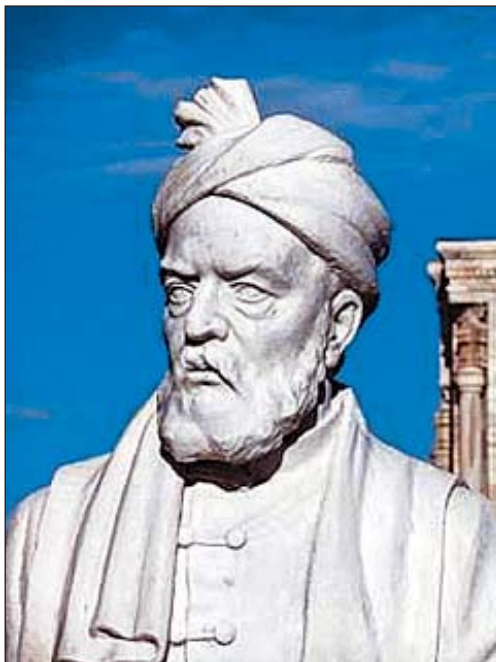
این بیت‌ها از کلیله و دمنه منظوم بر جای مانده، اما روشنی و فواید آن، چنان آشکار است که نیاز به توضیح ندارد. در دنباله آن، سروده دیگری از استاد فردوسی در همین زمینه، یعنی ستایش خرد را که مقدمه و ابزار دانش است ذکر می‌کنیم:

خرد بهتر از هر چه ایزد بداد
ستایش خرد را نه از راه داد
خرد رهنمای و خرد دلگشای
خرد دست گیرد به هر دو سرای
از و شادمانی و زویست غمی‌ست
وزویست فرونی وزویست کمی‌ست
کسی کو خرد را ندارد ز پیش
دلش گردد از کرده خویش ریش
ازویسی به هر دو سرای ارجمند
گسسته خرد پای دارد به بند
خرد چشم جان است چون بنگری
تو بی‌چشم شادان جهان نسیری
نخست آفرینش خرد را شناس
نگهبان جان است و آن سه پاس
سه پاس تو چشم است و گوش و زبان
کزین سه رسد نیک و بد بی‌گمان
خرد را و جان را که یارد ستود
و گر من ستایم که یارد شنود

حکیمای چو کس نیست گفتن چه سود
ازین پس بگو کافرینش چه بود
تویی کرده کردگار جهان
بینی همی آشکار و نهان
به گفتار دانشگان راه جوی
به گیتی پیوی و به هر کس بگوی
ز هر دانشی چون سخن بشنوی
از آموختن یک زمان نغسوی
چو دیداریابی به شاخ سخن
بدانی که دانش نیاید به بن

باری، بسیاری از خوانندگان، بر تقدم یا برتری حکیم فردوسی و بزرگان اولین که معلمان خرد و دانش در فرهنگ ما بوده‌اند، احاطه و اطلاع دارند اما آنچه باید بر این مقدمات و بدیهیات بیفزاییم، اشاراتی غمبار به گم کردن راه خرد است که در تاریخ ما با درهم شکستن فلسفه و تحقیر عقل و استدلال و حتی کلام و علوم عقلی اعتقادی روی داد و دانش و زندگی به تحقیر و تزویر، چنان خوار شد که گویی هیچ ارج و قربی ندارد.

داستان معتزله و اشاعره را همگان می‌دانند و در تواریخ مسطور است. اما درست از همان قرن اول هجری که خوارج برای عقاید و مدعاهای گزاف و متعصبانه‌شان، کتاب و نص را به تفسیری دروغین و سنگ‌اندیشانه فرو کاستند تا روزی که امام محمد غزالی فلسفه و پرسش عقلانی را در اصول و اعتقادات نهی کرد و کتاب تهافت‌الفلسفه همچون پرچی علیه عقل و



حکمت به کار رفت، راه درازی نبود، حتی صوفیه و عرفا، که علی‌الظاهر باید آزادی و تساهلی در کردار و اندیشه و گفتار داشته باشند، هر جا توانستند مشت و لگدی به فلسفه زدند و از افلاطون و ارسطو تا فارابی و بوعلی را چنان لت و کوب کردند که هنوز نمی‌توانیم در عقل و علم قد راست کنیم. این گوشه‌ای از داستان غمبار فرهنگ ماست.

عقل معتزلی و خرد آزاد فردوسی و دانش ممتاز رودکی را فرو نهادیم؛ اصول کافی را که با کتاب العقل آغاز می‌شد را تعطیل کردیم و در تنور داغ و شهود فلان مرشد و مدعی همسایگی شرقی شعبده‌ها دیدیم. آن همه اجوبه و اسئله و قال و مقال علمی ابوریحان بیرونی و آن همه آزمایش و آزمون محمدبن زکریای رازی، و طبقه‌بندی علوم و نجوم و ریاضی خوارزمی و منطق و اخترشناسی خواجه‌نصیر را بایگانی کردیم و به جای آن منقولات اخباری و تعصبات اخباری و شطح و طامات صوفی را جانشین کردیم.

صدرالدین را تبعید و میرفندرسکی را آواره کردیم و جنگ حیدری و نعمتی را چنان دامن زدیم که دیگر صدای خودمان هم به گوشمان نمی‌رسید، هیاهوی بسیار برای هیچ...

ما باید بدانیم که اگر فخر و فضیلت و عظمتی در ایمان هم وجود دارد، تنها به علم و دانایی است و در قفای آن به تقوا و درستکاری و عبادات؛ مداد العلماء افضل من دماء الشهداء...، خداوند صریح فرموده است: هل يستوی الذین یعملون و الذین لا یعملون؟ یعنی اگر شبانه‌روز هم به شریع و ظواهر بپردازیم، باز هم میان آن که علم دارد با آن که ندارد برابری نیست. اهل علم برترند، والا ترند و جاهل قشری متعصب اصلاً به چه درد می‌خورد؛ مگر هزارها هزارش در همسایگی شرقی کشورمان میان طالب‌ها و در همسایگی غربی میان تکفیری‌های داعشی و سلفی نیستند، که شبانه‌روز در غیاب معرفت حق، تمسک ظاهری و تنسک بی‌معنا پیشه کرده‌اند؛ اینها جز بی‌آبرویی و جنایت

چه کرده‌اند؟

این همه سخن گفتن تا گلابه کنیم از خطیبی که اخیراً سخن گفته و به خیال خام خود، کشف و تفسیری بر نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین حیدر(ع) اضافه و نابخردانه اضافه کرده بود. جان آدمی، آتش می‌گیرد از اینکه صاحب آن حکمت و عظمت را چنین زاهدان نادان و متحجری، در آینه زنگار گرفته‌وهم و خیال کوچک خود بازمی‌گویند.

باری، ایشان به صراحت سخنانی می‌گویند که جز اعجاب و حیرت نقشی نمی‌تواند ایجاد کند و در غیاب علم و فرهنگ و آموزش صحیح و خرد ناب، طبعاً کار به اینجا می‌کشد، که یکی به عنوان کارشناس طبابت سنتی، یک نمکدان در جیب می‌گذارد و در سیمای سراسری به مردم می‌گوید همین برای درمان و پیشگیری از ویروس کافی است، آن دیگری مدام از زبان عربی در بهشت و لهجه حجازی اهل مناطق شمال و آذربایجان، در مقابل زبان اهل جهنم که هندی و چینی و فارسی و انگلیسی و غیره است سخن می‌گوید و این نوبت آخری (بدون یک کلمه پس و پیش)، چنین می‌گویند:

«یکی از جملاتی که خیلی مطرح می‌کنند این است که می‌گویند حکومت جمهوری اسلامی، حکومت اسلامی نیست، چون در حکومت اسلامی که نباید اختلاس اتفاق بیفتد، فساد اتفاق بیفتد! ببینید هیچ‌کس از فساد، اختلاس، حقوق نجومی و اینها دفاع نکرده، ولی یک نکته را دقت بفرمایید، علوی‌ترین حکومت تاریخ پر اختلاس بود. یعنی شما نهج‌البلاغه را که باز می‌کنید می‌بینید حدود یک سوم نهج‌البلاغه در رابطه با اختلاس خواص هست...»

نمی‌خواهم از بدسلیقگی و کج‌فهمی گوینده این جملات سخن بگویم اما دوستان، برادران و خواهران عزیز! میراث حکمی و دینی ما، اگر برای برخی موجب گشایش ثروت و دست‌یابی به قدرت شده، و اگر مشکلات و مسایلی در اندرون و بیرون این سیستم وجود دارد، چرا به ذات و گوهری که همواره موجب دلالت ما به تقوا و رهنمون شدن به حکمت و عقل و دانش بوده است، دست‌اندازی می‌کنید؟ این کزوری و کزطبعی و کزفهمی، آفت بزرگی است که دامن همه ما و خود شما را هم خواهد گرفت. بس کنید و بوی مشنوم و مسموم انفاستان را بیش از این نپراکنید.

در کشور ما، بزرگانی چون آخوند خراسانی و نایینی و جلوه و عصار و آشتیانی و طالقانی و علامه طباطبایی و مطهری و راشد و حابری‌ها بوده‌اند که فروغ روشنگر عقاید و عقلانیت بنهفته و بشکفته در آن را به مردم می‌آموختند. شما از کجا پیدایتان شد و از جان خسته این مردم چه می‌خواهید؟ تردید ندارم که اگر دیر بجنبیم و همانند اکثر مردم سکوت کنیم، تاک و تاک نشان هر دو بی‌نشان خواهند شد.

امروز، روزی نیست که غفلت کنیم یا امر بزرگی مانند دانش و آموزش و خردگرایی و منطق و ادب و تربیت را به دست نهادهای امتحان پس داده و ورشکسته‌ای بسیاریم که تهمانده این تبلیغات و این تفسیرهای ناصواب را به سر و روی مردم مظلوم ایران می‌باشند.

امروز، روزی است که تک تک مردمان دل‌آگاه و جانهای پاک و آزاده باید برخیزند و به هر طریق که می‌توانند درفش سترگ عقل و دانش را برافرازند تا در ورزش نسیم آزادی باز هم ملتی بزرگ و سرفراز و برارنده باشیم. باید چراغ ادب و فرهنگ را روشن کنیم تا نور دانش و اخلاق ما را از مسمومیت این توفان جهل و تعصب مصون بدارد. هیچ‌کس در این جهان بزرگ و پرآشوب به داد ما نخواهد رسید. این آموزه بزرگ را به خاطر داشته باشیم که خداوند سبحان به بنی آدم آموخت: «... ان الله لا یغیروا ما بقوم حتی ینقضوا ما بانفسهم.»

ما و فرزندانمان نیازمند اعتدال از این اشعرت بیبهره و باطلیم، باید گوشه عزت فرهنگ و هنر را با خانواده و فرزندانمان به گلستان علم و بوستان هنر و بهارستان ادب و فرهنگ بدل کنیم باشد که ایران و تمدن بزرگ و جاودانه‌اش دوباره چشم جهان را خیره سازد و این امر نیازمند مردمانی است که آبروی فقر و قناعت را نبرند و بکوشند و بیاموزند و شمع بی‌افروزند...

سخن را به بیت‌هایی از حکامه تازه استاد شفیعی کدکنی آخر می‌کنم و همگان را به خوانش این قصیده نغز و زیبا فرا می‌خوانم:

چون صبح روشن است، که خواهد ز دست رفت

فردا عنان دولت پا در رکابتان

این آبیگر عرصه این جنگ و دار و گیر

گردد بخار و سر دهد اندر سربانتان

وانگاه دیوباد دمانی رسد ز راه

بپراکند به هر طرفی باشتابانتان

وز یال دیو باد درافتید و در زمان

بینم خموش و خسته و خرد و خرابانتان

نک خوابتان به پهنه مرداب نیم شب

خوش باد تا سحر بدمد آفتابانتان

با این همه گزند که دیدیم دلخوشیم

تا بو که خلق در نگرند بی‌نقابانتان

با نگاهی به آراء مید می‌توان گفت دیدگاه او در قبال پارامترهای موثر بر رفتار، دیدگاهی معتدل است، به گونه‌ای که جبریت دورکیمی در قدرت تعیین‌کنندگی نیروهای اجتماعی در رفتار و نقش بی‌چون و چرای آدمی در خلق واقعیت اجتماعی و اصالت او در برابر اصالت جامعه دربرداشت تفهیمی و رویکرد تفسیرگرایانه ماکس وبر، در دیدگاه جورج هربرت مید دیده نمی‌شود. از این رو بسیاری از مفسران و شارحان آراء مید چون کوزر (۱۹۷۷)، ملنزر و مانیس (۱۹۷۸)، شولنبرگ (۱۹۷۸)، ریتزر (۲۰۱۱، ۱۹۷۵) و دیوید چیل (۲۰۰۵) مدعی هستند که مید رفتارگرایی اجتماعی مستقلی است که مشرب نظری و رهیافت و روشش به سرچشمه اصلی روان‌شناسی اجتماعی نزدیک‌تر است. او اما، قبل از هر چیز چهره‌ای است تربیت شده در مکتب جامعه‌شناسی و در روان‌شناسی اجتماعی ویژه خود اوست؛ خصوصاً آنجا که در نظریه تکوین شخصیت (Self) تقدم و نه اصالت را به جامعه در برابر فرد می‌دهد (و بدون آنکه قابلیت‌های منحصر به فرد آدمی را انکار کند) در کسوت یک جامعه‌شناس واقعیت‌گرا ظاهر می‌گردد و آنجا که دم از استعداد ذاتی و جلی آدمی چون خردورزی، تعقل، تفکر، تعامل، قدرت سخنوری، قدرت ارزیابی و توانایی تفسیر می‌زند، در هیئت یک جامعه‌شناس بر ساخت‌گرا و تفهیمی جلوه می‌کند.

اکثر مفسران آراء مید اجماع دارند او فیلسوفی پراگماتیست است که در مکتب جامعه‌شناسی تربیت شده است، وی مدافع رفتارگرایی اجتماعی در مقابل رفتارگرایی روانشناختی واتسونی با گرایش وافر به حوزه روان‌شناسی اجتماعی است.

بر اساس طبقه‌بندی پارادایماتیک ریتزر می‌توان مید را به لحاظ انتساب پارادایمی به پارادایم اصالت تعریف یا بر ساخت اجتماعی (Social Definition/Construction paradigm) به مکتب‌کنش متقابل نمادین (symbolic Interactionism) متعلق دانست (ریتزر، ۱۹۷۵: ۱۰۸ - ۹۶).

پیدایی و پایایی پارادایم تفهیمی و تفسیرگرا در جامعه‌شناسی کانون توجه بسیاری از جامعه‌شناسانی را از برتری بی‌چون و چرای جامعه و نیروهای اجتماعی بر آدمی، به انسان و اصالت او به عنوان موجودی خودآفرین، جامعه‌آفرین، خردورز، مفسر، ارزیاب، خلاق، فعال، خودمختار و با اراده‌ای مستقل معطوف ساخت.

مانیس و ملنزر (۱۹۷۸) معتقدند انتساب مید به جامعه‌شناسی او را مقید به پذیرش سیادت جامعه بر فرد و هژمونی نیروهای اجتماعی و اصالت جامعه بر فرد آدمی نمی‌سازد، بالعکس او با قبول تقدم جامعه بر فرد، همچون وبر و اصحاب پارادایم تفهیمی، فرد را نیز عنصری خلاق و فعال در فرایند تعامل فرد و گروه به شمار می‌آورد. از این منظر مید دیدگاهی معتدل در قبال پارامترهای موثر بر رفتار اتخاذ می‌نماید که در آن جامعه در پروسه برهمکنش فرد و گروه تقدم دارد، فرد نیز واجد استقلال، آگاهی و قدرت تشخیص و تفسیر است.

ریتزر (۲۰۱۱) نیز در باب الویت فرد یا جامعه می‌نویسد: «آنچه در نظریه مید شایان توجه است مسأله تقدم (Priority) جامعه بر فرد است نه اصالت آن. از این منظر هر دو اصل اند؛ حاضر و پیدا (Emergent) و رشد یابنده و پویا (developmental) که در رابطه دیالکتیکال با یکدیگر قرار می‌گیرند و بروز و ظهور و قوام و دوام می‌یابند» (ص ۴۷۸).

مید خود نیز در شرح «تقدم» جامعه بر فرد، و نه در نفی اصالت آدمی، می‌نویسد: «در روان‌شناسی اجتماعی، رفتار گروه اجتماعی را بر حسب رفتار تک‌تک افراد تشکیل‌دهنده آن بنا نمی‌کنیم، در عوض با کلیت اجتماعی معین فعالیت پیچیده گروه آغاز می‌نماییم که در آن رفتار هر یک از افراد تشکیل‌دهنده آن مجموعه را به منزله عناصر و احاد تحلیل می‌کنیم. از این منظر روان‌شناسی اجتماعی ضمن به رسمیت شناختن قابلیت‌های فرد به عنوان موجودی خلاق، خودمختار، آگاه و فعال، در مناسبات میان فرد و گروه، تقدم را به

گروه و جامعه می‌دهد» (Mead 1962:7)

ریتزر در تحلیل آراء مید و تعیین جایگاه نظریه او بر حسب پارادایمها و مکاتب مربوط به هر پارادایم بر این باور است که تعامل‌گرایی نمادین مید با اصالت دادن به جامعه و فرد معتقد است رفتار آدمی، در درون متن یا زمینه اجتماعی خاص، و به‌گونه‌ای ذهنی تعیین می‌شود و از پی آن، آگاهی اجتماعی و شناخت خویشتن نیز پا به پای هم در اثر ارتباطات ذهنی از طریق کنش‌های متقابل با دیگران به وجود می‌آیند. از این رو مید و سایر پیروان مکتب کنش متقابل نمادین، متوجه

«ذهن» و «خود» را موضوعاتی می‌داند که تنها در جریان تعامل فرد یا زمینه اجتماعی و ارتباطات متقابل (interaction) به‌وجود می‌آیند و لذا از حیث تاریخی بر جامعه تقدم ندارند.

ولی چگونه تعامل و ارتباطات متقابل، قبل از اینکه «ذهن» و «خود» وجود داشته باشند حادث می‌گردند؟ مید دلیل می‌آورد که توانایی و قابلیت انسان جهت کنش متقابل یک هدیه بیولوژیکی و خاص نوع برتر حیوانات یعنی انسان است. مید همچنین به عامل زبان و قدرت سخنوری (speaking) انسان اشاره می‌کند و عقیده



دکتر علیرضا محسنی تبریزی
استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

شرحی بر احوال و آثار جورج هربرت مید

بخش دوم

مکتب شیکاگو

درد انسان تنها موجودی است که با داشتن قدرت تکلم، نه تنها به قابلیت بیولوژیکی خود از تعامل و ارتباط ابعاد تازه‌ای می‌بخشد، بلکه عامل زبان، جریان جامعه‌پذیری را ممکن می‌سازد، با زبان انسان دیدگاه و نکته نظرات دیگران را درونی می‌سازد، با زبان است که کنترل اجتماعی میسر می‌شود و بالاخره از طریق زبان تعامل اجتماعی محقق و منجر به تکوین ذهن (فکر) و پیدایی ضمیر خودآگاه (self-consciousness) می‌گردد (نگاه کنید: کوزر ۱۹۷۵، رشنبرگ ۱۹۷۸، مید ۱۹۳۴، دوچ و کراوس ۱۹۹۲، اسکفلر ۱۳۶۶، محسنی تبریزی ۱۳۸۸، دیوید چیل ۲۰۰۵، جورج ریتزر ۱۹۷۵ و ۲۰۱۱).

منابع فکری و ریشه‌های معرفتی مید

منابع فکری و ریشه‌های معرفت و اندیشه مید متعدد و متنوع است. نحله‌های نظری، جریان‌های فکری و فلاسفه اجتماعی متعددی در تکوین افکار و آراء مید تأثیر به‌سزا داشته‌اند:

نخست؛ نظریه لامارک در رابطه با این مسأله که فهم رفتار ارگانیسم، تنها در سایه تطابق آن با محیط امکان‌پذیر است و محیط عامل اصلی و موثر در تکوین رفتار ارگانیسم است.

دوم؛ داروینیسم اجتماعی و تز تکاملی داروین که ناظر بر دگرگونی، تطور و تکامل گونه‌های زیستی است و این که هیچ چیز پایدار نیست مگر خود فراگرد و ارگانیسم و محیط که به‌گونه‌ای متعامل تعیین‌کننده

هستند. سوم؛ مکتب پراگماتیسم و فلسفه اصالت عمل که معتقد است اولاً آگاهی و شعور همواره جستجوگر و هدفدار بوده و به‌صورت ابزاری جهت تطابق با محیط، که به کار می‌رود. از این رو درک، امری انتخابی است. ثانیاً واقعیت حقیقی «آن بیرون» در دنیای واقعی وجود ندارد، با عمل در جهان زیسته و واقعی، نسبت به آن است که خلق و پدیدار می‌شود. ثالثاً انسان‌ها معرفت و دانش خود را در باب جهان، بر اساس آنچه معلوم شده برایشان نافع و سودمند است به‌خاطر سپرده و بنا می‌کنند و آنچه را که بی‌فایده و ناکارآمد است کنار می‌گذارند.

رابعاً انسان‌ها پدیده‌ها و امور مادی و اجتماعی را مطابق کاربردشان تعریف و تفسیر می‌کنند. خامساً اگر انسان‌ها در پی شناخت کنشگران‌اند لازم است شناخت خود را بر پایه آنچه انسان‌ها عملاً در جهان انجام می‌دهند بنا کنند. بدین ترتیب مکتب پراگماتیسم بر تعامل کنشگر با جهان پیرامون، مشاهده کنشگر و زیست جهان به صورت فرایندهای پویا و (نه ساختارهای ایستا) و اهمیت توانایی کنشگر در تفسیر دنیای اجتماعی تأکید می‌کند.

مید همچون دیگر پراگماتیست‌ها نظیر جمیز و دیویی معتقد بود معنای جمله را باید در نتایج عملی آن جمله به بار می‌آورد جستجو کرد. آنچه را که باید از این سخن دریافت، اهمیتی است که پراگماتیسم به نقش و اصالت عقل، تعقل و خردورزی (contemplation) می‌دهد. مید از این نظر به طور محسوس از مگ دوگال واضع نظریه «منشاء غریزی رفتار» که خود تحت تأثیر نظریه داروین قرار داشت، فاصله گرفت. مگ دوگال در تفسیری که از تکامل به دست داد، عمدتاً به تعیین کننده‌های ژنتیکی و خودبخودی، غیر ارادی و غیر عقلانی رفتار تکیه می‌کرد. برای مید، یکی از خصوصیات ممتاز و خاص انسان، توانایی او در تغییر جریان تکامل به مدد توانمندی‌ها و قدرت اندیشه و تعقل خود و هدایت این جریان است (و به نقل از دوچ و کراوس: ۱۹۹۲: ۱۹۸).

چهارم؛ روان‌شناسی کارکردی (Functional psychology) که معتقد است تفکر بصورت انعکاسی نمودی از رفتار تطبیق شده است.

مید با تلفیق نظریات پراگماتیست‌ها و فانکشنالیست‌ها این نظریه را مطرح کرد که حیات ارگانیکی خصوصیتی فعال (Active) داشته و ارگانیسم صرفاً به محرک‌ها عکس‌العمل نشان نداده، بلکه به انتخاب محرک‌ها در ضمن جریان مداوم فعالیت مبادرت می‌ورزد.

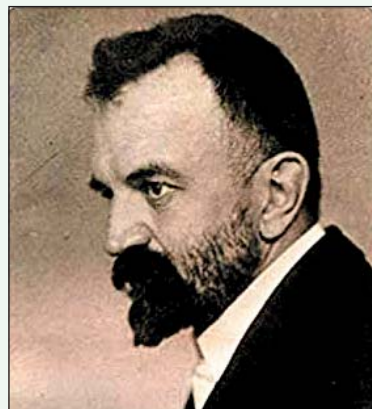
پنجم؛ سنت مذهبی استقلال طلبانه نیوانگلندی که بر اصالت آدمی و ماهیت خودمختار و مستقل انسان تأکید می‌ورزید و بر مسئولیت اجتماعی و وظیفه اخلاقی آدمی نسبت به اجتماع اصرار داشت.

ششم؛ فلسفه کانت و آراء برخی از ایده‌آلیست‌های رومانتیست آلمانی نظیر فیخته، شلینگ و هگل که بر فراگرد و دگرگونی تأکید دارد و به دنبال کشف و شناسایی آزاد و مسئول خودمطلق و من فراگذرنده به عنوان آفریننده جهان انسانی است.

به نظر این فلاسفه «ما» (We) به‌عنوان «خودهایی» (As Selves) تعیین می‌کنیم که جهان چیست؟ مید با تغییر این نظر ایده‌آلیستی، معتقد است که برای «ما» به عنوان «خودها» (For us as the selves) تعیین می‌شود (نگاه کنید: Coser, 1977: 349).

هفتم؛ مکتب رفتار واتسون و رفتارگرایی روان‌شناختی که بر رفتار کنونی و قابل مشاهده افراد تکیه داشت و کانون توجه خود را به محرک‌های برانگیزاننده پاسخ متمایل می‌ساخت.

رفتارگرایی واتسون، با رد سهم خصوصیت اجتماعی، کارکرد مادی و منتفی دانستن خصوصیات فردی و قلمرو مشاهدات خود افراد (که مختص هر یک از آنهاست) می‌کوشید نقش ذهن کنشگر را در برخورد با محیط کنار بگذارد.



پیشخوان
Pishkhan.com

فرهنگ ایران

در تاریخ ادبیات ایران مواردی یافت می‌شود که بر اثر اشتباهی کوچک در نقل سخنی یا خوانش غلط یا نوشتاری که به درستی استنساخ نشده است،کنته ای،شعری و یا واقعه ای به شخص دیگری انتساب یافته است که سهوا خشت اول بنایی کج نهاد شده و تا ثریا همچنان کج می‌رود.البته باید افزود که گویش و بیان عمومی در دامن زدن به این قبیل موضوعات نقشی بسزا دارند و صد البته در دوران ما که میدان تاخت و تاز، از آن دنیای مجازی است طبعاً این قبیل مسائل و مطالب پر رنگ‌تر و پر بسامدتر نشر پیدا می‌کنند. مثلاً بارها و بارها در نوشته های غیر پژوهشی و به دور از تحقیق می‌خوانیم که حافظ معشوقه ای به نام شاخ نبات داشت که به دنبال آن معجزه ای رخ داد و او یکباره شاعری بسزا دارند و صد‌الغایر نیشابوری در دیاری که با پدر مولانا و فرزندش داشت،کتاب اسرار نامهٔ خود را به جلال‌الدین محمد بلخی تقدیم کرد و گفت که زود باشد که این کودک آتش در سوختگان عالم بزند.

اشعار و مطالبی بسیار به مولانا و حافظ منتسب می‌کنند که اساسی ندارند اما همچنان و بی پروا تکرار و منتشر می‌شوند،نمونه ای دیگر انتساب نوروزنامه که موضوع آن یزدایش جشن نوروز و آدایش است به عمر خیام نیشابوری که به کمان من غلطی است مشهور. موضوع این مقاله مرود دانستن انتساب رباعیاتی است به حکیم

عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری ریاضی دان، فیلسوف و اخترشناس که نویسندهٔ کتاب مهم جبر و مقابله بوده است. این انتساب غلط در طول چند صد سال گذشته همچنان نوشته و تکرار و برانکده می‌شود.انتساب رباعیاتی چند به خیام فیلسوف و ریاضی‌دان به ویژه از زمانی شهرهٔ آفاق شد که ادوارد فیتز جرالد انگلیسی(درگذشتهٔ ۱۸۸۳میلادی) در سال ۱۸۵۹ میلادی برخی از آن رباعیات را به نام خیام ترجمه و در اروپا منتشر کرد و بعدها به زبان‌های مختلف نیز ترجمه شد و در این میان ایرانی‌ها بیشتر به خود بالیدند و در دامن زدن به آن کوتاهی نکردند.

در حالی که واقعیت آن بود که شخصی به نام «علی بن محمد خلف خراسانی» مشهور به خیام چند رباعی در طول حیات خود که از قضا با دوران زندگانی خیامی،یاضی‌دان حدوداً هم‌زمان بود سرود که هیچ ارتباطی با یکدیگر نداشتنداین رباعیات به تدریج در نوشته ها و تذکره ها(یادنامه ها) رسوخ کردند و چون این خلف خیام آنچنان مشهور نبود بنابراین رباعی‌ها به نام شخص شاخصی به نام عمر خیامی نیشابوری ضرب شد و البته بعدها به تدریج هر رباعی سروده اکنون مواردی که توسط اشخاص ناشناخته‌ای به ذهن و زبان می‌آمد به دلیل اشتراک در سبک و مضمون بر دوش خیام مشهور نهاده می‌شد و اینگونه خشت اول کج نهاده شد و اکنون این رباعی‌ها که بیشترشان را باید رباعیات سرگردان نامیدبالغ از هزار مورد شده است و همچنان به نام حکیم مورد نظر تبلیغ و منتشر می‌شود.

نگاهی گذار به زندگی حکیم عمر خیامی فیلسوف و ریاضی‌دان

غیاث‌الدین ابوالفتح عمر خیامی نیشابوری در حدود ۴۳۹ قمری زاده و در حدود ۵۱۷ قمری درگذشت.آرامگاه او در محوطهٔ مزار امام زاده محروق زیدی،در شهر نیشابور است و استاد معمار معاصر هوشنگ سیحون، بنایی زیبا برای آن طراحی و اجرا کرده است.

تحصیلات خیام در خراسان،اصفهان و ری سپری شد. از استادان او می‌توان از امام موفق نیشابوری،امام الحرمین جوینی و احتمالاً از ابن سینا(غیر مستقیم) نام برد.

خیام در ۳۰ سالگی به دستور جلال‌الدوله ملکشاه سلجوقی،توسط وزیر او که خواجه نظام‌الملک بود به اصفهان احضار شد تا با ریاست گروهی از دانشمندان به کار اصلاح گاه‌شمار یا تقویم اقدام کند که بعدها اثر مهم، به تقویم جلالی مشهور شد.

خیام در سال ۴۶۷ قمری کتاب جبر و مقابله را نوشت و در ۴۷۰ قمری شرح مشکلات اقلیدس را تألیف کرد و در ۴۷۲ قمری خطبهٔ ابن سینا در توحید را به فارسی نوشت کرد و کتاب‌های دیگری را به ترتیب نوشت که تعداد قابل توجهی از آن‌ها به دست ما رسیده است.

خیام در خراسان صاحب مقام و منزلتی بود و در حد یک وزیر منطقه ای نفوذ کلام و عمل داشت بطوری که ستایی غزنی‌وز باز وی در بارهٔ جاحظی که در نیشابور به او رفته است استمداد و یاری طلبیده است.

از مجموع نوشته های برجای مانده می‌توان چنین استنباط کرد که عمر خیامی ازادواج نکرده و خانواده ای تشکیل نداد

خلط میان خیامی‌ریاضی دان با خیام رباعی سرا در پایان سدهٔ ششم و آغاز سدهٔ هفتم قمری رخ داده است و طبعاً آیندگان نسبت به این خلط و مشکل حساسیت لازم را نداشته و موضوع بدون توجه به اصل و اساس کار به ویژه پس از دوران ایلغار مغولان و تیموریان

که فضایی مملو از بی مسئولیتی و شادخواری را بر زندگی ایرانیان تحمیل کرد، ادامه یافت و در زبان و ذهنیت عموم مردم جای خود را باز کرد. اما موضوع انتساب رباعیات به خیامی حکیم با نام مختصر خیام از هنگامی‌اوج گرفت که ترجمهٔ انگلیسی رباعیات توسط فیتز جرالد در انگلستان منتشر شد و متعاقب آن ایرانیان اهل اندیشه پیش از آنکه توجه به صحت انتساب رباعیات به عمر خیامی فیلسوف و ریاضی دان را مورد بررسی و کنکاش قرار دهند، بیشترین همت خود را صرف تشخیص رباعی های اصل از نا اصل کردند و اصل و اساس موضوع بکلی به فراموشی سپرده شد.

علامه قزوینی در بارهٔ آن رباعیات و نقش فیتز جرالد چنین می‌نویسد:

«شهرت خیّام در اروپا و به ویژه در انگلستان و آمریکا به مراتب بیشتر از شهرت او در وطن خود یعنی ایران می‌باشد و علت عمدهٔ این اشتهاق فوق العاده آنست که یکی از مشاهیر و اعظم شعراء انگلیس موسوم بادوارد فیتز جرالد رباعیات عمر خیّام را باشعار انگلیسی که در نهایت سلامت و عنویت است و در فصاحت لفظ و بلاغت معنی تقریباً معادل اصل فارسی آنست ترجمه نموده و در سنهٔ ۱۸۵۹ در لندن منتشر ساخت و این ترجمه چنان مطبوع طابع خواصّ و چندان قبول عامّه به هم رسانید که پس از آن چندین مرتبه کَرهٔ بعد آخری و مرهٔ بعد اولی در انگلستان و آمریکا طبع شد و نسخ آن بزودی تمام گردید و جمعی کثیر از ادبا و فضلا بترجمهٔ رباعیات او پرداختند و بسیاری دیگر به تقلید و سبک رباعیات خیّام رباعیات ساختند و طبع نمودند باندازهٔ که می‌توان گفت از حیث احصا بیرون است …»

در سالهای گذشته برخی از پژوهشگران و به ویژه استاد محیط طباطبایی این موضوع را به میدان نقد برده و آن را مورد کنکاش قرار دادند اما ظاهراً دیواری که بر اساس خشت کج اولیه بنا نهاده شده بود ستبرتر از آن بود که فرو ریزد یا رخنه ای در آن ایجاد شود.

تلاش راقم این سطور در مطالبی که ارائه خواهد کرد، بر این اصل استوار است که ایرانی‌ها نباید نگران فرو ریزش این تومب بزرگ باشند چرا که اولاً رباعیات خیام و افتخار آن اندیشه های پرشگزر برای یک ایرانی همچنان باقی خواهد ماند اما نه به نام حکیم عمر خیامی فیلسوف و ریاضی دان،بلکه به نام صاحب و سرایندهٔ اصلی آن یعنی بطور خلاصه «علی خیام خراسانی» .

اکنون مواردی که نویسندهٔ این مقاله بر اساس یافته‌ها و پژوهش‌های مستند به آنها دست یازیده است به شرح زیر ارائه می‌نماید:

عروضی سمرقندی در کتاب بسیار مهم چهار مقالهٔ نظامی عروضی که در سال ۵۵۱ هجری قمری تألیف کرده است و شاید اولین اثر کهنی باشد که از خیامی نیشابوری نام برده شده است،سختن از ملاقات و دوستی با وی دارد،سمرقندی مطالب مربوط به خیامی را نه در بخش تراجم احوال شاعران که در بخش مربوط به دانشمندان آورده و هیچ شأن ادبی و شعری برای خیامی قائل نیست.

«در سنهٔ ست و خمس مایه[۵۰۶] بشهر بلخ در کوی برده فروشان در سرای امیر بو سعد چرخ خواجه امام عمر خیامی و خواجه امام مظفر اسفزاری نزول کرده بودند و من بدان خدمت پیوسته بودم در میان مجلس عشرت از حجهٔ الحق عمر شیدم که او گفت گور من در موضعی باشد که هر بهاری شمال بر من گل افشان می‌کند مرا این سخن مستحیل نمود و دانستم که جنوبی گزاف نگوید چون در سنهٔ ثلثین[۵۲۰] بنشاپور رسیدم چهار سال بود تا آن بزرگ روی در تقاب خاک کشیده بود و عالم سفلی ازو یتیم مانده و او را بر من حقّ استادی بود آدینهٔ به زیارت او رفتم و یکی را با خود بیردم که خاک او بمن نماید مرا به گورستان حیره بیرون آورد و بر دست چپ گشتم در پایین دیوار باغی خاک او دیدم نهاده و درختان امروود و زردآلو سر از آن باغ بیرون کرده و چندان برگ شکوفه فر خاک او ریخته بود که خاک او در زیر گل پنهان شده بود و مرا یاد آمد آن حکایات که به شهر بلخ ازو شنیده بودم گریه بر من افتاد که در بسطط عالم و اقطار ربع مسکون او را هیچ جای نظیری نمی‌دیدم ایزد تبارک و تعالی جای او در جنان کناد بمنّه و کرمه»

بعد از چهار مقاله عروضی،کهن ترین اثری که نامی از خیامی نیشابوری به میان آمده است، اشعار خاقانی شیروانی است که در سال ۵۹۵ قمری درگذشته است. او در یکی از قصاید خود شخصی را در علم هر رتبهٔ عمر خیامی دانسته است و طبعا شأن شاعری برای او قائل نگردیده‌است:

«زان عقل بسدو گفت که ای عمر عثمان

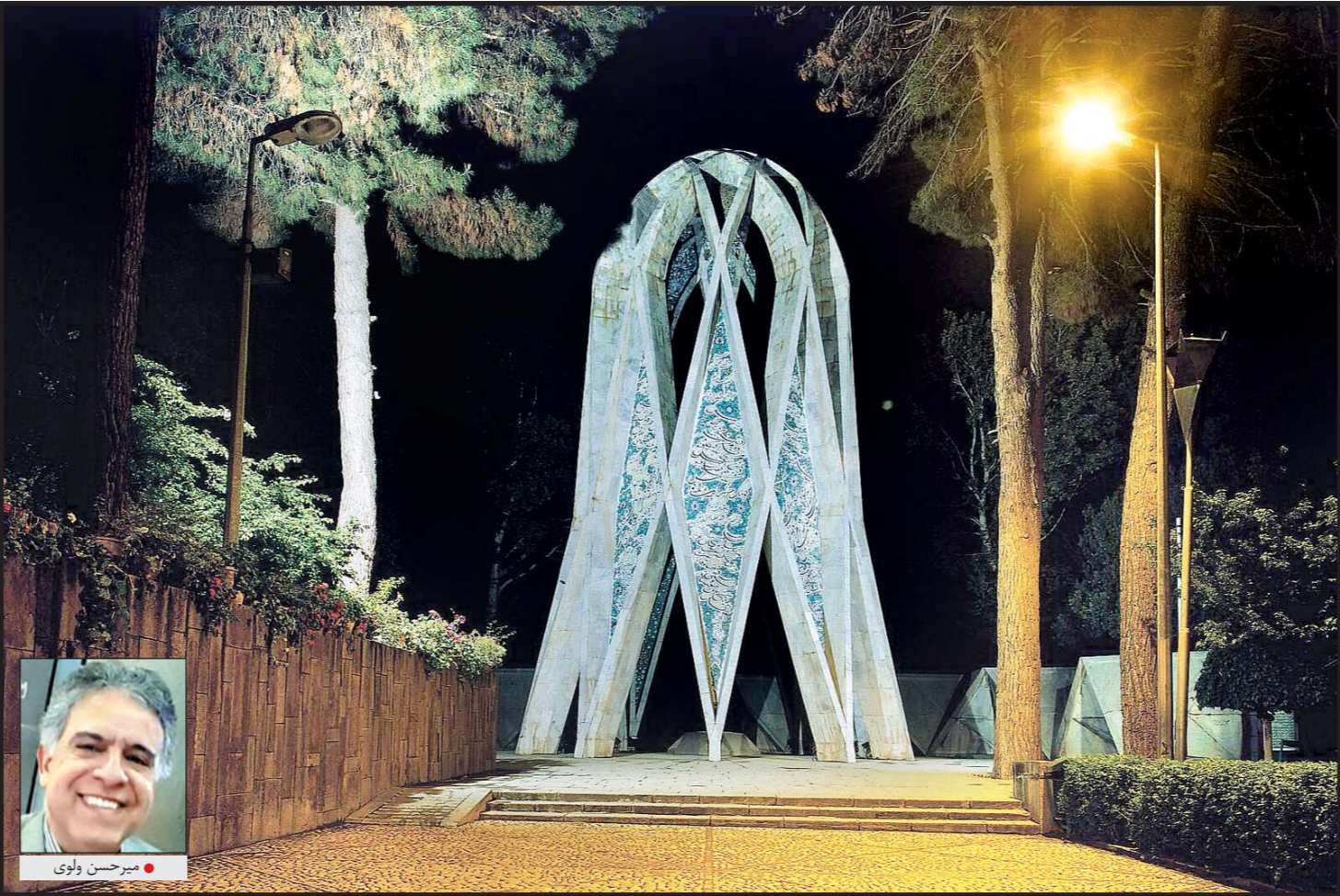
هم عمر خیامسی و هم عمر خُطاب

یعنی هم در علم دارای اوّلین رتبه مانند عمر خیامی و هم در

ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات



چهارشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۹۹ – سال نودوینجم – شماره ۲۷۶۳۴



● میرحسین ولوی

نگاهی دوباره به حکیم عمر خیام

عبدل صاحب نخستین درجه می‌باشی،مانند عمر بن خَطّاب (دومین از

خلفای راشدین)»

عبدالرحمن خزانی که در کار گاهشماری با عمر خیامی همکاری

می‌کرد و ظهیرالدین بیهقی(ابن خُنْدُق) که مورخ بود و با عمر خیامی دوستی داشت و همچنین امام اسفزاری؛ نیز که در کار تقویم جلالی یار و همکار عمر خیامی بود و با یکدیگر دیدار و گفتگوها داشته‌اند، هیچ کدامشان از عمر خیامی به عنوان شاعر و یا رباعی سرا یاد نکرده‌اند

کتاب معتبر و از قضا اولین تذکرهٔ مهم به زبان فارسی کتاب لباب‌الالیاب عوفی است که در حدود ۶۱۸ قمری نوشته شده است و حاوی شرح حال شاعران سدهٔ سوم تا سدهٔ ششم قمری می‌باشد. موضوع این کتاب شرح حال شاعران نامدار ایرانی و نقد آثار آنها است اما هیچ سخن و مطالبی از عمر خیامی به میان نیآورده است در حالیکه اگر خیامی شاعر بود و اشعاری سروده بود بطور حتم در این کتاب مهم از او سخن می‌رفت و اشعارش درج می‌شد.

تذکره‌الشعرا که نوشتهٔ دولت‌شاه سمرقندی است و از مهم‌ترین تذکره های شاعران و نویسندگان ادبی و برخی دانشمندان است، از حکیم عمر خیام نیشابوری سخن به میان آورده است اما نه به عنوان شاعر بلکه به نام دانشمندی که نجوم را خوب می‌دانست و نیز چگونگی رابطه اش با خواجه نظام الملک. بدیهی است چنانچه هر گونه شعر و رباعی از خیامی صادر شده بود می‌بایست در تذکره الشعرا درج می‌شد.

شاید در اولین جایی که از خیامی یا خیام با دو رباعی سخنی به میان آمده است،کتاب «مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد» اثر نجم‌الدین رازی به زبان فارسی باشد که در قرن هفتم قمری نوشته شده است. نجم‌الدین رازی دربارهٔ دیدگاه عمر خیام که فلسفی است مطالب انتقادی آورده و در ذیل آن مطلب، دو رباعی می‌آورد که اساساً تصریحی بر انتساب آن دو رباعی به حکیم عمر خیامی(رباعی دان) نیست، بلکه ضمن انتقاد از فلسفون می‌نویسد: در برابر تفکرات خیام نیز باید این بیت‌ها را آورد که معادلی است برای اندیشه های فلسفی وی و امثال او.

عین مطلب نجم‌الدین رازی چنین است:

«بیچاره فلسفی و دهری و طبیعی که ازین هر دو مقام محرومند و سرگشته و گمگشته، تا یکی از فضلا که به نزد ایشان به فضل و حکمت و کیاست معروف و مشهورست و آن عمر خیام است از غایت حیرت در تیه ضلالت او را جنس این بیتها می‌یابد گفت و اظهار ناینیانی کرد:

در دایسرای کامسندن و رفتن ماسنت

او را نه بنیادت نه نهایت پیداست

کس میی نزند دمی درین عالم راست

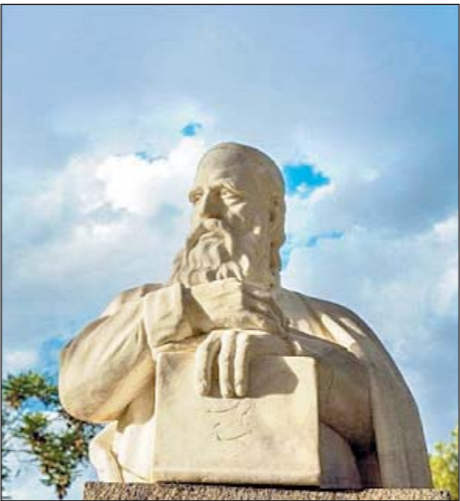
کاین آمدن از کجا و رفتن به کجاست؟

دارنده چو ترکیب طبایع آراست

باز از چه قیل قفندش اندر کم و کاست

گر زشت آمد پس این صور عیب کر است

ور خوب آمد خرابی از بهر چراست»



«از حکیمان که بدانجا منسوبند عمر خیام است. فیلسوفی عارف به دانش‌های گوناگون بویژه ریاضیات بود و به روزگار ملکشاه سلجوقی می‌زیست. سلطان بودجه‌ای در اختیار او نهاده بود تا ابزار رصد خانه فراهم ساخته به رصد ستارگان پردازد لیکن با مرگ این شاه، کار انجام نشده ماند.آورد،هاند که چون در برخی از رباط‌ها فرود آمد، و ساکنانش از بسیاری پرندگان آنجا که فضولاتشان لیباس‌ها را پلید می‌سازد شکوه نمودند، وی نمونه‌ای از آن پرندگان، با گل ساخت و بر یکی از کنگره‌های رباط نهاد و آمدن پرندگان، از ترس آن کاهش یافت.»

کتاب مهم «نفحات الانس من حضرات القدس» که به نثر فارسی توسط عبدالرحمان جامی در ۸۸۲ قمری نوشته شده است و حاوی شرح حال شاعران می‌باشد، هیچ سخنی از خیام شاعر به میان نیآورده است.

در کتاب مهم سخن و سخنوران که از آثار مهم استاد بدیع الزمان فروزآنفر است و موضوع کتاب دربارهٔ شعرای بزرگ ایران است هیچ سخنی از خیام شاعر به میان نیآمده است.اینجانب فکر می‌کنم ماجرای رباعیات خیام برای استاد فروزآنفر نیز دارای ابهام و شاید موضوعی حل نشده باقی مانده بود وگر نه امکان نداشت که از قلم چنان استادی رباعیات منسوب به خیام فراموش شود.

موضوع مهم دیگر آن است که در آثار شعرای بزرگ ایران مانندسنایی،ناصر خسرو،ربطی،عطار،سعدی،مولانا و حافظ هیچ اشاره‌و سخنی از خیام و یا رباعیات او در میان نیست و این نمی‌تواند تصادفی بوده باشد زیرا حکیم عمر خیامی(خیام) دانشمند برجسته بود اما شاعر و رباعی سرا نبود.

نکتهٔ حائز اهمیت دیگری که باید بدان اشاره کرد،توافق و تجانس است که می‌بایست میان آراه و اندیشه های یک متفکر و آثار باقی مانده او به دست باشد یا حداقل رنگ و بوی اندیشه های شخصیت مورد نظر در آثار و نوشته ها و حتی شاگردان او متجلی و متبلور شده باشد برای مثال عین القضات همدانی از شاگردان عمر خیام نیشابوری بود.آیا هیچ توافق و تفاهم و وجه اشتراکی میان اندیشه های غالب بر رباعیات مشهور و مورد بحث،با آثار عین القضات می‌توان یافت؟ نه تنها

مجاورت فکری میان آن دو نیست بلکه بعضاً ۱۸۰ درجه با هم در تضاد و تخالف هستند،ناز سوی دیگر می‌دانیم که از عین القضات همدانی اشعاری باقی مانده است که به هیچ وجه با روح رباعیات خیام قابل جمع نیستند.اگر گفته شود که بر ملا کردن رباعی های استاد بر شاگرد فرض نبوده است،باید جواب گفت که شخص عین القضات در آشکار گویی و بیان مطالب تا آنجا پیش رفت که جان خود را بر آن گذاشت و طبعاً این نظر مورد پذیرش چنین فردی نمی‌توانست باشد.

گذشته از همهٔ اینها باید افزود که ساختار فکری و اندیشه های عمر خیامی فیلسوف که در آثار برجای مانده اش موج می‌زند با مفاهیم رباعیاتی که به وی منسوب کرده اند تضاد و اختلاف اساسی و ماهیتی وجود دارد.

خیامی فیلسوف و ریاضی دان که مشرب فکری ابن سینا را دنبال کرده است،با روح اندیشه های رباعیات به هیچ وجه قابل جمع نیست و این خود به تنهایی نشان می‌دهد که اندیشمندی چون عمر نبوده است.باید گفت، نمی‌توانست عین رباعیاتی سرسراید که با وقار و ساحت فکری وی در تراجم و تخالف باشد.

در پایان جمله ای از دکتر محمد علی موحد در بارهٔ خیام می‌آوریم که حسن ختامی باشد بر این مقال:

«… خیام، شاعر رباعی گوی اصلاً برای کسی مطرح نبود و آن خیام مورد تکریم و بزر گداشت خاص و عام، خیام حکیم و عالم و منجم بود که به روایت بیهقی با شمس‌الملوک،خاقان بخارا بر یک تخت می‌نشست و مقرب ملکشاه سلجوقی بود و سرانجام نیز در حال سجده و مناجات پس از نماز عشا جان به جان آفرین تسلیم کرد»

بنابر مطالبی که ارائه شد،شاید بتوان چنین نتیجه گیری کرد، شخص «عمر خیامی نیشابوری» رباعی دان و فیلسوف و ستاره شناس که طراح تقویم جلالی بود،هیچ شأن شاعری نداشت و رباعیات معروف از او نیست.

شاعر رباعیات مشهور شخصی است به نام «علی بن محمد خیام خراسانی» که اگر عرفتک علی مبلغ اسمانی، فافغفرلی، فان معرفتی ایاک وسیلتی الیک» یعنی خدایا به درستی که من شناختمت و را به قدر و اندازه ای که ممکن بود مرا، پس بیامرز مرا که شناخت من وسیلهٔ آمرزش منست به سوی تو، و رحلت نمود.»

از آثار مهم و کهن دیگری که از خیام نام می‌برد «آثار البلاد

و اخبار العباد» زکریای قزوینی است. وی عمر خیام را فیلسوف و ریاضی دان می‌خواند و هیچ شأن شاعری و رباعی سرایی برای او قائل نیست:

خیام شناسی

۲- خیام در لغت عرب یعنی خیمه دوز که برابر فارسی آن چادر دوز می‌شود. این لقب نشان از آن دارد که پیشینیان خیام به کار چادر دوزی اشتغال داشتند. متذکر می‌شود که نام کامل و درست خیام مشهور « ابو الفتح عمر بن ابراهیم الخیامی النیشابوری» است و بطور خلاصه خیامی و نه خیام منتهی از آنجایی که او به خیام شهره است ما نیز بطور معمول خیام را بکار می‌بریم،نک،چهارمقالهٔ عروض،بخش تعلیقات،صص۴۸۹.

۳- کسی که رباعیات خیام را به فیتز جرالد انگلیسی معرفی کرد شخصی بود به نام پروفوسوی ای.بی.کاول،استاد زبان عربی و سانسکریت دانشگاه کمبریج. فیتز جرالد که خود شاعر بود تعداد ۱۱۰ رباعی به نام خیام منتشر کرد.این کار منجر به آن شد که در سال ۱۸۹۲ میلادی اجتمعی به نام عمر خیام در لندن تشکیل شود که همچنان ادامه فعالیت دارد؛ نک،رباعیات عمر خیام،حسین دانش،ترجمه و توضیح مسیحی،انجمن آثار و مفاخر فرهنگی،صص۹۶.

۴ – برای آگاهی دقیق از اینکه چه شد که خیامی ریاضی دان ناشی با خیام ابن خلف در هم آمیخت و اشعار این شاعر به نام آن فیلسوف و ریاضی دان مشهور منتسب شد رجوع کنید به مقالهٔ بسیار ارزشمند استاد محیط طباطبایی تحت عنوان «عمر خیامی حکیم تا علی خیام شاعر»؛ نشریهٔ گوهر، تیر ۱۳۵۲ شماره ۶.

۵- نک،مقدمهٔ رباعیات خیام،محمد علی فرغی و مقدمهٔ صادق هدایت بر کتاب ترانه های خیام.

۶- نک،مقدمه ای بر تاریخ علم،جورج سارتن،صص۱،۳۲۳.

۷ – مکاتب سنایی، نامه‌های ۸ و ۱۰، کوشش دکتر احمد بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار،صص ۲۱۳ – ۲۱۶.

۸ – نک، ا رباعیات عمر خیام،حسین دانش،ترجمه و توضیح مسیحی،انجمن آثار و مفاخر فرهنگی،صص۹۹.

۹ – نک، به مقالهٔ « از عمر خیامی حکیم تا علی خیام شاعر»،محیط طباطبایی،نشریهٔ گوهر، تیر ۱۳۵۲ شماره ۶.

۱۰ – چهارمقالهٔ عروضی سمرقندی،صص ۲۲۲.

۱۱ – چهارمقالهٔ عروضی سمرقندی، صص ۶۲ – ۶۳.

۱۲ – همان ص ص ۱۲۵ به بعد.

۱۳ – کتاب لباب الالیاب از روی چاپ پروفسور اولارد بیرون با مقدمه و توضیحات علامه محمد قزوینی و سعید نفیسی به چاپ رسیده است،انتشارات هرمس،تهران ۱۳۹۵.

۱۴ – نک،همان.

۱۵ – نک،تذکره الشعراءدولت‌شاه سمرقندی،تصحیح فاطمه

علاقه،بیزهوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،تهران ۱۳۸۵.

۱۶ – مرصاد المبدئینج امین‌الزین،به اهتمام محمد امین ریاحی،انتشارات علمی فرهنگی،صص ۲۱

۱۷ – زهه الارواح و روضه الافراح(تاریخ الحکماء)،صص ۳۹۴ – ۳۹۶.

جالب این است که در پایان منی اصلی تاریخ الحکماء شهروزی دربارهٔ عمر خیام،تراجم فارسی اثر که مقصود علی تریزری است،و در سال ۱۰۲۷ قمری آن را کتابت کرده است،دو رباعی از همان رباعی‌های مشهور این خلف آورد است که ربطی به نوشتهٔ اصلی یعنی تاریخ الحکماء که در قرن هفتم نوشته شده است، ندارد و این یعنی الحاق و انتساب آن شعرا به خیامی ریاضی دان بدون دقت لازم!

۱۸ – آثار البلاد و اخبار العباد،زکریای قزوینی، ترجمه میرزا جهانگیر

قاجار،صص ۵۴۹.

۱۹ – نک،نفحات الانس من حضرات القدس،عبدالرحمان جامی،تصحیح محمود عابدی،انتشارات اطلاعات،تهران ۱۳۷۰.

۲۰ – نک،سخن و سخنوران،بدیع الزمان فروزآنفر،انتشارات

خوارزمی،تهران ۱۳۷۰.

۲۱ – در این باره استاد مطهری چنین اظهار نظر کرده اند:

«… ما در عدل الهی قسمت‌هایی از شعرهای خیام را در همین زمینه نقل کرده‌ایم:

گر بر فلکم دست بدی چسبون یزدان

برداشتی منم از من این فلک را ز میان

از نسو فلکی چنان همی سمانخی

کازاده بسه کلام دل رسیدی آسان

…خود همین رساله‌ای دارد به نام «لکون و التکلیف» که

موضوع آن همین است که نظام عالم نظام احسن است، یعنی موضوع رساله فلسفی‌اش ضد همان حرفه‌ای است که در این شعرا از او نقل شده و نقل می‌شود…»،نک،عرفان حافظ(مجموعه آثار شهید مطهری)، ص ص ۴۱۰.

۲۲ – نک، خیام در مقالات شمس،محمد علی موحد،نک،سایت شهر کتاب : http://www.bookcity.org/detail/۲۱۷۸۳

۲۳ – لازم به ذکر است که شاید در آینده چند شعر و رباعی، همانطور که برای این سینا پیدا شده است،برای خیامی ریاضی دان هم کشف شود، اما سخن در این است که رباعیات معروفی که در قالب کتاب به نام خیام چاپ و منتشر می‌شود از آن او نیست .

ممکن و شدنی نیست کسی نام رودکی سمرقندی (۳۱۹-۲۳۷ خورشیدی) را بشنود و ذهن و اندیشه‌اش دور محور دو موضوع و جستار نچرخد و درگیر نشود؛ یکی لقب «پدر شعر پارسی» و دو دیگر «نابینایی» او.

رودکی از نخستین سخن‌سرایان بزرگ و نامی پارسی‌گو است. هرگاه کتاب وزین و غنی و پر بار ادبیات پارسی ورق می‌خورد، یقیناً نام و سخن او جلوه‌گری می‌کند. جایگاه رودکی - که بیش از یک‌هزار و یک‌صد سال پیش می‌زیست - در دفتر شعر پارسی، ویژه است.

نوشتار پیش روی فقط به موضوع نابینایی رودکی پرداخته است؛ نویسنده آرزومند است خوب از پس آن برآمده باشد و نوشته‌اش سودمند باشد و مفید فایده مخاطبان فرمند و فرهیخته قرار گیرد.

خوب به یاد دارم آن سال که در دانشگاه پیام نور الیگودرز در رشته زبان و ادبیات فارسی پذیرفته شدم و زمان کوتاهی «دانشجو» بودم؛ در نخستین جلسه درس ادبیات فارسی، استاد - که خوش ندامت نامش را بیرم - تمامی وقت کلاس را به رودکی اختصاص داد برای آشنایی با «پدر شعر فارسی»... هنگامی که به مبحث «کوری» رودکی رسید، سه نقل قول و پندارینه را از بزرگان ادب پارسی و پژوهندگان تاریخ شعر ایران، بازگو کرد. این که: یک عده بر این باورند که رودکی در کودکی «سالک» گرفته بود و بر اثر آن بینایی خود را از کف داد. دو دیگر بر این عقیده‌اند که از سوی حکومت وقت بر چشمان رودکی میل کشیده شد. سرانجام شماری دیگر بر این پای می‌فشارند که اصلاً رودکی کور مادرزاد بوده است.^(۱)

از جای برخاستم و خواستم که استاد بگوید کدامین گزینه به حقیقت نزدیک است و اصلاً کدامیک خود واقعی و راستین است؟

که استاد پاسخی درخور و صریح نداد. مایوس و دل‌سرد شدم؛ که چرا فقط باید نظریه‌ها و انگاره‌های این و آن را که شاید ده‌ها و بل صدها سال از آن‌ها سپری شده و عُبار دوران بر آن‌ها نشسته، قرقره کنیم و به‌خورد خود و دیگران بدهیم؟! و تکرار و بازگویی و بازخوانی این گفته‌ها و پندارینه‌ها چه سودی دارد و کدام مشکلی را رفع و رجوع می‌کند و کدامین پرسش دانشجوی جوان کنجکاو این روزگار را پاسخ می‌دهد؟

از استاد اجازه خواستم فرصتی دهد تا چند کلمه بگویم. او جوانمردی کرد و به من میدان داد پس چنین عرض کردم:

هر سه دیدگاه و پندارینه را شنیدیم، اما به نظر من کم‌ترین، رودکی کور مادرزاد نبوده. چرا که در سروده‌های او از رنگ کم سخن به‌میان نیامده است؛ به‌ویژه گل‌های رنگارنگ. مانند این بیت:

«زلفت دیدم سر از چمان پیچیده

و ندر گل سرخ ارغوان پیچیده»

یک کور مادرزاد هیچ تصور و ذهنیتی نمی‌تواند از رنگ داشته باشد. نوع رنگ برای انسانی که نابینا به دنیا آمده، اصلاً مفهوم و معنایی ندارد. چه گونه می‌توان به او فهماند که زرد این است؛ قهوه‌ای آن است و صورتی آن دیگری. حجم و وزن رنگ را می‌تواند لمس کند و بوی آن را حس؛ اما قادر نخواهد بود درک کند که ذات رنگ‌ها چیست. او توانایی این را دارد که انواع گل‌ها را با حس شامه خود بو کند و با سرانگشت دست‌هایش هر یک را لمس؛ ولی درک و دریافتی از نوع رنگ گل‌ها نخواهد داشت.^(۲) از سویی، رودکی از «دین» سخن می‌راند؛ دین با چشم سر و نه چشم دل: «زلفت دیدم».

نیز در این مورد می‌توان به شعر او پرداخت؛ آن‌جا که می‌گوید: «نظر چه گونه بدوزم؟ که بهر دیدن دوست ز خاک من همه نرگس دمد به جای گیاه!»

نمونه‌های دیگر: «هن و آن جعدموی غالیه‌بوی من و آن ماهروی حورزُناد»

یا در جایی دیگر از بینایی خود آشکارا سخن به‌میان آورده است: «در راه نیشابور دهی دیدم بس خوب»

همچنین: «سیدبدر فرآمد به کوهسار سیاه»

آیا چند مورد بالا می‌تواند از شاعری تیره‌چشم و نابینا باشد؟

دیگر این که: بر چشم‌های رودکی میل سیاست نکشیدند؛ آن‌هم از سوی حکومت وقت. چرا که رودکی اهل مبارزه و مجاهده نبود؛ او آسایش و راحتی و ابستگی و دل‌بستگی به دربار پادشاهان را بر هر چیزی مقدم می‌دانست.^(۳) او شاعری بود توانگر و خوشگذران:

«می لعل پیش‌آر و پیش من آبی

به یک دست جام و به یک دست چنگ»^(۴)

گوینده این شعر دم را بس غنیمت می‌شمرد و زمان را از دست نمی‌داد و از آن بهره‌های بسیار می‌برد؛ به زبان امروزین رند و فرصت‌طلب بود!

و سرانجام به نظریه سوم می‌رسیم: گرفتار آمدن رودکی در کودکی به بیماری سالک و سرایت این بیماری بر دیدگان او. این پندارینه نیز به‌طور از واقعیت و راستینگی است.

نمی‌دانم بگویم در آن لحظه، سکوت کلاس را بلعیده بود یا کلاس سکوت را! اما برق نگاه استاد را خوب دریافت کردم و متوجه شدم. دوزاری من آن‌چنان که باید کج نبود! باری! او سخن این دانشجوی تازه از گرد راه‌رسیده را چندان خوش نداشت!...

نفسم به شماره افتاده بود. از نگاه استاد پی بردم که می‌گوید: «پس چه؟» بدم نیامد بگویم که رودکی را نمک دربار پادشاهان سامانی کور کرد؛ اما تنها گفتم: او در پیروی و کهنسالی کور شد. و نشستم.

چندی بعد - که حالا دیگر دانشجو نبودم و از دانشگاه جدا افتاده بودم - استاد را دیدم؛ رو به دوربین نشسته بود و از شبکه سراسری داشت برای بینندگان عزیز تلویزیون، چیزهایی از تاریخ ادبیات می‌گفت...

مایه شوربختی است که پژوهندگان و رودکی‌شناسان درباره کوری رودکی، هنوز که هنوز است خود را از بند حدس و گمان رها نکرده‌اند؛ بل گویا خوشدل هستند به این که گمانه‌زنی‌ها را زیر و بالا کنند و در پندارینه‌بافی‌ها

چامه‌سرای رود و سرود نابینا نبود!



● گودرز گودرز (مجید)

دست و با بزندان!

باری! رودکی را نمی‌توان «کور» و «کمه»^(۵) - به گفته سده‌های دور -؛ «تیره چشم» و «روشن‌بین»^(۶) - به گفته سده‌های نزدیک - و «نابینا» و «روشندل» - به گفته زمان خودمان - شمرد. چنان که پیش‌تر گفته آمد؛ رودکی نه نابینایی مادرزاد بود و نه در جوانی سر پُربادی داشت که کله‌اش بوی قرمه‌سبزی بدهد تا از سوی دل‌وایسان^(۷) وقت، سرش را زیر آب کنند و بر چشم‌هایش میل بکشند و جهان را برای او تیره و تار کنند.^(۸) او در سال‌های واپسین زندگی‌اش، دچار ضعف و سستی بینایی و چندی بعد، نابینا شد. چنان که بسیاری به‌جهت کهولت سن و نیز به دلیل‌هایی چند - از جمله بیماری دیابت و قند - گرفتار سستی بینایی می‌شوند و رفته‌رفته نور چشمان خود را از کف می‌دهند. سخن پایانی این کوتاه‌نوشته این که؛ از کجا معلوم که رودکی رودنواز آوازخوان^(۹) - آن خنیاگر دربار باشکوه ادب و فرهنگ‌دان سامانی - که یک عمر خوش بود و ثروتمند و خرم زیست و در میان صدها کنیز و غلام^(۱۰) می‌چرخید و هر روز به شمار سکه‌های زر و سیمش افزوده می‌شد؛^(۱۱) در پایان زندگی، گرفتار بیماری قند خون نبوده و زور این بیماری به فروغ دیدگانش نچربیده باشد!...

این نکته را هم یادآور شوم که؛ چون رودکی یک عمر در ناز و بی‌نیازی زیست و با می و ساز دمساز بود و دمی بی‌یار نبود^(۱۲)، به هنگام پیروی و نابینایی، سینه چاک می‌کرد و بی‌تابی از خود نشان می‌داد؛ شکوها می‌کرد و ناله‌ها سر می‌داد؛ و از این که «ماه‌رویان» به او اعتنایی نمی‌کردند، سخت دلگیر و آزرده‌خاطر بود. بخوانید!

«تو رودکی را ای ماهرو! کنون بینی

بدان زمانه ندیدی که این چنینان بود

بدان زمانه ندیدی که در جهان رفتی

سرودگویان، گویی هزارستان بود

نیز:

«نه چنانم که پیش از این بودم

یاریک داشتیم به‌بهر هر دم»^(۱۳)

تو گویی رودکی خود را جدا از همه می‌دید و نامیرایی جسم و تن خود را باور داشت؛ به گونه‌ای که پیروی و مردن کجا می‌تواند نزدیکش شوند! وی - با وجود ۸۲ سال زندگی - باور نمی‌کرد که فرجامش مانند هر موجود ذی‌جان دیگری، پیروی، بیماری و آخرسر مرگ خواهد بود.

*زیرنویس‌ها:

۱. از میان آن جمع می‌توان به «محمد عوفی» صاحب کتاب «لباب‌الالباب» اشاره کرد. او که در سده ششم و هفتم هجری می‌زیسته، این چنین نوشته است: «از مادر نابینا آمده». همچنین بر همین سیاق، «بوحنان توحیدی» در کتاب «الهمامل و الشوامل» گفته است: «رودکی را که آمده بود از مادر کور بزاد».

۲. قدر مسلم این است که نابینایان مادرزادی هیچ چیز نمی‌بینند، اما کسانی که پس از مدتی نابینا می‌شوند ممکن است با لمس کردن اشیاء گوناگون، رنگ‌های آن‌ها را به درستی شناسایی کرده تشخیص بدهند و حتا به‌گونه‌ای چیزهایی مثل رنگ را ببینند چنان‌که در سائیتی آمده بود: «یک بانوی نابینای کرمانی می‌تواند با سرانگشتان دست‌اش، طرح‌ها و رنگ‌ها را ببیند و آن‌ها را به‌خوبی تشخیص دهد» (خبرگزاری فارس - ۱۳۹۶/۶/۶) ولی باید دانست که او نابینایی مادرزاد نبوده، بل در ۲۷ سالگی بینایی خود را از دست داده است.

۳. رودکی فقط یک شاعر درباری نبوده؛ بل ندیم پادشاهان نیز بوده است؛ چنان‌که آمده است: «این نکته هویداست که نام رودکی و نام نصر بن احمد (سامانی)؛ همیشه قرین یکدیگر است».

۴. برای نمونه بخوانید: «شاد زی با سیاه چشمان، شاد؛ که جهان نیست جز فسانه و یاد / از آمده شادمان بیاید بود / وز گذشته نکرده باید یاد / باد و ابر است این جهان فسوس / باده پیش‌آز؛ هر چه بادا بادا»

۵. «کمه بودند». بصر نداشت اما بصیرت داشت... چشم ظاهر بسته داشت، اما چشم باطن گشاده. «محمد عوفی؛ «لباب‌الالباب»

۶. «شعار پند و زهد بسی گفته است / این تیره چشم شاعر روشن‌بین» (ناصرخسرو)

۷. پافشاری برخی شاعران و نویسندگان و تاریخ‌نگاران بر این نکته که بر چشم‌های رودکی میل حکومتی کشیده‌اند بسی سست و بی‌بنیاد و بی‌مورد است. حتی صاحب کتاب «تاریخ یمنی» گرفتار این بی‌پایگی شده است: «در پایان عمر چشمش میل کشیده شد»!! شاید دلیل این «پای‌فشردن»‌ها، درمان ناراحتی بینایی رودکی باشد؛ و گرنه به عنوان کیفر و مجازات سیاسی، هرگز!

۸. «رودکی چنگ برگرفت و نواخت / باده انداز کور سرود انداخت».

۹. «یوسف‌روی کزو فغان کرد دلم / چون دست زان مصیران کرد دلم».

۱۰. رودکی به هنگام ورود به سمرقند «چهارصد شتر زیر بار» داشت. «عبدالرحمان جامی» هم در این مورد سروده است: «رودکی آن که دُر همی سفتی / مدح سامانیان همی گفتی / صلّه شعرهای هم‌چو دُرش / بود در بار چارصد شترش».

«عوفی» هم حقیقت‌پردازی کرده است: «ثروت و نعمت او به حد کمال رسید... و بعد از وی هیچ شاعر را این مکتب نبوده است» البته خود رودکی هم پرده‌پوشی نکرده و بی‌رق توانگری خود را برافراشته است: «از خر و پالیک آن‌جای رسیدم که همی / موزة چینی می‌خواهم و اسب تازی»

۱۱. «بسا که مست درین خانه بودم و شادان / چنان که جاه من افزون بُد از امیر و ملوک». دکتر عبدالحسین زرین‌کوب در «کاروان حله» نوشته است: «جوانی رودکی در دربار بخارا در صحبت زیبارویان و سپاهچشمان آن دیار همراه با نشید و مستی گذشت. عشق، موسیقی، زور و دختر روز روزگار او را از شادمانی لبریز کرده بود».

۱۲. از این دست ناله‌ها در آن‌چه که از سروده‌های رودکی به‌دست آمده است بسیار است. البته چه بسیار سخن‌دانان دیگری هم از این گونه ناله‌ها و شکوها سر داده‌اند. چنان‌که غم از دست‌دادن جوانی و بُرنایی، دل‌سعدی شیرازی را هم به‌در آورده و سینه او را چنین گداخته است: «مرا همچنین چهره گلفام بود / بلورینم از خوبی اندام بود / درین غایت رشت باید کفن / که مویم چو پنبه‌ست و دوکم بدن مرا همچنین جعد شبرنگ بود / قبا در بر از نازکی تنگ بود / دو رسته دُر در دهن داشت جای / چو دیواری از خشت سیمین به‌پای / کنونم نکه کن به‌وقت سخن / بی‌زاده یک‌یک چو سوز کهن / در اینان به حسرت چرا ننگرم؟ / که عمر تلف کرده یاد آورم / برفت از من آن روزهای عزیز / به پایان رسد ناگه این روز نیز» (بوستان؛ باب نخست)

و نیز ببینید لابه و گله بانو «جهان‌ملک‌خاتون (۷۶۱ - ۷۰۴ خورشیدی)» شاعر و سخن‌سرای هم‌روزگار حافظ را و البته یکی از دل‌دادگان و معشوقه‌های خوش‌چهره جناب لسان‌الغیب در این مورد: «رخي داشتم چون گل اندر چمن / قدی داشتم راست چون سروناز / دو ابرو که بودی چو محراب دل / که جان‌ها بستند در وی نماز / دو چشمم به نوعی که نرگس به باغ / یقینش به دیدار بودی نیاز / دو گیسو که بودی بسان کمند / به دستان دو راهم بُدی جمله‌ساز / صبا گر گذشتی به راهم دمی / به گوشم سخن نرم گفتی به راز / دو لب همچو شکر، دو رخ همچو گل / به درد دل عاشقان چاره‌ساز».

*باری‌نامه: رودکی سمرقندی، ابو عبدالله جعفر بن محمد؛ «دیوان رودکی»؛ به تصحیح جهانگیر منصور؛ انتشارات ناهید؛ چاپ اول ۱۳۳۳.



رمان «سایه ی باد» در باره یک شهر با یک گورستان کتاب فراموش شده است. پسر بچه ۱۰ ساله ای به نام دانیل به همراه پدرش در آپارتمان بالای یک کتابفروشی در بارسلون زندگی می کند. مادرش را در چهار سالگی به دلیل ابتلا به بیماری وبا از دست می دهد و کتابفروشی هم مال پدر بزرگش بوده که به پدرش رسیده و پس از آن هم دانیل صاحب این میراث خواهد شد.

یک روز صبح زود، پدر دانیل او را با خود به ساختمانی در محله قدیمی شهر بارسلون می برد؛ جایی عجیب با دالان های تو در تو و انباشته از هزاران هزار کتاب در در گوشه و کنار آن. پدرش می گوید اینجا گورستان کتاب های فراموش شده است....

کارلوس روئیت تافون در سال ۱۹۶۵ در بارسلون متولد شد. نخستین رمانش را در چهارده سالگی نوشت و از نوزده سالگی به یک نویسنده حرفه ای تبدیل شد. سال ۱۹۹۳ با رمان «شاهزاده مه» برنده جایزه ادبی شد و این رمان جلد اول از سه گانه «مه» بود که تافون را به نویسنده ای جهانی تبدیل کرد. او که برای درمان بیماری سرطان به آمریکا رفته بود در سال ۲۰۱۱ مهم ترین رمان خود با نام «سایه ی باد» را منتشر کرد. رمانی که تلفیقی از آثار «گوئیشت نتردام» و «ویکتور هوگو» «صد سال تنهایی» گابریل گارسیا مارکز و داستان های «خورخه لوئیس بورخس» به همراه جوهره ی ذهن خلاق خودش است.

آثار او به بیش از پنجاه زبان ترجمه شده اند و جوایز متعددی را برایش به ارمغان آورده اند و علاوه بر جلب نظر منتقدان ادبیات، یکی از پرخواننده ترین نویسندگان اسپانیولی زبان است که تقریباً همه آثارش با تیراژی بالغ بر بیست میلیون نسخه در جهان به فروش رفته اند.

کارلوس روئیت تافون در خرداد امسال در ۵۵ سالگی در مبارزه با سرطان، شکست را پذیرفت و چشم از جهان فرو بست.

در جستاری از رمان «سایه ی باد» می خوانیم:

در آن صبح ماه ژوئن، با برتابیدن نخستین شعاع نور، جیغ کشان، از خواب پریدم. قلمم چنان در سینه می کوید که انگار روحم می خواست از تنم بگریزد. پدرم سراسیمه وارد اتاقم شد و در آغوشم کشید و سعی کرد آرام کند. از نفس افتاده، نجواکنان گفتم: «صورتش یادم نمی آید. صورت مامان یادم نمی آید». پدرم تنگ در آغوشم کشید: «نگران نباش دانیل. من به جای هر دومون به یاد می آرشم».

در تاریک روشن هوا به یکدیگر نگاه کردیم، در جستجوی کلماتی که وجود نداشتند. برای نخستین بار متوجه شدم که پدرم دارد پیر می شود. ایستاد و پرده ها را پس زد تا نور پریده رنگ سپیده دم به داخل بریزد. گفت: «بیا دانیل، لباس بپوش. می خوام به چیزی نشونت بدم». گفتم: «حالا؟ ساعت پنج صبح؟»

پدرم با بارقه لبخندی رموز به احتمالاً از یکی از صفحات رمان های کهنه الکساندر دومایش به عاریت گرفته بود، گفت: «بعضی چیزها فقط تو و من و میش هوا می شه دید»....

اوایل تابستان ۱۹۴۵ بود، وقتی سپیده چون تاجی از مس گداخته بر سر «ارمیلادو سانتا مونیکا» می نشست، در خیابان های مدفون زیر آسمان خاکستری بارسلونا راه می رفتیم.

پدرم هشدار داد: «دانیل، در مورد چیزی که امروز می بینی، نباید به احدی حرف بزنی، حتی به دوستت، توماس. هیچکس». گفتم: «حتی به مامان؟»

پدرم آه کشید، و غمش را در پس لبخندی مغموم که سرتاسر عمر چون نقش سایه بر لبانش بود پنهان کرد. غمگین و غصه دار، جواب داد: «البته که می تونی به اون بگی. ما چیزی رو از اون مخفی نمی کنیم. همه چی رو می تونی به اون بگی»

کمی پسر از جنگ داخلی، شیوع ناگهانی وبا مادرم را با خود برده بود. در چهارمین سالروز تولدم او را در گورستان «مونخویک» دفن کردیم. تنها چیزی که از آن واقعه در یادمان مانده، این است که سرتاسر آن روز و شب باران بارید، و این که وقتی از پدرم پرسیدم آیا آسمان گریه می کند، نتوانست بر خودش مسلط شود و جوابم را بدهد. شش سال بعد جای خالی مادرم هنوز در اطرافمان احساس می شد، فریاد سکوتی که هنوز یاد نگرفته بودم چطور با کلمات خاموشش کنم.

من و پدرم در آپارتمانی محقر در «کاله سانتا آنا» زندگی می کردیم، در فاصله یک سنگ انداز از میدان کلیسا. آپارتمان مان درست بالای کتابفروشی بود، میراث پدر بزرگم که متخصص نسخه های نایاب کلکسیونرها و کتاب های دست دوم بود - کسب و کاری سحر شده که پدرم امیدوار بود روزی به من تعلق گیرد. من در میان کتاب ها بزرگ می شدم و در لابه لای صفحاتی که پنداری از دل غبار برآمده بودند، دوستانی نامرئی می یافتم، صفحاتی که بوی شان تا به امروز نیز بر دستام مانده - در کودکی آموختم که چگونه در تاریکی اتاق خوابم حین حرف زدن با مادرم به خواب

گورستان کتاب های فراموش شده



نگاهی به رمان: سایه ی باد/ نوشته: کارلوس روئیت تافون

ترجمه: علی صنعوی/ انتشارات نیماژ



محمد رضا حیدرزاده

بروم و از حوادث روز، ماجراهایم در مدرسه و چیزهایی که به من آموخته بودند، برایش بگویم.

یک بار در کتابفروشی پدرم از زبان یکی از مشتری های دائمی شنیدم که می گفت بسیار به ندرت اتفاق می افتد با کتابی مواجه شوم که تأثیر و نفوذ آن با خواندن اثری برابری کند که برای نخستین بار روح و جان مان را به چالش کشیده است. آن نخستین تصاویر، پژواک و کلماتی که فکر می کنیم برای همیشه پشت سر گذاشته ایم در تمامی طول زندگی همواره همراه مان خواهند ماند و در ذهن مان کاهی بنا می کنند که دیر یا زود - اهمیتی ندارد چند کتاب خوانده ایم، چند جهان ناشناخته را کشف کرده ایم، تا چه حد آموخته ایم و چقدر فراموش کرده باشیم - بار دیگر به سوی شان باز خواهیم گشت.

حالا هر بار گفته های آن مرد را به خاطر می آورم می دانم که تأثیر صفحات آن کتاب بر من چنان بوده که هیچگاه در میان هیچ یک از قفسه های گورستان کتاب های فراموش شده آن را باز نیافته ام.... وقتی به سرایشی «پاسوی دلا بونانووا» رسیدیم تقریباً میانه روز بود و ما در افکار خودمان غرق بودیم. شک نداشتم که بخشی بزرگ از ذهن «فرمین» متوجه حضور شیطانی سبازرس فومرو در داستان پدر فرناندو بود.

به او نگاه کردم و اضطراب و تشویش را در چهره اش خواندم. سایه ای سنگین از ابرهای سیاه که رگه هایی سرخ همچون خون در آن ها جاری بودند و رخنه هایی از نور به رنگ برگ های پاییزی که دل ابرها را شکافته بودند، پهنه افق را در می نوردیدند.

گفتم: «اگر عجله نکنیم به باران سنگین می خوریم و گیر می افتیم».

گفت: «نه هنوز. اون ابرها مثل رسیدن تاریکی شب آرام حرکت می کنن. مثل کبودی بعد از کتک خوردن طول می کشه تا اثرشون دیده بشه».

گفتم: «فرمین، فقط این را نگو که متخصص شناخت ابرها هم هستی».

گفت: «زندگی کردن در خیابان ها عوارض جانبی غیر منتظره ای هم داره. بخشی از این عوارض، آموزشی هست. گوش کن ببین چی می گم دانیل؛ فقط شنیدن کارهایی که این فومری لعنتی انجام داده کاملاً معده من

را به هم زده و الان احساس گرسنگی می کنم. نظرت چیه که سری به کافه بزنیم و نفری به ساندویچ املت کامل پخته همراه با مخلفات بخوریم؟» به سمت میدان به راه افتادیم.

آن جا گروهی از مردمان پیر محلی، اطراف محل اجتماع همیشگی کبوتران نشسته بودند و انتظار می کشیدند. در آن سن و سال، تمام آثار و نشانه های حیات انسانی آن افراد، به اجرای مراسم دانه پاشی برای پرندگان و انتظار برای تماشای خورده شدن دانه ها، تنزل پیدا کرده بود.

در گوشه میدان، روی صندلی های نزدیک به در ورودی نشستیم و کمی بعد فرمین مثل گرگی گرسنه، ابتدا ساندویچ خودش و بعد ساندویچ من را خورد. بعد هم دو شکلات همراه با سه فنجان قهوه سنگین ترکیب شده با رام و شکر خورد و در نهایت، به عنوان دسر، یک آب نبات سوگوس جوید. مردی که پشت میز مجاور ما نشسته بود، از بالای روزنامه با حیرت به غذا خوردن فرمین خیره شده بود و من، می توانستم حدس بزنم که آن چه در ذهن آن مرد می گذرد بی گمان، با سؤالی که من از فرمین کردم تطابق کامل دارد: «من نمی فهمم تو چطور این همه غذا را داخل معدهات جا می دی؟»

فرمین گفت: «همه ی خانواده ی ما همین طور بودن. ما خانوادگی سوخت و ساز بدنمون بالاست. خواهرم، خسوسا، خدا رو حش را قرین آرامش کنه، می تونست شش تا تخم مرغ املت شده با سوسیس را به عنوان عصرانه بخوره و شب هم مثل یک تاتار گرسنه غذا را ببلعه. دخترک بیچاره، می دونی؟ او دقیقاً مثل خود من بود. شکل صورتش، قد و قواره هیکلش، و از همه بیشتر شکمش. یک بار، پزشکی از اهالی کاسرس به مادرم گفته بود که خانوادگی «رومرو، د. تورس» حلقه ی گمشده بین انسان و کوسه ماهی هستن چون به نظر می رسه نود درصد از حجم بدن شون از غضروف تشکیل شده است.

آخه همه ما را با هم اشتباه می گرفتن. خسوسا در بیست و دو سالگی بر اثر مرض سسل از دنیا رفت. او در اعماق قلبش عاشق کشیش مقدس نمای روسستای مون بود اما مشکل این جا بود که هر بار کشیش کودن، خسوسا را می دید بهش می گفت: «سلام فرمین! دیگه به سلامتی داری برای خودت مرد بزرگ و قوی هیکلی می شی». زندگی چه طنزهایی که در خودش نداره دانیل!!!

حوالی ظهر سوار اتوبوسی شدم که ما را به شهر باز می گرداند. روی تابلوهای هشدار داخل اتوبوس نوشته شده بود «نداختن آب دهان و استفاده از الفاظ رکیک در این مکان اکیدا ممنوع است» این جا بود که فرمین تصمیم گرفت قدردانی خود را با انداختن آب دهان اعلام کند.

این حرکت او با نگاه پر از جاز سه زن همراه شد که ظاهرشان نشان می داد تا چه حد در قید و بند اخلاق مسیحی هستند. آن ها مثل دسته ای کماندو در انتهای اتوبوس نشسته بودند و هر کدام جداگانه به یک جلد کتاب مقدس مجهز شده بودند. زنی که در انتهای سمت راست نشسته بود و چهره اش بیش از آن که یادآور زنی مذهبی و معتقد باشد بیننده را بی هیچ کم و کاست به یاد تصویر موسولینی می انداخت، غرولندکنان گفت: «ای وحشی!».

فرمین بلافاصله گفت: «بفرما این هم از سه راهبه قدیسه که اسپانیای عزیزم را مفت و مجانی تصاحب کردن: قدیسه مقدس تر از خدا، قدیسه لعنت خدا و قدیسه پناه بر خدا. بین خودمون باشه ما این مملکت را به مزحک تبدیل کردیم».

راننده گفت: «کاملاً موافقم. اگر جمهوری می موند وضع ما بهتر بود. حالا بهتره جلوی بقیه از این حرف ها بزنیم. ممکنه گندش در بیاد».... اتوبوس داشت می رفت و فرمین به خواب رفته بود که یکباره از جا پرید و گفت: داشتم خواب پدر فرناندو را می دیدم با این تفاوت که پیراهن خط حمله ی میانی رئال مادرید را پوشیده بود و جام قهرمانی فوتبال را که مثل جام مقدس می درخشید بغل گرفته بود....



اطلاعات

بابل

دفتر نمایندگی روزنامه اطلاعات در بابل

آماده پذیرش آگهی برای ویژه نامه اطلاعات بابل، صفحات داخلی و نیازمندیهای روزنامه اطلاعات و گزارش خبری است.

متقاضیان گرامی می توانند به نشانی بابل - خیابان نیما (شهر یار پوری سابق) طبقه فوقانی نمایندگی

روزنامه اطلاعات مراجعه و یا با

شماره تلفن دفتر ۰۱۱-۳۲۱۹۸۰۰۸ تماس حاصل فرمایند.

چهارشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۹۹ - شماره ۲۷۶۳۴

مرکز معلولین مرحوم نوشیروانی؛ نگینی در خشان بر تارک خدمات رسانی خیر خواهانه در بابل و مازندران

بابل - خبرنگاران اطلاعات:

می رود غافله عمر چه می ماند
شیشه عمر چه زیباست، ولی حساس است
هر کی نیکی کند و دست کسی را گیرد
دست او یکسره در دست خدای ماند

بابل از قدیم الایام به شهری فرهنگی به معنای عام کلمه و به نوعی «به زادگاه فرهیختگان، اندیشمندان و عالمان دین» اشتهار دارد لکن آنچه که سالهاست این شهر کهن را زیانزد عام و خاص کرده چه در ابعاد اقتصادی و اجتماعی و تجارت و چه اعتقادات مذهبی مردم این شهرستان، مقوله نعدوستی است که همواره در این خطه پرگهر کانون توجه همگان بوده و خواهد بود. در این زمینه، حضور سبزو و گرانستگ مردمان بزرگ و نیک منش در عرصه امور عام المنفعه و خیرات و کمک به هموع و جلب رضایت خداوند همراه با افعال و کردار نیک و از خود گذشتگی انسان های نجیب و با ممانعت طبع برای دستگیری افراد ناتوانی است که همواره، شهروندان به وجود آنان مباحثات می کنند و به عظمت نگاه خیر خواهانه و به روح پرتوح این عزیزان درود می فرستند. با این مقدمه می توان بیان کرد در شهرستان بابل به دلیل وجود همت

عالی و نگاه انساندوستانه مردمان پاک سرشت و نیک منش بیش از ۱۲۰ مرکز خیریه وجود دارد و نکته مهم آنکه، قاطبه این مراکز با جان و دل و بدون چشمداشتی به ارائه خدمات نعدوستانه به شماری از افراد نیازمند و آسیب پذیر شهرستان می پردازند که در این میان مرکز نگهداری معلولین مرحوم نوشیروانی بابل کار کردی وسیع و در خور تحسین چون نگینی پرتالو بر تارک خدمات خیر خواهانه شهرستان و حتی استان مازندران می درخشد. این مرکز توانبخشی که تنها مرکز نگهداری معلولین مازندران و حتی شهرهای شمالی کشور تلقی می شود از ۱۲۰ نفر خانم و آقا به ظاهر دارای معلولیت سخت، اما در واقع فرشته های زمینی نگهداری می کند و در این میان مجموعه ای از نیروهای کارآمد و خستگی ناپذیر تحت عنوان پرسنل، اعضای هیأت امنا و هیأت مدیره و مدیر عامل دلسوز و سخت کوش، جانانه و با همه توش و توان به رتق و فتق امور و خدمات صادقانه معلولان مشغولند. در این ارتباط فرصتی دست داد تا خبرنگاران روزنامه اطلاعات به منظور آگاهی و آشنایی بهتر و بیشتر مردم از خدمات جالب توجه و منظم و فعالیت های ارزشمند و مستمر مجموعه افراد این مرکز انسانی، با رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل آن به گفتگو بنشینند که حاصل آن از نظر خوانندگان محترم می گذرد.



آسایش فرشتگان زمینی مرکز فراهم سازیم. این مرکز منزلگاه و خاستگاه افرادی در جای جای این استان است. ما در عمل می بینیم از طیف های گوناگون از جمله پزشک، بازاری، کارگر، فرهنگی و غیره به این مرکز به فراخور نگاهشان کمک های خوبی می کنند و می گویند ما دلمان را به این مرکز وصل کردیم و حاجتی گرفتیم و به این مرکز نمی توانیم بدون وضو وارد شویم، بنابراین وظیفه و اخلاقی، اجتماعی و انسانی حکم می کند بتوانیم از همه ظرفیت ها و پتانسیل های شهرستان و استان برای پویایی بیشتر این فضا که زنده یاد خیر بزرگ نوشیروانی ساخت و به امانت به آیندگان سپرد، این پرچم انساندوستی را همچنان برافراشته نگه داریم. وی ادامه داد: باید به هر صورت ممکن وظیفه ای که آن بزرگمرد به ما سپرد به خوبی حفظ و صیانت کنیم. مسئول مرکز معلولین نوشیروانی در ادامه اظهار داشت: همه مردم شریف می توانند با دریافت صندوق های ایستاده برای فروشگاه ها و کلک های کوچک خانگی سهم مهمی در تحقق نیازهای عادی معلولین داشته باشند. در این زمینه، مردم می توانند با توجه به استفتانات مراجع تقلید زکات فطریه و کفاره خود را به این مرکز اعطاء کنند و همچنین با کمک های نقدی و غیر نقدی شامل برنج، گوشت، گوسفند (قربانی)، گوشت مرغ و ماهی و غیره حامی مرکز قلمداد شوند.

درآمدها و هزینه های مرکز

وی آنگاه با بیان مجموعه درآمدهای مرکز اضافه کرد: بخشی از درآمدهای مرکز از شهریه توانخواهان تامین می شود که هزینه های این فرشتگان زمینی باتوجه به تعرفه های دولتی پرداخت می شود.

فلاح نوشیروانی «در سال ۱۳۴۷ در بابل تأسیس شد، ۵۲۰ معلول را زیر پوشش دارد که ۱۲۰ نفر به صورت شبانه روزی نگهداری و بقیه معلولین نزد خانواده هایشان و بنا بر توان مرکز از حمایت های خوبی برخوردار می شوند.

مشکلات اقتصادی

وی گفت: به لحاظ مشکلات کنونی اقتصادی و افزایش هزینه ها و تنگناهای معیشتی زندگی مردم، طبیعتاً این مرکز نیز دچار ناملاطیاتی شده و در مشکلات اقتصادی جذب مشارکت های مردمی تأثیر منفی گذاشته است. مدیر عامل مرکز سپس با اشاره به اهم هزینه های جاری مرکز خاطر نشان کرد: یکی از مهمترین هزینه های مرکز بهسازی و تعمیرات ساختمانی است و با عنایت به نگهداری شبانه روزی معلولین، ۱۰۰ پرسنل در حال فعالیتند و ۸۷ نفر از میان آنان در چهار شیفت به عنوان مدیران و خدمات و ۱۳ نفر در واحد اداری به ارائه خدمات مشغولند.

سفیران نوشیروانی

بزرگی سپس خطاب به مردم نعدوست اظهار داشت: انتظار ما از همه شهروندان گرامی و هم استانی های عزیز و مدیران اجرایی و همه نعدوستان و خیر خواهان این است تا «سفیران نوشیروانی» این مرکز باشند و هر کس می تواند با نگاهی کارساز، یکی با قلمش، یکی با ثروتش، یکی با قلبش و یکی هم با حضورش مرکز را در این امر خطیر همراهی کند. وی ادامه داد: دست نیاز، به سوی همه عزیزان دراز می کنیم تا بستری برای آرامش، رفاه و



مؤسسه خیریه زنده یاد نوشیروانی بابل، یک نهاد غیر سیاسی و غیر انتفاعی بر پایه کمک های مردمی با مجوز رسمی از سازمان بهزیستی از سال ۱۳۶۰ با عنوان نگهداری از معلولین آغاز به کار کرد. مرتضی بزرگی مدیر عامل مرکز نگهداری معلولین زنده یاد نوشیروانی و چهره نام آشنای محافل مدیریتی خیران از جمله مجمع خیرین مدرسه ساز و رئیس هیأت مدیره مجمع خیرین روحان بیمارستان روحانی با بیان این مطلب اضافه کرد: این مرکز که با لطف و عنایت خداوند و بزرگ خیر کشور زنده یاد «سید حسین

در این رابطه ۱۵ تن به صورت رایگان و بقیه افراد از ۱۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان که در ماه متغیر بوده پرداخت می کنند. بزرگی تصریح کرد: همه صنوف باید مانند اتاق اصناف که مهمترین رکن حمایت کننده مردمی است در امر کمک رسانی پایه کار باشند. لازم است از آقای علوی ریاست اتاق اصناف که همدل و همراه ما مرکزند، تشکر کنیم و حضور سبزو صنوف و حضور گرم اقشار مختلف مردم و مسئولین را گرامی می دارم. در اینجا لازم است از سعید سیامکی نام ببرم. این شخص اینترگر، برای بازسازی و

ادامه در صفحه آخر



گزارشی از فعالیت‌های بخشداری مرکزی شهرستان بابل

اشاره:

بابل - خبرنگاران اطلاعات: بخش مرکزی شهرستان بابل زیر نظر فرمانداری ویژه این شهرستان که شامل سه دهستان بزرگ «فیضیه، گنج افروز و واسیو» در قالب دوشهر بابل و امیر کلاز جمعیت بیش از ۵۳۰ هزار نفری شهرستان بابل، بالغ بر ۳۵۰ هزار نفر را زیر پوشش خود دارد. در این ارتباط، این بخش در حوزه شهری بابل دارای ۲۵۰ هزار نفر جمعیت، در شهر امیر کلاز ۳۱ هزار نفر و در روستاها هم ۶۸ هزار نفر جمعیت است. با توجه به این آمار و ارقام می‌توان نتیجه گرفت که بخش مرکزی بابل از بخش‌های پر اهمیت، بزرگ و پر جمعیت شهرستان بابل قلمداد می‌شود. بخش مذکور، در سال‌های اخیر فعالیت‌ها و عملکردهای مطلوبی در حوزه‌های گوناگون زیر ساختی، عمرانی، اقتصادی و کشاورزی داشته و در حال گذر از برخی معضلات زیر ساختی دیگر از جمله آب شرب، جاده مواصلاتی و نیز تسهیلات بانکی و معضلات اجتماعی چون اعتیاد و طلاق است. اما همانطور که بیان شد، روند توسعه و پیشرفت به همت همه عوامل دخیل در امور بخش از جمله دولت خدمتگزار، فرماندار ویژه و تلاش شهرستان بابل، بخشداری متعهد و مسئولیت پذیر، دهیاری‌های خستگی ناپذیر و همچنین شوراهای اسلامی مردمی و دلسوز منطقه همسو، هماهنگ و با تعامل شایسته مشاهده می‌شود بر این اساس، خبرنگاران روزنامه اطلاعات برای آگاهی و آشنایی بیشتر مردم از کم و کیف فعالیت‌های مهم انجام شده در این بخش و وجود برخی مشکلات و طرح‌ها و برنامه‌های آتی قابل اجرادر بخش یا محمد حاجی اسماعیلی امیری بخشداری مرکزی که چندی هم عنوان شهردار شهر امیر کلاز داشته است، گفتگویی انجام دادند که ماحصل آن از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد.



پروژه متولی خاصی نداشت، تاکنون فقط ۱۰ درصد کار صورت گرفت و انتظار ما این است در آینده این طرح‌ها به نتیجه مطلوب برسد. از طرح‌های دیگر، در حوزه بخش مرکزی وجود ۷۲ نقطه آب بندان هست که این آب بندان‌ها مساحتی از ۲ هکتار تا بیش از ۳۰۰ هکتار است، لذا این آب بندان‌ها از نظر اقتصادی و گردشگری اهمیت خاصی دارد. برای همین سعی ما برای آنست در این ارتباط در آینده با توجه به آمادگی دهیاران و شوراهای اسلامی روستاها، سرمایه گذاران بخش خصوصی را برای توسعه و درآمد پایدار جذب کنیم. از سویی، تعریض جاده‌ها و پیگیری جدی طرح‌های روستایی، پیگیری و به سرانجام رساندن تعریض محورهای اصلی و آسفالت آن با اعتبارات دولتی و حمایت نمایندگان مردم در مجلس دریا، حمایت از صنایع کوچک و بزرگ که در بخش مستقرند و همچنین تقدیر و تشکر از نمایندگان در ارتباط با پیگیری دریافت بیش از ۵۰۰ میلیارد ریال تسهیلات برای ایجاد اشتغال در روستاهای بدون بیکار، برند سازی طرح کاشت گل محمودی و گل‌بگیری در روستای الله رودبار، تشکیل و صدور مجوز برای سمن‌های روستایی سازمان مردم نهاد به تعداد ۲۲۶ مورد در تمامی روستاهای بخش مرکزی براساس دستورالعمل‌های صادره از اداره کل امور اجتماعی استانداری مازندران و در قالب طرح واژه فرهنگی، اجتماعی، ورزشی، علمی و غیره از دیگر برنامه‌های بخشداری بخش مرکزی شهرستان بابل است.

زمین‌های کشاورزی، قابل استفاده نبودن اکثر چاه‌ها، فرآیند تهیه سوخت کشاورزی و ثبت نام و خدمات آن و هزینه بر و وقت گیر بودن، مشکلاتی را برای کشاورزان ایجاد کرده است. لذا پیشنهاد می‌شود کارت سوخت برای هر کشاورز تهیه و سهمیه سوخت در کارت مربوطه شارژ شود، ساخت و سازهای بی رویه در زمین‌های کشاورزی و تغییر کاربری، تجاوز به حریم و در بستر رودخانه‌ها و خصوصاً رودخانه بابلرود، استمرار در لایروبی رودخانه‌ها با توجه به سیلابی بودن رودخانه‌های حوزه بخش، نداشتن راه مواصلاتی مطلوب با توجه به قدمت آسفالت و یا شکستگی و خرابی آن در محورهای شهرهای بابل - سیمرغ و بابل به بهمنی که نیاز جدی به ایجاد جاده مناسب و کمک فرماندار ویژه و نمایندگان مردم بابل در مجلس شورای اسلامی برای دریافت اعتبارات ملی، عدم همکاری بانک‌ها برای انجام تعهدات و ارائه تسهیلات در حوزه تولید و اشتغال، پیگیری جدی برای ایجاد شبکه فاضلاب در شهرهای بابل و امیر کلا و غیره از آن جمله است.

طرح‌ها و برنامه‌های آتی

حاجی اسماعیلی امیری به طرح‌ها و برنامه‌های آتی این بخش هم اشاره کرد و گفت: در چارچوب «طرح ماندگار زمین» که از دستورات استاندار مازندران است، در سه محور با همکاری ادارات منابع طبیعی، هلال احمر، دهیاران و شوراهای اسلامی روستاها و دستگاه‌های مرتبط نسبت به کاشت درخت در جاده‌های اصلی اقدام شد، اما چون این

طرح‌های و تقدیر و تشکر از ریاست بنیاد مسکن شهرستان در اجرای طرح مذکور، یکی از مشکلات طرح‌های تیر برق‌هایی که از سال قبل بدون مجوز در راه‌های روستایی نصب شد و در زمان اجرای این طرح تیرهای برق در وسط معابر و راه‌ها قرار گرفتند که با توجه به اعتبارات، اگر بنیاد مسکن نسبت به جابجایی آن اقدام کند بخشی از اعتبارات طرح در این مسیر هزینه می‌شود، لذا شایسته است اداره برق، ضمن همکاری با بنیاد مسکن، مسئولین محلی روستایی نسبت به اصلاح طرح برق و جابجایی تیرها اقدام کند تا بنیاد مسکن براساس بودجه نسبت به اجرای کامل طرح اقدام بایسته را انجام دهند.

مدیریت بحران

حاجی اسماعیلی درباره مدیریت بحران، نظر خود را چنین بیان کرد: در ارتباط با بحران‌ها و حوادث غیر متوقعه تشکیل ۵ خانه هلال در مراکز دهستان‌ها و روستاهای علمدار و میرو دپشت با همکاری هلال احمر شهرستان به منظور امداد رسانی به روستاها تهیه امکانات و تجهیزات لازم از قبیل اهره موتوری، پمپ آب، بیل و سایر اقلام مورد نیاز در مواقع سیل و بروز حادثه و همچنین هماهنگی با هلال احمر برای آموزش روستائیان در مواقع بحرانی و امداد رسانی به مردم روستاها از اقداماتی بود که انجام گرفت.

مشکلات موجود در بخش

حاجی اسماعیلی در ادامه به مشکلات موجود در بخش مرکزی هم نگاهی گذرا کرد و گفت: یکی از مشکلات موجود در بخش در حوزه اجتماعی بحث طلاق و اعتیاد می‌باشد در این رابطه در آبان سال گذشته همایشی با حضور دهیاران، شوراهای اسلامی روستاهای مرتبط و مؤسسه پژوهش بیان که دارای مجوز از استان است در سالن هلال احمر با حضور مدیران استانی و شهرستانی با سخنرانی و تشکیل کارگاه آموزشی دکتر حسین ژناده عضو هیات علمی دانشگاه برگزار شد و از نتایج این همایش، تشکیل شوراهای حل اختلاف با شرکت دهیاران و امام جماعت و فرماندهان پایگاه‌های بسیج و معتمدین محلی بوده است که برای سازش و حل و فصل در سطح روستاها فعالیت می‌کنند. وی همچنین گفت: قریب ۲۲ روستای بخش از آب شرب سالم برخوردارند و در بقیه روستاها آب شرب به صورت هیات امنایی و در قالب مجتمع روستایی است. بخشدار مرکزی سپس به سایر مشکلات بخش از جمله بوسیدگی لوله‌های آب، عدم آسفالت، راه‌های روستایی، تقویت ترانس‌های برق، کمبود امکانات اولیه کشاورزی، هزینه‌های گزاف و عدم تطبیق

در پی وقوع سیل، دهیاری‌ها و معتمدین محلی و بنیاد مسکن نسبت به تهیه آمار منازلی که در روستاها دچار خسارت شده بودند، مانند برج خیل لنگرود در دهستان فیضیه اقدام و بنیاد مسکن توانست به ۹۰ درصد روستائیان خسارت دیده تسهیلات تعمیرات و نیز کمک‌های بلاعوض اعطاء کند نکته دیگر آنکه فعالیت‌های عمرانی بخش، در چارچوب بودجه در سال‌های گذشته و سال‌های جاری براساس پیشنهاد دهیاران به شوراهای اسلامی روستاها تعیین و با نظارت شوراهای این بودجه تصویب و برای یکسال فعالیت‌های عمرانی و جاری توسط دهیاری‌ها هزینه می‌شود

فعالیت‌های مربوط به شیوع ویروس کرونا

حاجی اسماعیلی درباره فعالیت‌های مربوط به شیوع ویروس کرونا تصریح کرد: دهیاران بخش مسئولان پدافند غیر عامل روستاها هستند در این ارتباط، جلسات متعددی برگزار شد تا دهیاران عزیز بتوانند از ظرفیت‌های پایگاه‌های بسیج و مراکز بهداشتی و معتمدین محلی نسبت به تشکیل ستاد اقدام کرده و پس از جمع آوری کمک‌های خیرین نسبت به ضد عفونی کردن، آهک پاشی، تولید ماسک و توزیع اقلام بهداشتی در سطح روستاها اقدام کنند. دهیاران به دنبال فرمایش مقام معظم رهبری در طرح مؤمنانه با کمک خیرین و یا شناسایی افرادی که در بحث کرونا آسیب دیدند مشارکت داشته و بسته‌های حمایتی به آنان تحویل داده‌اند و همچنان این امر ادامه دارد.

حوزه کشاورزی

بخشدار مرکزی بابل سپس با اشاره به کارکردهای حوزه کشاورزی اضافه کرد: اکثر زمین‌های کشاورزی شهرستان بابل در حوزه بخش مرکزی قرار دارد و براساس آمارهای موجود در این بخش ۱۵ هزار هکتار زمین کشاورزی شمالی، بدون احتساب حوزه شهری و تقریباً ۴ هزار هکتار هم باغ وجود داشته و مجموعاً ۱۹ هزار هکتار زمین‌های کشاورزی و باغات در بخش است. در این رابطه تاکنون فعالیت‌های چندی انجام شده که از آن جمله توسط جهاد کشاورزی با هماهنگی مجموعه دولت، نسبت به تسطیح اراضی کشاورزی سلیمان کلا، پائین بیشه سر، چماز کلا و استریدیکلا برای امنیت قضایی و همچنین توزیع نهادهای کشاورزی و آموزش کشاورزان از طریق مراکز خدمات کشاورزی اقدام شد.

فعالیت‌های طرح‌های

با توجه به اقدامات مناسب بنیاد مسکن در اجرای

وی ابتدا گفت: اینجانب محمد حاجی اسماعیلی امیری بخشدار مرکزی شهرستان بابل هستم. این بخش دارای سه دهستان و دو شهر بابل و امیر کلا، مجموعاً حدود ۳۵۰ هزار نفر جمعیت است. ۶۶ روستا که دارای شورای اسلامی اند، به عنوان نمایندگان مردم در خدمتگزاران به روستائیان تلاشی و آفری دارند. مضافاً ۶۴ دهیار داریم که به صورت حلقه خدمتگزار اولیه روستائیان با دولت، در مجموعه روستاها به مردم خدمات می‌رسانند. بخشدار مرکزی بابل ادامه داد: این بخش با شهرستان‌های قائمشهر، سیمرغ و بابلسر همجوار بوده و روستاهای بخش در ۶ محور این مناطق واقع هستند. حاجی اسماعیلی افزود: روستاهای بخش مرکزی چون به شهرستان بابل متصلند، متأسفانه مشکلات عدیده‌ای از ناحیه آبرسانی به ویژه آب شرب سالم دارند. البته تا کنون تلاش‌های زیادی برای رفع این مشکل انجام شد. با وجود آنکه، اعتبارات دولتی به دلیل تنگناهای موجود محدود بوده لکن کمک‌های نسبتاً خوبی از جانب دولت شده است. از سوی دیگر به دلیل حجم گسترده فعالیت‌های انجام گرفته، انتظار ما این است بخشی از هزینه‌ها از طریق اعتبارات سایر دستگاه‌ها و با کمک خیرین در قالب مجتمع‌های آبرسانی محقق شود.

اعتبارات سنوات گذشته بخش

حاجی اسماعیلی سپس با اشاره به کم‌کم‌های دولتی در سال‌های گذشته خاطر نشان کرد: در سال ۹۲ مبلغ ۲ میلیارد و ۶۷۰ میلیون تومان، سال ۹۳ مبلغ ۳ میلیارد و ۸۹۰ میلیون، سال ۹۴ مبلغ ۵ میلیارد و ۱۵۷ میلیون، سال ۹۵ مبلغ ۶ میلیارد و ۲۶۴ میلیون، سال ۹۶ مبلغ ۶ میلیارد و ۱۰۵ میلیون، سال ۹۷ مبلغ ۴ میلیارد و ۹۹۰ میلیون، سال ۹۸ مبلغ شش میلیارد و ۷۸۰ میلیون و در سه ماهه اول سال ۹۹ مبلغ ۳۹۵ تومان در قالب سرانه به روستاهای بخش مرکزی اختصاص داده شد و بودجه جاری روستاهای بخش هم در سال ۹۹ مبلغ ۱۷ میلیارد و چهارصد میلیون تومان است.

هزینه‌های اعتبارات

وی درباره هزینه‌های این اعتبارات اظهار داشت: بخش‌های زیادی از اعتبارات دولتی در کنار کمک‌های مردمی توسط دهیاری‌ها در پروژه‌های عمرانی و آبادانی روستاها و طرح‌های تعریض خیابانها و غیره با عاملیت بنیاد مسکن با توجه به هزینه‌های جاری به مصرف می‌رسد. این مسئول بخشداری درباره سبلی که در گذشته در بخش اتفاق افتاده بود، گفت:



تقدیر و تشکر بخشدار

بخشدار مرکزی شهرستان بابل در ادامه گفت: در اینجا لازم است از معتمدین، استاندار مردمی مازندران، معاونان، مدیران کل، کارشناسان استاندار، مهندس ولی زاده معاون استاندار و فرماندار ویژه شهرستان بابل، ائمه جمعه‌های شهرهای بابل و امیر کلا، نمایندگان مردم در مجلس، شهرداران بابل و امیر کلا، اعضای شورای اسلامی شهرهای بابل و امیر کلا، دهیاران و شوراهای اسلامی روستاهای بخش مرکزی اهتمام ویژه‌ای می‌نمودند داشتند تقدیر و تشکر کنم.

با حمایت خیرین نیک منش شهرستان بابل

یکی از آرزوهای به حق کودکان باز مانده از تحصیل برای علم آموزی محقق می‌شود

موسسه خیریه
همای گراست

نشست اصحاب رسانه با امام جمعه شهر امیر کلا

بابل - خبرنگاران اطلاعات: حجت الاسلام بابائیان امام جمعه شهر امیر کلا از ایران قوی، همبستگی ملی و مسئولیت اجتماعی به عنوان سه شعار اصلی گرامیداشت سالروز تشکیل نماز جمعه خیرداد. وی در نشست با اصحاب رسانه، از نماز جمعه به عنوان یک سنگرو دژی مستحکم در برابر دشمنان نظام نام برد و اظهار داشت: نماز جمعه سدی است که در مقابل تهدیدات و تهاجمات دشمن است. حاج آقا بابائیان در ادامه گفت: نماز جمعه محل پرورش جوانان مومن، انقلابی و پیرو ولایت است. در حالیکه امام جمعه امیر کلا دارای ۲۵۰ خانواده معزز شهید است در سال گذشته خدمت ۱۷۰ خانواده رسیدیم. وی بیان کرد: در طول این هفته ۵۳ برنامه را برگزار و در بحث کرونا ۱۵۰ میلیون تومان در نماز جمعه شهر امیر کلا جمع آوری و به نیازمندان کمک شد و در این ارتباط ۸۰۰ بسته حمایتی هم از طرف دفتر امام جمعه به اقشار نیازمند اعطاء شد. وی با اشاره به حضور مدیران کل دستگاه‌های اجرایی استان برای حل مشکلات مردم گفت: در ۲۰ ماه حضور به عنوان امام جمعه این شهر تا کنون بیش از ۳۰ مدیر کل از امیر کلا بازدید کردند. در این نشست حجت الاسلام بابائیان



از خبرنگاران و اصحاب رسانه به عنوان مطالبه‌گر واقعی مردمخواست، مشکلات شهروندان از جمله آب شرب، مسکن، تأسیس بخش‌داری و ادارات را به اطلاع مسئولان برساند. امام جمعه امیر کلا در ادامه گفت: ستاد اقامه نماز جمعه این شهر، به دلیل فعالیت‌های ارزشمند به عنوان «نماز جمعه» برتر استان مازندران معرفی شد.

برگزاری اولین کنفرانس ملی کسب و کارهای نوین در بابل

بابل - خبرنگاران اطلاعات: همزمان با ۶ مرداد، روز ملی مهارت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کارآفرینی، اولین کنفرانس ملی کسب و کارهای نوین در رشته مهندسی برق و کامپیوتر با همکاری دانشگاه فنی و حرفه‌ای کشور و میزبانی دانشگاه فنی و حرفه‌ای امام صادق (ع) بابل به صورت مجازی برگزار شد. در این همایش، دکتر بزرگی رئیس دانشکده فنی و حرفه‌ای امام صادق (ع) و رئیس کنفرانس به بیان اهداف کنفرانس و مأموریت‌های محوله دانشگاه فنی و حرفه‌ای پرداخت. سپس دکتر رجایی مدیر کل پژوهشی دانشگاه در سخنانی گفت: با توجه به تأکیدات دکتر صالحی ریاست عالی دانشگاه فنی و حرفه‌ای کشور در زمینه اهمیت مهارت آموزی، محورها و اهداف کنفرانس حاضر بوده است. در ادامه دکتر اصغر پور علمداری دبیر علمی و دبیر کمیته داوران در تشریح فرآیند اجرایی کنفرانس بیان کرد: ۲۰۰ مقاله به دبیر خانه ارسال شد که بعد از داوری، ۱۳۶ مقاله به صورت سخنرانی و پوسترد پنج پنل تخصصی پذیرفته شد. در این کنفرانس دکتر شمس الله قنبری و مهندس محمد رضازاده پیرامون محورهای کنفرانس به ایراد سخن پرداختند. پس از پایان ارائه مقالات، پنل‌های تخصصی پنج مقاله برتر توسط داوران انتخاب و به رسم یادبود تندیس کنفرانس به همراه لوح تقدیر و هدیه‌ای ویژه به صاحبان پنل‌های مقالات اعطاء شد.

انتصاب در مرکز خیریه‌های کرامت

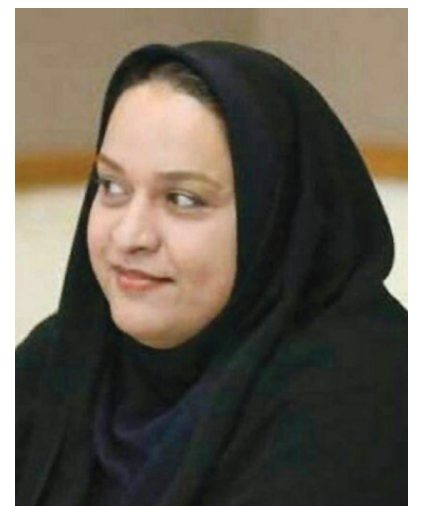


به پیشنهاد مهندس محمد شریف مرادی مدیر عامل مؤسسه خیریه‌های کرامت و با تصویب اعضای هیأت مدیره این مؤسسه خانم منا یوسف نژاد به عنوان مسئول روابط عمومی مؤسسه خیریه‌های کرامت منصوب شد.

سید سمیه شفیعیان نماینده خانه مطبوعات بابل ابقاء شد

بابل - خبرنگاران اطلاعات: اعضای هیأت مدیره خانه مطبوعات استان مازندران در نشست که برای انتخاب نماینده جدید خانه مطبوعات در (منطقه ۳) استان مازندران داشتند بار دیگر برای قاطع، سید سمیه شفیعیان، نماینده فعال و پرتلاش دوره گذشته را در سمت خود ابقاء کرد. گفتنی است، مسئولیت نمایندگی در (منطقه ۳) شامل شهرستان‌های بابل، بابلسر، فریدونکنار و سایر شهرهای زیر مجموعه شهرستان بابل است.

ویژه‌نامه اطلاعات بابل: این انتخاب ارزشمند و شایسته اعضای هیأت مدیره خانه مطبوعات مازندران را به سرکار خانم سید سمیه شفیعیان که نشانگر لیاقت، تعهد، مسئولیت‌پذیری، کارآمدی، و تلاش وافر ایشان در امور نمایندگی خبرنگاران و رسانه‌های شهرستان است به نامبرده تبریک می‌گوید.



قدمگاه سردار شهید سلیمانی در بابل نصب می‌شود



بابل - خبرنگاران اطلاعات: امام جمعه بابل از نصب قدمگاهی به عنوان نماد و یاد بود محل سخنرانی سردار شهید سلیمانی در شهرستان خبر داد. حجت الاسلام حسن روحانی امام در نشست خبری با خبرنگاران با محوریت چهل و یکمین سالگرد تشکیل نماز جمعه بیان کرد. وی گفت: به برکت انقلاب و فرمان امام (ره) نماز جمعه در تهران با اقامه شخصیت انقلابی و خطیب توانمند آیت الله طالقانی انجام شد. امام اولین نماز جمعه شهرستان بابل هم پس از فرمان امام (ره) در روز ۱۸ ذیحجه همزمان با عید غدیر سال ۱۳۵۸ به امامت آیت الله هادی روحانی اقامه شد. وی اضافه کرد: مرحوم آیت الله روحانی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۸ تا زمان رحلت به مدت ۲۰ سال نماز جمعه را در این شهرستان اقامه کرد و از سال ۱۳۷۸ تا کنون بنده وظیفه می‌کنم. وی درباره ارزیابی امام جمعه از عملکرد نماینده‌های مجلس دوره‌های قبل و حال خاطر نشان کرد: بحمدالله با حضور دو نماینده جدید این شهرستان، تاکنون دو جلسه کاری با آنان داشتیم و خروجی آینده جلسه، طلیعه امیدواری از برنامه‌های این دو برادر است. البته در گذشته هم کارهایی از سوی نمایندگان انجام شد، اما اگر انسجام بیشتری وجود داشت، مسلماً خدمت بیشتری انجام می‌شد. وی بیان کرد: این شهرستان دارای ۶ شهرونده که در همه این شهرها نماز جمعه برقرار است نهاد نماز جمعه به هیچ نهاد یا کسی وابستگی ندارد و تنها کمک‌های بزرگوارانه مردم است که دفتر مذکور را بهره‌مند می‌سازد. وی گفت: در پی شیوع ویروس کرونا از سوی نهاد نماز جمعه اقدامات خوبی صورت گرفت. در این رابطه سه بار کمک‌های مواصلات درصی نماز جمعه به مردم نیازمند شهرستان بابل و حتی سایر شهرها اعطاء شد. وی ادامه داد: مسئولان و مدیران دستگاه‌ها و ادارات باید بدون اعمال نفوذ و با توجه به شایستگی‌هایشان مسئولیت داده شوند.

جناب آقای عیسی محمدی فیروز جایی
رئیس محترم اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی
شهرستان بابل

با نهایت تأثر و تألم در گذشت «حاج کریم‌الدینی سید عباس هاشم‌ورزی» پدر همسران و دبیر خوشنام، رزمنده پیشکسوت و خادم و دلداره مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (ع) را به جناب عالی و خانواده محترم آن زنده یاد تسلیت می‌گوییم و برای بازماندگان صبر جمیل و آن مرحوم غفران و رحمت الهی را از خداوند سبحان خواستاریم.

سید حسین شفیعیان و آسیه خسروی
اردبیلی خبرنگاران روزنامه اطلاعات

اپلیکیشن همای کرامت

شماره کارت مؤسسه
۶۱۰۴ - ۳۳۷۹ - ۱۹۳۷ - ۸۸۲۶

بابل، خیابان نواب صفوی، روبروی اشرفی ۱۲، جنب گالری بابل نور
تلفن دفتر مؤسسه: ۰۱۱ - ۳۲۲۹۷۲۳۰ ۰۹۱۱ ۳۱۳ ۹۸۳۳

homaye_keramatngo @ homayekeramatngo

مرکز معلولین مرحوم نوشیروانی نگینی؛ درخشان بر تارک خدمات رسانی خیر خواهانه در بابل و مازندران

پیشخوان
Pishkhan.com



مرکز کمک‌های شایان توجهی داشت و در این رابطه بیش از دو میلیارد تومان هزینه کرد و حتی در بعضی از ماهها پرداخت حقوق پرسنل مرکز را هم تقبل کرد. وی اکنون نقش مشاور بنده را در مرکز دارد و نگاه خاصی به این مکان داشته و مرکز را جزو دارالایتم می‌داند. لازم می‌بینم از یکایک پرسنل زحمتکش مرکز از جمله آقای شاه حسینی معاون، مددیاران و خادمان و کارکنان آن بدلیل زحماتشان برای نگهداری معلولین که دارای مشکلات عدیده حرکتی، فلج مغزی، ضریب هوشیاری بسیار پایین و موارد دیگرند تشکر کنم. همچنین تشکر ویژه از امام جمعه معزز، معاون استاندار و فرماندار ویژه شهرستان و سایر مدیران خیرخواه ادارات دارم. در پایان لازم است از اعضای هیأت امنا و هیأت مدیره مرکز به ویژه از حجت الاسلام سید رضا باقریان رئیس دادگستری که تلاش وافر در انجام رسالت سنگینی که در مرکز دارند تقدیر و تشکر کنم.

اعضای هیأت امنا و هیأت مدیره مرکز

- ۱- حجت الاسلام سید رضا باقریان (رئیس دادگستری) و رئیس هیأت امنا
- ۲- دکتر ولی الله آرش (نائب رئیس)
- ۳- دکتر حاج آقا تبار (بازرس)
- ۴- فرامرز ابوالحسنی (رئیس شورای اسلامی شهر، رئیس هیأت مدیره، خزانه دار و عضو هیأت امنا)
- ۵- مرتضی بزرگی (مدیرعامل مرکز و نائب رئیس هیأت مدیره و عضو هیأت امنا)
- ۶- دکتر تقی نتاج (عضو هیأت امنا)
- ۷- حجت الاسلام مظاهر کیانژاد (عضو هیأت امنا)
- ۸- حسن بزرگر (رئیس اداره اوقاف و عضو هیأت امنا)
- ۹- دکتر مصطفی جوانیان (معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی و عضو هیأت امنا)
- ۱۰- دکتر مهدی جابمند (رئیس اداره آموزش و پرورش و عضو هیأت امنا)

گفتگو با رئیس هیأت مدیره مرکز

فرامرز ابوالحسنی رئیس هیأت مدیره مرکز نگهداری معلولین زنده یاد نوشیروانی و رئیس و عضو قدیمی شورای اسلامی شهر بابل در گفتگو با خبرنگاران روزنامه اطلاعات اظهار داشت: ۱۷ مرداد روز خبرنگار، روز شهادت شهید صارمی را به همه خبرنگاران تبریک می‌گویم. وی اضافه کرد: مرحوم نوشیروانی ابر مرد خیر

معاونت بهداشتی و دوستان حقیقی مانند دکتر آرش، دکتر حاج آقا تبار، دکتر تقی نتاج، حاج آقا کیانژاد، آقای بزرگی (مدیرعامل مرکز) که زحمات زیادی را متحمل می‌شوند، تشکر می‌کنم. وی تصریح کرد: خواست من از همه احاد مردم به ویژه خیرین این است که این مرکز را فراموش نکنند. از متدینان انتظار دارم که زمان بیشتری را برای حضور در این مکان اختصاص دهند. این مرکز، مکانی است که همیشه مورد الطاف بزرگان، مدیران شهر و به ویژه امام جمعه است. ابوالحسنی درباره مشکلات مرکز هم گفت: با توجه به شرایط اقتصادی کشور و فضای کسب و کار این که مردم و خیرین دچار تنگناهای مالی شده‌اند، نگاه ما این است که برای آینده این مرکز درآمدهای پایدارتری ایجاد کنیم و شاید یکی از راهکارها، احداث واحدهای تجاری باشد. البته ناگفته نماند، دولت هم حمایت‌هایی می‌کند، اما انتظار من این است که خیرین توجهشان را از بیشتر کنند.

مهم خدمت افتخار می‌کنم. ابوالحسنی درباره خدمات ارزنده مرکز چنین بیان کرد: در این مرکز کارکنان دلسوز و زحمتکش، اقدامات فوق العاده‌ای پیرامون معلولین عزیز که بخشی از آنان یتیم و بخشی دیگر بدسرپرست و بی سرپرست هستند، می‌شود و همه خادمان این مؤسسه از اعضای هیأت امنا، تا اعضای هیأت رئیسه و مدیرعامل پرتلاش فعالیت‌های خدایسندانه و متعهدانه‌ای دارند و هر عمل مثبتی که در مرکز انجام می‌گیرد، گویی دست خداست که مرکز را اداره می‌کند. مضافاً آنکه، نگاه همه مسئولین شهر و خیرین بزرگوار نسبت به مرکز قابل ستودنی است. وی در ادامه با تشکر از همه افرادی برای این مرکز فعالیت‌های ارزنده‌ای می‌کنند خاطر نشان کرد: اول از همه خیرین تشکر می‌کنم. اخیراً خبری به نام سعید سیامکی کارهای ارزشمندی در مرکز انجام داد و عاشقانه به مرکز کمک می‌کند. لازم است از اعضای هیأت امنا از جمله رئیس دادگستری، رئیس آموزش و پرورش، رئیس اداره اوقاف،

ایران عزیز، نامش در سراسر کشور می‌درخشد و به عنوان یک خیر بزرگ که خدمتش مانند نوری در جامعه تالو دارد، شهرت دارد. وی که سنگ بنای نیکوکاری و خیرات را گذاشته در راه امور خیریه از جمله آموزش، بهداشت، یتیمان، مدرسه سازی، معلولین و افراد نیازمند توجه جدی داشت. نهضتی که این بزرگمرد در امور خیریه برپا کرد موجب شد افراد زیادی از وی الگو بگیرند و اکنون شهرستان بابل در امور خیریه جزو ۱۰ شهر خیر کشور تلقی می‌شود و برای همین یاد و خاطره زنده «یاد سید حسین نوشیروانی فلاح» هرگز فراموش نخواهد شد. وی بیان کرد: آنچه آن مرد نیک منش را ترغیب کرد که به امور خیریه بپردازد، علاوه بر نودوستی و انسان دوستی، آموزه‌های دینی وی بود. رئیس هیأت مدیره مرکز در پاسخ به این سؤال که هدفشان از حضور در مرکز معلولین چه بود بیان کرد: از اینکه در شورای شهر با سوابق چندین ساله و در مرکز معلولین حضور دارم به این حضور در این دو تجلیگاه

نیازمندی های ماهانه موسسه خیریه نگهداری معلولین ذهنی زنده یاد نوشیروانی بابل



لوازم بهداشتی و پزشکی
گاز غیر استریل ۷ کیلو
گاز استریل ۱ بسته
دستکش لاتکس ۸ بسته
دستکش نایلونی اکارتن
کیسه زباله ۱۷ کیلو
کرم موبر ۵۰ عدد
چسب ضد حساسیت ۴ بسته
دهان شویه ۱۳ عدد
خمیر دندان ۲۰ عدد
پنبه ۲ بسته
الکل ۲ شیشه
دستمال مرطوب ۲۴ بسته

خواروبار
ماکارونی ۸۸ بسته
ورمیشل ۷۵ بسته
رب گوجه ۱۲۵ قوطی
نخود فرنگی ۱۷ قوطی
آلبیمو ۴۵ لیتر
روغن مایع ۱۲۵ لیتر
سس مایونز ۱۲ کیلو
چای ۱۵ کیلو
بیسکویت ۳۰ کارتن
عسل ۴۰ کیلو
قند ۵۰ کیلو
شکر ۲۳۰ کیلو

میوه و تره بار
سیب زمینی ۲۶۰ کیلو
پیاز ۱۶۵ کیلو
هویج ۷۰ کیلو
سیب میوه فصل ۱۱۰ کیلو
موز ۹۱ کیلو
گوجه فرنگی ۱۰۸ کیلو

غلات و حبوبات
برنج ۶۶۰ کیلو
آرد برنج ۹۵ کیلو
عدس معمولی ۳۵ کیلو
عدس پوست کنده ۳۳ کیلو
لوبیا چیتی ۱۹ کیلو
لوبیا سفید ۷ کیلو
نخود ۷ کیلو
لپه ۷ کیلو
کشمش بوی ۱۰ کیلو
زرشک ۱۰ کیلو
جو ۲۷ کیلو
نان ۱۸۰۰ قرص

لبنیات
شیر ۱۴۰۰ لیتر
پنیر ۶۸ کیلو
کره ۱۷ کیلو
شیر خشک ۱۶ قوطی

مواد پروتئینی
گوشت ۳۷۵ کیلو
مرغ ۱۹۷ کیلو
تخم مرغ ۲۶ شانه
ماهی ۶۰ کیلو
مواد شوینده
پودر لباسشویی ۱۵۵ بسته
پودر رختشویی ۶۳ بسته
مایع ظرفشویی ۶۰ لیتر
مایع دستشویی ۶۰ لیتر
مایع سفیدکننده ۱۲۵ لیتر
اسید ۱۳۰ لیتر
پودر صابون ۲ کارتن
ساولن ۹ لیتر
شامپو ۶۷ عدد
صابون گلنار ۸۰ عدد
کالر ۱ کیلو

(به صورت شبانه روزی)
خیابان شریعتی، نبش معلم ۲۱
شماره کارت بانک رفاه: ۵۸۹۴ ۶۳۷۰ ۰۰۰۰ ۴۴۰۵

عملکرد کمک‌های مالی به مؤسسه نگهداری مرحوم نوشیروانی

مؤسسه نگهداری معلولین مرحوم نوشیروانی در طول سال مبالغی را به عنوان پرداخت یارانه دولت و کمک‌های مردمی دریافت می‌کند که در این ارتباط در سال ۹۸ برای هزینه‌های سالانه یک معلول مبلغ ۳۴/۹۱۰/۱۴۴ ریال و با توجه به وجود ۱۲۰ معلول، کل هزینه‌های جاری مرکز با احتساب هزینه‌های بهداشتی، رفاهی، خدماتی، دارویی و درمانی، مواد غذایی و منابع انسانی مبلغ ۴۱/۱۴۹/۲۱۷/۳۱۴ ریال اختصاص داده شد.

عملکرد در آمدی مرکز در سال گذشته

مشارکت نقدی:	۷/۷۹۹/۱۹۶/۴۹۸ ریال
کمک دولت به ازای نگهداری ۱۲۰ معلول:	۲/۲۰۲/۶۳۶/۰۰۰ ریال
مشارکت غیر نقدی شامل (برنج، گوشت، روغن و ملزومات):	۶/۸۱۳/۱۷۸/۹۷۶ ریال
شهریه به توانخواه:	۳/۸۰۲/۶۳۴/۰۰۰ ریال
فقره به نقدی:	۱/۰۲۹/۷۵۶/۰۰۰ ریال
صندوق نذورات:	۸۷۴/۵۵۶/۴۰۰ ریال

جمع کل: ۴۲/۵۲۱/۹۵۷/۸۷۴ ریال

تماس با مرکز معلولین مرحوم نوشیروانی

Mnmnbabol@gmail.com
www.mnmnb.ir
گوگل اینستاگرام
markaze_maloline_noshirvani
تلگرام fereshtehaye_zamini

شماره کارت بانک رفاه:
۵۸۹۴۶۳۷۰۰۰۰۰۴۴۰۵

آدرس: بابل - میدان جمهوری «حمزه کلا»
شماره تماس: ۰۱۱-۳۲۳۳۰۳۳۱-۳۲۳۶۱۸۳۱